

UNIVERSAL
LIBRARY

OU_228392

UNIVERSAL
LIBRARY

کتاب

(تاریخ نهضت ایران)

تألیف

ح. مدیر حلاج

ناشر
علی اکبر سلیمی

صاحب
موسسه مرتبی

آبان ماه ۱۳۱۲

حق ترجمه و تقلید و طبع محفوظ است

قیمت هر جلد ۸ ریال

طهران

مطبعة مهر

فهرست مندرجات



- ۱ - دیپاچه
- ۲ - پیدایش مشروطیت در ایران
- ۳ - هیجانات اولیه و قیام عمومی
- ۴ - توسل به بیگانه
- ۵ - دوره اول - انتخابات طبقاتی
- ۶ - تأثیر نهضت مشروطه و معاهده ۱۹۰۷
- ۷ - مهاجرت و جنگ بین الملل
- ۸ - فرق سیاسی در ایران
- ۹ - اثرات جنگ بین الملل در ایران
- ۱۰ - مهاجرت و کمیته دفاع ملی
- ۱۱ - قرار داد ۱۹۱۹
- ۱۲ - تاریخ مطبوعات ایران « روزنامه نگاری »
- ۱۳ - اوضاع قبل از کودتای ۱۲۹۹
- ۱۴ - پایان و نتیجه
- ۱۵ - ضمیمه

يك پرده از تاريخ معاصر

این همه نقش که بر صحنه کیتی پیداست

سینمائست که از دیده اختر گذرد

عرصه پهناور گیتی بمنزله نمایشگاه دائمی است که افراد بشر همانطور که فوج فوج از کتم عدم پا بعرصه وجود میگذارند در این صحنه متناوباً حضور یافته و چندین پرده از نمایشهای کوچک و بزرگ آنرا تماشا کرده و با يك سلسله خاطرات تاح یا شیرین کرسی خود را بتماشاچیان دیگری واگذار و از این سالون خارج میشوند.

دفتر خاطرات هر فردی فقط همان چیزهایی را یادداشت میکند که در این صحنه با چشم خود دیده و بقدر قوه فهم و ادراك خویش در اطراف آن اندیشه هایی بافته و از روی همان تصورات قضاوت هایی کرده و گذشته است و یگانه دستگاه عظیمی که میتواند تمام رشته های این فیلم لایزال بی بدایت و نهایت را بهم اتصال داده و حوادث گوناگون و تطورات بیحد و حصر آن را یادداشت کرده در جلو چشم حاضر و غایب مجسم سازد همانا تاریخ است که کم و بیش حلقه های مختلفه را بهم ارتباط داده و طومار درهم پیچیده زمان را از قدیم تا جدید در مقابل چشم همگان باز و چون جام جهان نما نقاط مجهول و وقایع فراموش شده را در لوح حافظه خوانندگان خود معلوم و یادآوری میکند.

آنچه همین آینه جهان نما یعنی تاریخ نشان میدهد هیچك از قرون و اعصار گذشته دنیا بقدر يك قرن اخیر آمیخته بحوادث و اتفاقات

و علوم و اختراعات گوناگون نبوده و اگر دفاتر حوادث بشریت را از بدایت تا نهایت ورق زیم شاید کمتر نظیر اتفاقات و اختراعات و اکتشافات متوالیه این عصر را در آنها بیابیم و از این جهت میتوان گفت که دفتر خاطرات تماشاچیان عصر حاضر بیش از تمام کسانی که در قرون ماضیه در این نمایشگاه حضور داشته اند آمیخته با یادداشتهای مجیر العقول و کم نظیر است.

بدیهی است لذت هر تماشائی را بیشتر کسی میبرد که در ابتدا فاقد آن بوده و بعد واجد شده است و مزیت مخصوصی که خاطرات معاصرین ما بر اسلاف و حتی ائتلاف خود دارد همین است که بیشتر این حوادث و اختراعات در زمان اینها بوجود آمده و آن لذتی را که شتر سوار یا کجاوه نشین دیروز از اتومبیل و راه آهن و طیاره امروز میبرد یا آن استفاده که قاصد فرست دیروز از تلگراف و رادیو و هزاران وسائل اصطلاحی امروز میکنند هیچوقت اسلاف او که تصور این اختراعات را هم نمیکردند یا اخلافش که این آلات و ادوات را جزء امور عادی و همیشگی خواهند نداشت نبرده و نخواهند برد.

مخصوصاً داستان انقلاب مشروطیت ایران و فداکاریهایی که از طرف ملیون وطن پرست برای نجات این مملکت از چنگال بایات گوناگون بعمل آمده و کوششهایی که برای نشر تمدن و پیشرفت ترقی و تعالی این سر زمین باستانی در عصر پر افتخار پهلوی شده و میشود بمنزله يك سرگذشت شگفت خیز و حیرت انگیزی است که خواننده آن پس از دیدن يك سلسله پردههای حزن انگیز و دلخراش بالاخره مواجه با مشاهده يك عاقبت محمود و نتایج روح بخش و مسرات افزائی میشود.

که زنگ الم و کدورت از لوح خاطرش زدوده شده و خستگیها و مایوسی ها و تأسفات بی حد و حصری که از مشاهده یا مطالعه وقایع و حوادث ایلم قبل از کودتای مقدس ۳ خوت ۱۲۹۹ در روحش حادث شده پس از دیدن پیشرفتهای معجزه مانند عصر بهلوی یکمرتبه به روح امیدواری و غرور ملی و نشاط حیات آمیزی مبدل میگردد.

متأسفانه تاریخ این انقلاب بزرگ و حوادث خطیره با آنکه اشاره نمودیم که از تمام حوادث تاریخی گذشته مهمتر و جالب توجه تر است تاکنون منظمآ تدوین نشده و جز یادداشت های مختصری که بعضی دانشمندان معاصر برای خود تهیه کرده اند کتابی که تمام ابناء وطن را از جربان امور کماهی آگاه و مطلع سازد در دست نیست.

فقط تاریخ بیداری ایران که بقلم مرحوم مجدالاسلام کرمانی بطور مجله متدرجاً طبع میشد تا یک اندازه مقدمات طالع و پیشرفت مشروطیت را تدوین کرده ولی موفق بختم آن نگردیدیم و اینک مایه بسی خوشوقتی است که یکی از همکاران با ذوق ما آقای حلاج در صدد انجام این خدمت مهم برآمده و تا آنجا که دسترس داشته است کتابی جامع و مختصر راجع بنهضت ایران تألیف و اینک جلد اول آنرا که منتهی بطالع کوکب بی زوال بهلوی میشود در دسترس مطالعه عموم میگذازد و امیدواریم موفق شود جلد دوم آنرا که تاریخچه پر افتخار دوره با عظمت بهلوی است بطبع رسانیده و حوادث و ترقیات مسرت خیز این عصر را نیز بر صفحات جاوید تاریخ برای آیندگان بیادگار گذارد.

تاریخ نهضت ایران که فعلاً از طبع خارج شده کتابی است که با نهایت بیطرفی و بی غرضی امهات حوادث را بدون اعمال نظر مخصوص

بطور اختصار یادداشت کرده و مخصوصاً گراورهای زیادی که از اشخاص مهم تاریخ مزبور تهیه و طبع شده بر مجسمات آن بیشتر افزوده و آنرا يك كتاب كامل معرفی میکند که تمام افراد داخلی و خارجی میتوانند همان استفاده‌هائی را که حقیقتاً از يك كتاب تاريخ حقیقی^۱ باید نمود از آن بنمایند .

من بسهم خود باقای حلاج نویسنده با ذوق این کتاب تبریک و تهنیت گفته و از خداوند متعال توفیق ایشان را در اتمام و نشر قسمت ثانی در خواست مینمایم .

یدالله - مایل نویسرکانی





جدید کننده جلالت و عظمت ایران باستانی
اعلی حضرت شاهنشاه پهلوی خلد الله ملکه

تاریخ نهضت ایران

بنام خداوند بخشاینده و مهربان

دیباچه

کره خاک که مسکون از اولاد آدم است یا بگفته دانشمند شیراز سعدی (سرای دو در) جولانگاه یا محل تلاقی انواع حیوانات و میدان مبارزه صنوف غالب و مغلوب میباشد - که از آن زمره قافله های بشریت نسل به نسل یا نژاد به نژاد با پیوند طبیعی و تکوین بهم اتصال یافته از طرفی داخل و از جهتی خارج میشوند ، راستی اگر بدیده عبرت و دقت در این دار فانی نگریسته شود - ملاحظه خواهد شد که در این صحنه نمایش حیرت آور گوئیا هر دسته از موجودات جاندار را بازی مخصوصی آموخته اند که از بدو تولد شروع و با آخرین دقیقه پرواز روح از کالبد ظاهراً خاتمه میپذیرد در این میان خوشبخت و سعادتمند آن جمع یا فردی است که بواسطه غلبه شهوت و طمع از وظایف بندگی باز نمانده آنچه استاد ازل تعالیم داده و موجود برای آن بوجود آمده و با زبان بیزبانی گشوده است بگو - آن گفته و امانت خلقت را بسر منزل مقصود تحویل داده و رفته اند چنانکه ما بحکم و اراده خود نیامده ایم و بمیل و اراده خویش قالب از روان تهی نخواهیم ساخت - لازم است دانسته و آگاه باشیم که خلقت موجودات عبث نبوده و هر بنده را نسبت به پروردگار خود وظایفی است که در صورت عدم انجام آن کفران نعمت و فاسفه خلقت خود را نشناخته ایم ،

بنظر نگارنده وظیفه اولیه اولاد آدم عبارت است از خدمت به آبادی و ترقی مادی و معنوی جهانیان. محبت و صمیمیت با همنوع و سعی و کوشش بطرف ترقی و کمال

هدتی دراز با خود اندیشه مند بوده و میگفتم: حلاج، تودر ظرف پنجاه سال نشیب و فراز پست و بلند دیده و با سوانح زیاد روبرو شده و با غالب تحولات و حوادث و اتفاقات اجتماعی ایران همعنان بوده، چه ضرر دارد خاطرات دوره زندگانی را بطوریکه استنباط نموده و فهم کرده برشته تحریر در آورده ییادگاری ناچیز باقی بگذاری؟ تا تاریخ معاصر ایران در عالم مطبوعات وطن ثبت و برای نسل آینده و طالبان فهم گذارش نهضت ایران در قرون اخیره خاطره پایدار مانده و بجهت ارباب ذوق هم مایه عبرت و تنبه و هم باعث تفریح گردد چه با ترقیاتیکه اخیراً نصیب ایران جدید شده و کشوردار یوش عظمت و آبادی دیرینه را تجدید نموده و بطرف کمال پیش میرود. قریباً اوضاع شرب الیهود ایام ناگوار تا قبل از کودتای مقدس ۱۲۹۹ شمسی هجری از انتظار نسل معاصر فراموش علاوه بر آنکه مقیاسی برای تطبیق وضعیات قبل و بعد در دست نیست زحمات و فداکاری های نامداران ملت پرور نیز بطاق نسیان برتاب و بالنتیجه برای دانستن تاریخ نهضت وطن عزیز باید بکتاب نگارندگان بیگانه که هر يك با نظری مخصوص تألیف و بمعرض استفاده گذارده شده مراجعه و از هر حیث خواننده گمراه شده و تاریخ ملت خود را از دریچه عینك ارباب غرض معاینه نمایند.

خلاصه: مجملی از مطالعات و یادداشت خاطرات خود را بر

روی صفحات کاغذ ترسیم نموده از خدا مغفرت و از قرائت کنندگان
عزیز چشم پوشی از لغزش و اشتباه و خطا را طالبم .
غرض نقشی است کز ما باز ماند
که هستی را نمی بینم بقائی

پوشیده مباد آنکه نگارشهای مذکور در این کتاب مشحون
از یگرشته حوادث و تطورات میباشد که در وطن عزیز ما ایران رخ
داده، و خلاصه ایست در دودبیاچه و پایان و دوازده فصل بدین ترتیب
از عالم پیدایش مشروطیت، و حوادث ادوار مختلفه آن تا قبل از سوم
حوت ۱۲۹۹ شمسی، مداخلات بیگانگان تا مهاجرت و اثرات آن،
جنگ بین الممال و تاثیر آن در ایران، تصادم نفوذ روس و انگلیس و
قرارداد ۱۹۱۹ میلادی - مختصری از تاریخ احزاب و مطبوعات ایران، بالجمعه
نشان دادن وضعیات جریان نهضت فکری و اجتماعی برای اخذ تمدن جدید.
سرگذشتی را که مینگارم، شامل ملاحظات و مشاهدات و
استنباطات و مطالعاتی است که در نتیجه تماس با جریانات از مجاری موثق
شنیده یا دیده و یاد در کتب و مطبوعات مطالعه کرده ام.

امیدوارم گردش قلم طوری باشد که بدون انحراف از خط مشی
بیغرضانه تالیف خود را تدوین نموده بمعرض افکار عمومی بگذارم
اینست مقصد و منظور نویسنده تا الهام غیبی را در ضمیرم چه اثر افتد
ح. حلاج

فصل اول

پیدایش مشروطیت در ایران

تاریخ نهضت تجدد و مشروطیت را در ایران باید از زمان و دوره محسوب داشت که ایران دستخوش سیاست مغرب زمین گشته و صحنه مملکت میدان رقابت دول اروپائی شده است بطوریکه میدانیم از اواسط دوره فتحعلی شاه قاجار بین سنوات ۱۲۵۰ الی ۱۲۶۰ هجری قمری بوسیله پیشرفت و غلبه قشون روسیه در سواحل دریای سیاه از طرفی و قفقاز و ترکستان و بنادر بحر خزر از طرف دیگر، توجه ناپلئون به شرق و هند، تاخت و تاز و تسلط انگلیس ها در سراسر هندوستان، موجبات و اسباب رفت و آمد ایرانیان را به ممالک اروپا فراهم و انظار عقلا و متفکرین با وضاع و عاوم و قنون و نظامات فرانکستان بیش از پیش جاب گزید، از سنه ۱۲۳۶ الی ۱۲۴۲ هجری قمری دوره ده ساله زد و خورد ایران و روس مخصوصاً بعد از شکستهای پیایی لشکریان ایران بواسطه اساجه ماشینی و آتشی از مهاجمین روسی، توجه بیشتری باخذ تمدن جدید در طبقات عالی و رجال حل و عقد مبذول گردید، بعلاوه ایاب و ذهاب فرنگیان بایران و مأمورین ایران بفرنگ از دیاد پذیرفته و ادخال نفوذ و تمدن و نظامات فرنگ بیشتر توسط عباس میرزا نایب السلطنه در سال ۱۲۵۶ هجری قمری بوسیله مستشاران انگلیس و فرانسوی بدو در قشون و سپس در صنایع و دوائر سیاسی و مالی عملی گردید، و نیز در تسریع نفوذ غرب بایران بیشتر از سایر طبقات ارامنه ساعی بودند، چه بواسطه ارتباط و بستگی مذهب ارامنه با ممال مسیحی فرنگ از دوره صفویه باینطرف بویژه عصر شاه عباس کبیر، غالباً عهده دار تجارت و مبادله

اجتناس اقتصادی با اروپا بودند و در این زمینه دخالت مؤثری داشته اند درین رجال آندوره مرحوم میرزا بزرگ و میرزا ابوالقاسم قائم مقام بیشتر از سایرین بذل مساعی جهت اجرای نظامات غربی در امور مملکت داری نموده اند ولی اثر عمده پیشرفت نهو ذعلم و فن مغرب در ایران از دوره میرزا تقی خان امیر کبیر شروع و مرحوم امیر (*) عالمانه خرابی اوضاع ملک و ملت را با چشم بصیرت مشاهده و اصلاحات جدید از قبیل ایجاد و تاسیس دارالفنون (۱۲۶۸ هجری قمری) و اعزام محصل علمی و فنی باروپا - تنظیم و تسبیق بودجه را فراهم - و بعداً در سنه ۱۲۷۹ هجری قمری اولین کتابچه قانونی یادستور عدالت خانه با فرمان اجرای آن از طرف ناصرالدین شاه بطوریکه ذیلا نقل میشود توسط حاجی علی خان اعتماد - السالطنه وزیر عدالت خانه و حاجی محمد قلی خان قاضی تحقیق مجری گردیده است

ایجاد و تاسیس دارالشورای دولتی در سال ۱۲۸۱ قمری صورت عمل بخود گرفته و مرحوم میرزا حسین خان سپهسالار جدیت مخصوصی (*) میرزا تقی خان امیر کبیر علاوه بر اعزام محصل برای فرا گرفتن علم و هنر جمعی از اهل صنعت را بفرنگ فرستاد تا در کارخانجات عملاً هنر آموخته و مراجعت نمایند، از جمله عده اعزامی مذکور آقا رحیم اصفهانی است که در سال ۱۲۶۸ هجری قمری در طهران ایجاد کارخانه بلور سازی نموده و در اصفهان تاسیس کارخانه کاغذ سازی کرده که عملاً کارخانهای مخروبه کاغذ سازی در محل پائین دروازه اصفهان موجود است

در همان اوان یعنی بین سنوات ۱۲۶۸ الی ۱۲۸۲ هجری قمری بطوری که مرآت البلدان تذکر میدهد در ایران نهضت صنعتی برای تاسیس و ایجاد صنایع جدید بعمل آمده، چنانکه با دست هنرور ایرانی کارخانهای کاغذ سازی و ریسمان ریزی در طهران دایر و در مازندران کارخانه شکر ریزی ایجاد شده است ولی بعداً بواسطه عدم توجه رجال قاجاریه با بادی مملکت از بین رفته است.

در ادخال تمدن و نظامات غربی بعمل آورده و به جلسات مشاوره هیئت وزراء رسمیت بخشیده اند

چنانکه شورای وزراء در تحت ریاست خود آن مرحوم رسماً در روز دوم شوال ۱۲۸۹ قمری مفتوح گردید

شورای وزراء مرکب بود از صدارت عظمی، وزارت داخله، وزارت خارجه، وزارت مالیات، وزارت جنگ، وزارت عدالت خانه، وزارت علوم، وزارت فواید، وزارت تجارت و فلاحت اینست فرمان تاریخی قانونی عدالت خانه که از نظر خوانندگان میگذرد

فرمان ناصرالدین شاه

راجع بدستور عدلیه و اجرای کاپیتولاسیون!

فصل اول

در تکلیف سایر وزارتخانهها بادیوان عدلیه اعظام

وزارت امور خارجه

نظر بآنکه یکطرف مدعی یا مدعی علیه از تبعه خارجه خواهد بود باید کاریکه فیما بین تبعه این دولت و اتباع خارجه اتفاق می افتد، بگذرد باین جهت از وزارت عدلیه مداخله در آن جایز نیست!! مگر اینکه تبعه خارجه نیز باطلاع سفارت آن دولت و وزیر امور خارجه خود رجوع بادیوان عدالت نمایند - البته باید رسیدگی و احقاق حق بعمل آید توضیح آنکه اگر از متداعیین یکی از تبعه خارجه باشد این خالی از دو صورت نیست: یا عارض اعم از داخله و خارجه بصرافت طبع خود بوزارت عدلیه رجوع خواهد کرد، وزارت خارجه کاری که در این میانه خواهد داشت فرستادن و کیلی است بوزارت عدلیه که از

بدو تاختم گفتگو مستحضر شده مراتب را بوزارت خود اطلاع دهد
و اگر بعکس باشد از وزارت عدلیه همین وکیل در وزارت خارجه لابد
حاضر خواهد شد

برای ختم کار و کسب استحضار این دو وزارت در این دو قسم
مباحکات که یکی خارجه باشد و دیگری داخله حتماً از ختم گفتگو باید
یکدیگر را اطلاع دهند و باستحضار هم قطع و فصل گفتگو را بنمایند

سایر وزارتخانهها

نظر باینکه لفظ عارض مخصوص است باینکه در دیوانخانه
عدالت رسیدگی و احقاق حق شود و ابداً احدی از متعلقات سایر وزارت
خانهها را از عرض بدیوان عدلیه اعظم نباید ممانعت کنند فرضاً اگر
دو نفر تاجر یاد و نفر از اهل نظام یا از دفتر استیفا و غیر اینها رجوع
بدیوانخانه عدالت نمایند بدقت غوررسی نموده و احقاق حق بعمل خواهند
آورد . و اگر مدعی یکی از وزارتخانهها باشد که مدعی علیه از ابواب جمع
آن وزارتخانه باطلاع آن مأمور دیوان عدالت رسیدگی و احقاق حق
نمید و کیفیت قطع و فصل مابین مدعی و مدعی علیه را از آن وزارتخانه
بدیوان عدالت خواهد فرستاد که بعرض حضور همایون برسد و
اگر مدعی از یک وزارتخانه و مدعی علیه از وزارتخانه دیگر باشد ، که
مدعی بدیوان عدالت آمده و عارض گردد ، وزیر دیوان عدلیه می باید
طرفین را حاضر نموده و غوررسی و احقاق حق را بعمل آورد ، مثلاً تاجر
یا بزاز یا بقال و کاسبی از یک نفر صاحب منصب یا تائین قشون ادعای طایبی
یا اظهار تظلمی نماید ، یا بالعکس بدیوان عدالت عارض شود ، وزیر دیوان
خانه عدالت میباید بانوشته در کمال ادب معروض عنه را از وزارتخانه

متعلقه بآن مطالبه نماید که در دیوانخانه عدلیه حاضر شود. آن وزارت خانه که مدعی علیه ابوابجمع آنست میباید فوراً و بلا تأمل هر کس باشد روانه دیوانخانه عدلیه نموده و آدمی هم از خود همراه نماید که با اطلاع آدم آن وزارتخانه امنای دیوان عدالت با کمال دقت رسیدگی نموده تفکیک عمل و تحقیقات لازمه نموده احقاق حق نماید. والا اگر مدعی علیه در حاضر شدن استنکاف و تعال و تأمل نماید. وزیر دیوان عدالت حتی خواهد داشت که بعرض خاکپای مبارک رسانیده محصل مامور شده حکماً مدعی علیه را در دیوان عدالت حاضر سازد و هیچیک از وزارت خانها حق نخواهند داشت که غیر از ابوابجمع خود مداخله در ابوابجمعی دیگری نماید مگر وزارت عدلیه که حق دارد در هر وزارتخانه و هر جاوهر کس عارضی بهم رسد غوری نموده احقاق حق بعمل آورده بشرایط معلوم معینه که مرقوم شد و در هر دایره وزارتتی گفتگوئی که منتهی بر جوع شرع شد رسیدگی و اجرای آن با الانحصار مخصوص وزارت عدلیه اعظم خواهد بود.

فصل دوم

در تکالیف دیوان عدلیه اعظم با احکام عمالک منجروسه

شق اول: در تکالیف مابین وزیر عدلیه با احکام دار الخلافه است ساکنین و متوطنین و متوقفین دار الخلافه اعم از غریبه یا بومی که باقسام مختلفه میباشند، نوکر، تاجر، تبعه خارجه، گسیه، خوش نشین، رعیت، زارع و آنچه متعلق بسایر وزارتخانها باشد از قبیل توکر، تاجر، تبعه خارجه و غیره و غیره حکم آنها بنحوی است که در فوق مرقوم شد آنچه کسبه و رعیت و زارع است، موافق قاعده کلیه که دیوان عدالت ذی حق است در رسیدگی عرایض و احقاق حق کفایه ناس همین

حق را در رسیدگی عموم اهالی دارالخلافه و توابع نیز دارد. لیکن محض ملاحظه تقویت حاکم دارالخلافه از جانب سنی الجوانب همایون امر و مقرر میشود که اهالی دارالخلافه و توابع مختار هستند، در اینکه عرض خود را بدیوانخانه عدالت بیاورند یا نزد حاکم و وزیر دارالخلافه ببرند.

حاکم و وزیر دارالخلافه طهران نباید احدی را ممانعت از عراض دیوان عدالت نماید، و در دیوان عدالت هم اگر عارضی از اهالی و نواحی عرض کند آنهم بر دو نوع است: اگر عرض عارض از دست گماشتگان حاکم و وزیر و مباشرین دارالخلافه و توابع باشد، بر ذمه امنای دیوان عدالت فرض است که عرض عارض را بجا کپای همایون رسانیده، بنحویکه از جانب سنی الجوانب همایون امر و مقرر می شود معروض عنه را حاضر نموده با کمال دقت و غوررسی رسیدگی نمایند و بعداً از عرض ساطع النور همایونی احقاق حق نمایند، در این صورت اگر از جانب امنای دیوان عدلیه معروض عنه را احضار نمایند اگر چه شخص حاکم یا وزیر باشد، باید در دیوان عدالت بدون عذر حاضر گردد و از عهده جواب مدعی بطور حساب برآید و هیچ کاری را بر این مقدم ندارد والا اگر مدعی از کسان و بستگان حاکم دارالخلافه باشد از جانب امنای دیوان عدالت آدمی همراه مدعی مامور شده نزد حاکم و وزیر دارالخلافه ببرد حاکم نیز مدعی علیه را حاضر نموده و در حضور مامورین دیوان عدالت غوررسی و احقاق حق نماید و مأمور دیوان عدالت کیفیت را نوشته بوزیر دیوان عدالت اعظم بدهد، تا بنظر انور اقدس همایونی برساند اگر حاکم و وزیر دارالخلافه در رسیدگی عرض عارض طرف

و غرضی منظور کند که مدعی غرض و طرفداری آنها را در دیوان عدالت برساند ، یا حاکم و وزیر بای اعتنائی و اهمال و طفره بگذرانند و بعرض عارض رسیدگی ننمایند ، و آدمی که از دیوان عدلیه مامور میشود معطل دارند که از پنج روز بگذرد ، در این صورت وزیر دیوان عدالت حق خواهد داشت که مدعی علیه را در هر جا و هر کس باشد در دیوانخانه عدلیه بامدعی حکما حاضر ساخته رسیدگی نموده احقاق حق نماید و بعرض خاکپای همایونی برساند، و نیز اگر مدعی مزبور بسبب موجهی که در دیوان عدالت نماید انکار از ترفع و تحاکم در نزد حاکم و وزیر دارالخلافه نموده و بسببی موجه و حشمت نماید از دیوان عدالت حاکم و وزیر دارالخلافه مینویسند که مدعی علیه را با آدمی از خود بدیوان عدلیه بفرستند تا با اطلاع آدم حاکم و وزیر طی دعوی طرفین بحق بشود و حاکم و وزیر دارالخلافه نیز مرعی علیه را بلا تأمل باید بفرستند بدیوی است محض تقویت حاکم و وزیر دارالخلافه و وزیر دیوان عدلیه اعظم رجوع محاکمات و گفتگوی فیما بین اهالی دارالخلافه را که در تحت حکومت مندرج هستند مهمل و بخواهند نمود ، لیکن حاکم و وزیر دارالخلافه میباید در اجرای اوامر و نواهی احکام دیوان عدلیه اعظم، بهیچوجه مسامحه و اهمال جایز ندارند. و هیچ حکمی را از دیوان عدالت مهمل و متروک نگذارند ، و امر عارض را بهر جا منتهی کردند ، بوزارتخانه عدلیه اطلاع دهند ، که بواسطه وزارتخانه مزبور مراتب را بعرض حضور همایون برسانند زیرا که احکام دیوان عدلیه اعظم راجع بوجود مسعود همایون و باعرض خاکپای مبارک است و تخلف از آن خلاف رای معدلت آرای همایونست

شق ثانی : در تکالیف دیوان عدلیه اعظم است باحکام ولایات ممالک محروسه.

نظر باینکه اجرای حقوق ذوی الحقوق و رفع ظلم و رفع جور مرکز ضمیر منیر همایون است ، لازم بود مانند دارالخلافه در هر ولایتی نیز دیوانخانه با اجزا و اسباب آن از جانب دیوان عدلیه اعظم مقرر گردد که طی دعاوی مردم بالتعم در آن جا بشود ، و همیشه روزنامه کل بدیوان عدلیه اعظم برسد ، که امنای دیوان عدالت ثبت و ضبط کنند تا پس از این دعاوی گذشته در هر جا که باشد دوباره نتوانند از سر بگیرند و مزاحمت باولایای دولت یا بطرف منازع برسانند ، لیکن چون حکام ممالک محروسه متمسک باین هستند که برقرار نمودن دیوانخانه با اجزا و لوازم آن مایه اختلال امر حکومت میشود ، لهذا بملاحظه تقویت حکام عاجلاً از این منظور بزرک خجسته صرف نظر فرموده امر و مقرر داشتند که از دیوان عدلیه اعظم بهر ولایتی یک نفر آدم عاقل ، آرام ، بی داعیه باعرض بخاکبای مبارک مامور گردد . محض از جهة اینکه اشخاصیکه بدربار همایون آمده و بدیوان عدلیه اعظم عارض میشوند ، برای اجرای هر حکمی محصل مخصوص مامور نشود ، و احکامیکه از دیوان عدالت بحکام صادر میشود آن شخصی که از جانب دیوان عدلیه مامور است ناظر اجرای آن حکم باشد که حاکم آن ولایت چگونه باعارض رفتار نموده بهر نوع در اجرای حکم دیوان عدالت رفتار نمود مراتب را کما هو حقه بدیوان عدالت نوشته عرض نماید .

اگر حکام اجرای احکام دیوان عدلیه را از روی بیغرضی و درستی جاری نمودند که در خاکبای مبارک ممدوح و مستحسن خواهد بود والا اگر بی اعتنائی کردند و بغرض و طمع حق ذی حق را پایمال کردند ،

بدیهی است چنین حاکمی ظالم خواهد بود . و رفع ظلم بر ذمت همت ملو کانه فرض است در این صورت واجب میشود که از دیوان عدالت مامورین بزرگ مامور بشوند و رسیدگی بعرض و داد مردم مخصوص آنها شود ، و برای حاکم هم آن اعتبار و اعتماد در حضور مهر ظهور همایون نخواهد بود ، و نیز ماموری که از جانب دیوان عدلیه بجائی منصوب میگردد ، اگر از مظلومین رعایا کسی از بستگان و گماشتگان حکام شکایت و عرضی داشته باشد که بحاکم عرض کرده و حاکم بجهت طمع یا طرف گیری مدعی علیه اعتنا بعرض مدعی ننموده غوررسی و احقاق حق نکرده باشد ! ماذون خواهد بود که عرض عارض را مخفیانه بدیوان عدالت برساند ، که از دیوان عدلیه معروض خاکبای مبارک افتد تا بهر چه اقتضای رای جهان آرای همایون حکم محکم جهانمطاع باشد از مصدر خلافت کبری صادر خواهد گردید .

و اگر ماموری که از جانب دیوان عدلیه بجائی منصوب میشود دروغ و افتراء در حق کسی از حاکم و غیره بنویسد ، یا بخلاف واقع عرض کند و در وقت غوررسی و تحقیق نتواند از عهده اجرای عرض خود برآید مورد تنبیه خواهد شد ، و هم معزول از شغل و منصب و مواجب میگردد ، و ابدا دیگر در این دولت بهیچ خدمتی مامور و منصوب نخواهد شد ، و در هیچیک از وزارتخانه ها و رانباید بخدمت دیگر وادارند اینست دستور العمل و تکالیف دیوان عدلیه اعظم که بر حسب امر و اراده رای بیاضیای همایون اقدس مرقوم گردید .

چون خدمت و نظم عارضین دیوان عدلیه را از شخص اعتماد السلطنه حاجی علیخان وزیر عدلیه خواسته ایم و باید در این فقرات کمال سعی را

بکنند لهذا این کتابچه و دستور العمل دیوان عدلیه اعظم بر وفق حکم
و فرمایش مانوشته شده و صحیح است

انمای دیوانخانه و سایر وزراء و حکام و غیره نباید از این تخلف نمایند.
۲۲ جمادی الثانیه ایت ثیل ۱۲۷۹ هجری قمری (نقل از مرآت البلدان)

میرزا سعید خان وزیر دول خارجه بوسیله مرحوم (شیخ علی
مازندرانی) بکفته ناسخ التواریخ و تاریخ بیداری ایران از آن که مخترع «تفنگ
ته پر» و «کالسکه خودر و» و «ساعت دزدگیر» در طهران است قانون
کاملی برای ادارات و عدلیه تحریر نمودند که در کتابخانه سلطنتی
موجود است

مرحوم امین الدوله نیز خدمات شایانی بنهضت و ترقی و تکامل و
قبول نظامات فرنگ در دوایر مختلفه و تکمیل دوایر پستی نموده است
از اشخاصیکه خدمات عمده بعالم شرق و ممالک اسلامی عموماً و
ایران خصوصاً نموده و موجبات جنبش عمومی و خاجان افکار را فراهم
ساخته اند مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی (افغانی) و دوستان نزدیک
وی میباشد

معزی الیه بوسیله همفکران خود امثال شیخ احمد روحی کرمانی
و میرزا آقا خان تبلیغات مؤثری در زمینه اتحاد اسلام بعمل آورده و با
علماء اسلامی بنای مکاتبه و مراسله را گذارده و باعث بیداری طبقه ممتاز
گردیده اند

برای سرعت جریان تبلیغ در سال ۱۲۵۶ هجری قمری در مکه
معظمه انجمن (ام القری) را تأسیس و تا یکسال انجمن مزبور دایر بود و

بالاخره از طرف سلطان عبدالحمید پادشاه معروف عثمانی منحل گردید
پس از انحلال جمعیت ام القری مرحوم سید برای نشر افکار خود نامه
زمینده (عروۃ الوثقی) را منتشر و تادم مرک از خدمت بعالم شرق سر تافت
پرنس ملکم خان (ناظم الدوله) که در جای دیگر یعنی در قسمت
تاریخ احزاب و مطبوعات ذکر آن خواهد شد در پیشرفت و اخذ تمدن فرنگ
کوشش های مؤثری بعمل آورده است و مرحوم مؤید الاسلام مدیر حبل المتین



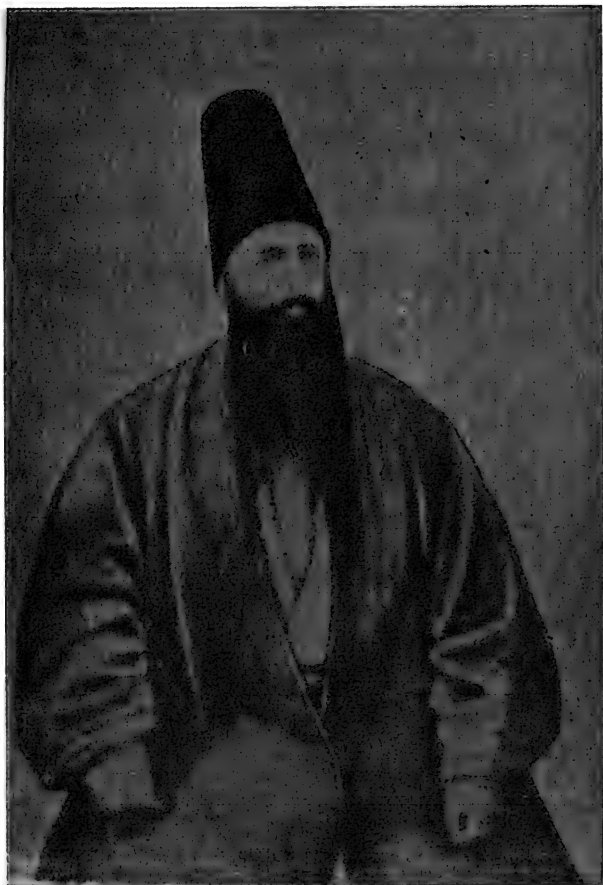
(۱) طرفدار اتحاد اسلام و بیدار کننده ملل شرق خصوصاً ایران
در قرن معاصر

سید جمال الدین اسد آبادی معروف به (افغانی)

بیش از سایرین از مجاری تبلیغ به بیداری و نهضت ایران خدمت نموده اند
صنیع الدوله و محمد حسن خان اعتماد السلطنه و فروغی (مرحوم ذکاء المملک
بزرگ) بذرهای افشاندن آبیاری و دامنه نهضت را وسعت بخشیده اند

خلاصه . رفته رفته دانیان و اصلاح خواهان از هر طبقه از گوشه و کنار بفکر اصلاحات افتاده و دنباله این جریان غیر مستقیم ادامه داشت تا در دوره مظفری استقراضهای پیاپی از روسها و اسراف در مخارج بواسطه مسافرتهاى بلا نتیجه بفرنگستان و بذل و بخشش بیجا و خرابکاری های امیر بهادر ها تقریباً زمینه را بجهت قیام ملت آماده ساخت . خصوصاً تقسیم مشاغل دولتی بین شاهزادگان - چنانکه صدارت عظمی نصیب شاهزاده عین الدوله و سپهسالاری مملکت حق مسلم امیرخان سردار برادر عین الدوله ، فارس قسمت شعاع الساطنه ، آذربایجان ملک - خاص و تیول محمد علی میرزا ، لرستان و بروجرد نان خانه سالار الدوله همینطور سایر نواحی در زیر پای جمعی شاهزاده خود خواه پایمال و خرابی دربار از طرفی و شدت رقابت سیاسی روس و انگلیس بر سر آسیا اصولاً و ایران فروغاً از جهتی بر اشتداد اوضاع افزوده و یکسره پرده را از روی کارها برداشته و راز نهفته را آشکار و ایران را از هر جهت برای نهضت و اخذ تمدن جدید و قیام و اقدام اصلاح خواهان مستعد و فراهم نمود که بعداً شرح آن بیاید





(۲) — میرزا ابوالقاسم فراهانی معروف به قائم مقام بزرگ
خدمات معظم له به نهضت ایران مستغنی از توصیف است

فصل دوم

هیجانات اولیه

متعاقب جنگ‌های روس و ژاپون در شرق اقصی و اختلال اوضاع تجارتی که صدی پنجاه از بیلان تجارت ممالکت در دست روسها افتاده بود، بواسطه آشفتگی جریان اقتصادی روسیه و بسنگی و ارتباط محکم تجارت ایران و روس بعد از معاهده منچوس، ترکمانچای، که تازه میرفت پای بر جای شود. نفت و قند یگانه محصول مهم وارده از شمال و مصرف زیادی که بتدریج در بازار ایران پیدانموده و جزء حوائج عمومی شده بود، در اثر شدت جنگ - ناگهان ترقی فاحش یافته و ترقی قیمت و کمیابی نفت و قند ثقل هر مجلس و میحفلی شده بود.

معلوم است در يك چنین مواقع تجارت ذینفع در صدد جابجایی استفاده بر می آیند، از آن زمره چند نفر تاجر قند فروش - یکی موسوم به سید هاشم قندی و دیگری بنام سید حسین ساکن کاروانسرای تجارتی امیر واقع در بازار طهران قند زیادی احتکار و بطور داخواه بمعرض فروش می گذاردند.

نظر بآنکه غالباً قیامهای طبقات دانه و طغیان عامه بدست آویزی رفع احتیاجات روزانه خود نمائی میکنند و از مدت‌ها قبل رونود شراندیش و خیراندیش منتظر چنین وقت و فرصتی بودند و در پی موقع مناسب برای تحریک میگشتند و میدانستند مردم را چه وقت و با چه ترتیب و تبانی و تردستی میتوان بقیام و اقدام

و داشت. و این مسئله دائم در محافل مخفی و ذی علاقه مطرح بود. و غالباً بازند خواص بود که : سیاست طهران وابسته بنان و مایحتاج روزانه عموم است ! از این نظر عمال تبلیغ در آن موقع از هیچگونه انتشارات گوناگون و مهیج فرو گذار نمیگردند .

از طرف دیگر رجال دربار مظفری موضوع را دانسته و از تهیه و تسهیل مایحتاج عامه تامیتوانستند غافل نمیشدند .

در این هنگام که وضع قیمت و کمیابی قند درهم و برهم و اهمیت یافته و شهر را پراز هیاهو و جنجال ساخته بود ، و دستهای پشت پرده بادت کش شریعت خواهی و ملت پرستی سرگرم کار و موجبات تلاطم و انقلاب را فراهم مینمودند ، از طرف صدراعظم شاهزاده عین الدوله با عجله هر چه تمامتر علاء الدوله را که در حکومت استرآباد جریزه بخارج داده بود ، احضار و بحکمرانی دار الخلافه منصوب و برای رفع غائله چون از وضعیات ظنین بودند ، هر گونه اختیار را بدو تفویض نمودند .

علاء الدوله نیز جهة مرعوب نمودن اهالی روزی چند نفر آردل و فراش با خود برداشته و پس از گردش مختصری در بازار بطوریکه قبلاً پیش بینی نموده و تصمیم گرفته بود ، در کاروانسرای امیر داخل و در مقابل حجرات سید هاشم و سید حسین قندی ایستاده و پس از سؤال و جواب کمی امر داد اشخاص مذکور را شلاق مفصلی زدند و چند عدل قند را بین فقرای تماشاچی قسمت کرد (۱۴ شوال ۱۳۲۳ قمری) ضمناً با تنزل قیمت قند نرخى اعلام و بدارالحکومه عودت کرد .

شلاق خوردن سید هاشم و سید حسین سید پیر مرد بدست بازیگران سیاسى که از مدتها پیش خود را برای چنین روزی آماده می نمودند بهانه خوبی دست داد .

دراثراین پیش آمد صدای واشریعتا ووادینا وردزبانها گسردیده
ودرب منازل علماء دین که قبلا مهیا شده بودند مانند مرحوم آقای سید
محمد طباطبائی مجتهد و مرحوم آقای سید عبدالله مجتهد بهبهانی بر روی
سرجنبابان بازار وطلاب علوم دینیہ باز شد .

طبیعی بود تجمع طلاب و کسبه بازاری سبب اظهار شکایت کردید و باب
مباحثه و مشاجره فیما بین قائدین جماعت و رجال مظفری مفتوح و کم کم رشته
بدرازا کشیده و مساجد و منابر میدان مبارزه سیاسی و صحنه تبلیغ و تهییج
و عاظ و اهل منبر شد و مردم سخت تحریک شده و بهیجان آمدند .

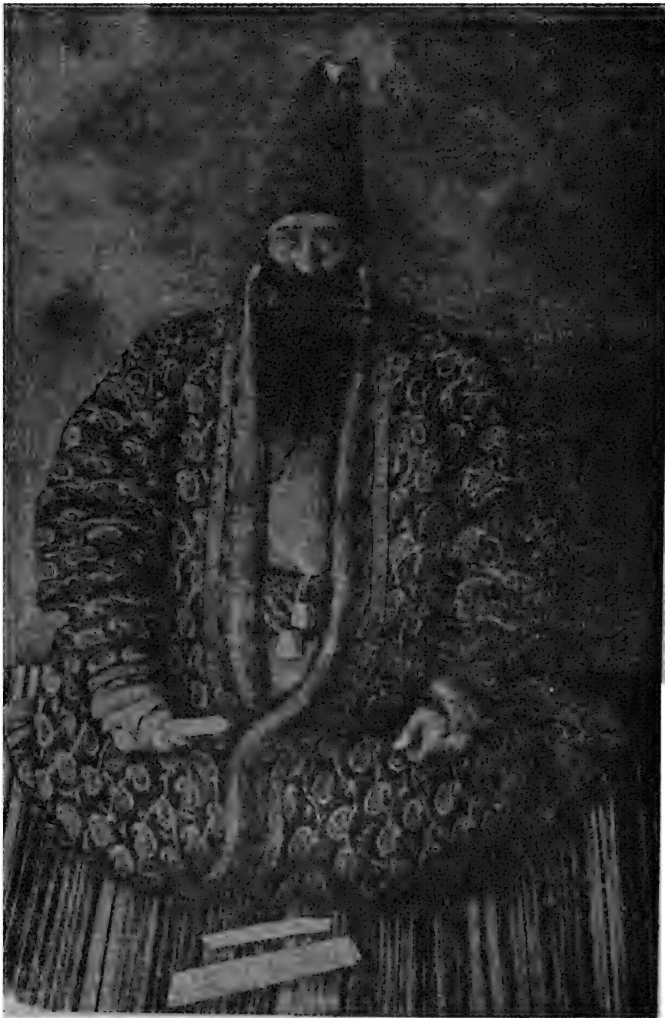
مساجد رونق گرفت و حاج شیخ محمد واعظ معروف بساطان-
الواعظین بیشتر از سایرین جوش و بلا میزد و در موقع موعظه در مسجد
جامع نسبت بصدر اعظم عین الدوله اهانت ورزیده لذا حکم توقیف واعظ مذکور
از طرف صدر اعظم صادر و در صدد گرفتاری او بودند .

قضا را مامورین گرفتاری حاجی شیخ در مقابل قراولخانه هیاجه
حیاط شاهی باشیخ تصادف و شیخ را در قراولخانه توقیف کردند .

چند نفر سید و طایفه سروسینه زنان بدوره افتاده و مردم را از واقعه
باخبر و اهالی برای نجات واعظ بقراولخانه هجوم آور شدند

حمله مهاجمین بقراولخانه باعث شایک سر باز شده و در این میان
سید عبدالحمید نام طلبه جوان مقتول گردید ،

قتل سید عبدالحمید بیشتر بر هیجان مردم افزوده و جمعی نعش
مقتول را برداشته و بمدرسه دینی (آصفیه) که در آن نزدیکی بود انتقال دادند ،
شهرت قتل سید و هیجان کسبه بازار و طلاب باعث قیام علنی علماء دین
شده و بعنوان توقف در اماکن مقدسه از طهران بطرف قصبه حضرت



(۴) - مصلح امور کشوری و لشکری و موجد معارف جدید
درايران ميرزا تقی خان امير کبير

عبدالعظیم وقم حرکت نمودند . (۱۸ شوال ۱۳۲۳ قمری) و مسجد جامع محل اجتماع طلاب و اصناف بازاری گشت ؛ برای اسکات علماء و مردم از طرف مظفرالدین شاه فرمان رسید کی بعراض مردم و علماء و تکمیل عدالتخانه صادر و عدۀ از علماء از قم مراجعت نموده و برای تعیین تکلیف قطعی و نتیجه گرفتن از اقدامات خود در درقصبه حضرت عبدالعظیم سکونت اختیار نمودند و بیشتر بر غلظت اوضاع افزودند و لولای سیاسی را در زیر نقاب مذهب و عدالت خواهی برافراشتند ، و تجمع مسجد جامع را تقویت بخشیدند از طرف صدر اعظم عین الدوله برای تفرقه جماعت متحصنین مسجد جامع محدودلی خان سپهسالار تنکابنی مامور تفرقه مجتبعین مسجد جامع گردیده و فوج سر باز اطراف بازار و مسجد را از هر طرف محاصره و راه آذوقه را بر روی اجتماع کنندگان مسدود کردند تا بجائی که بین متحصنین و طلاب و محاصره کنندگان کار بزد و خورد کشید و بازار اغتشاش و هیجان گرم تر شد

رجال در بار مظفری نیز دو تیره بودند و برای مقام خود در خفا از یگدیگر کار شکنی میکردند ؛ دستۀ متوقفین قصبه حضرت عبدالعظیم را تحریک میکردند و عدۀ برای مرعوب نمودن کسبه و اهالی جمعی از الواط شهر را و داشتند تا شبانه داخل صحن حضرت عبدالعظیم شده و در حال خواب مرحوم میرزا مصطفی آشتیانی را با طرز فجیعی مقتول و بیشتر موجب وحشت و طغیان را فراهم کردند و نیز جهة تکمیل مرعوبیت مردم فرمانی از طرف عین الدوله در شهر بدیوار ها الصاق گردیده و عبور و مرور در شهر از ۳ ساعت از شب گذشته بدون اسم شب غدغن گسر دید ، شبها مامورین غلاظ و شداد و فراشان حکومت خانهای متمولین و مظلومین را دق الباب



(۵) - میرزا حسین خان قزوینی (سپهسالار)

مؤسس شورای دولتی و شورای وزراء

کرده و میگفتند: - بیایید آب ببرید! بیچاره صاحب منزل بطمع بردن آب از خانه خارج و فوراً دستگیر و روانه محبس میگردد. همه روزه تبلیغات اضطراب آور با کمال شدت در شهر و بین اهالی مخصوصاً طبقات اصناف بازاری و کسبه و تجار از طرف محافل مخفی و اشخاص ذینفع جریان داشت، عمال غیبی که هر دسته برای پیشرفت نظریه خود کار میکردند با نهایت بیداری و زبردستی آب را برای ماهی گرفتن کِل آلود نموده و دامنه تقنین بین رجال دربار مظفری و مردم از همه جا بیخبر را وسعت داده و عوام را بنام دین و مذهب و عدالت بطغیان دعوت میکردند.

چنانکه از طرفی عمال حکومت را باستبداد و فشار و تجاوز تشویق و ترغیب مینمودند، و از جهتی طلاب علوم دینی و همچنین کسبه و اصناف را به تمرد و سرکشی و غوغا و اوار و آتش فتنه را دامن میزدند.

علماء و فقها کما فی السبق در قصبه حضرت عبدالعظیم (ع) متوقف و جهة تهییج افراد ملت و ایجاد هیجان نماز جماعت را متروک و مساجد را تعطیل نموده و با ولایات و ایالات بنای کاغذ پرانی را گذارده بودند. در این گیر و دار عمال نقاب دار و مبلغین محافل خفیه بعنوان (امنیت و عدالت میخواستیم) کسبه و اصناف را برفتن و تحصن در سفارت انگلیس ترغیب و تشویق میکردند، تازمینه برای التیجاء بیریق بیگانه فراهم و مردم زحمت کش و کسبه از ترس جان و مال توسل بخارجی را فوزی عظیم شمرده و جمعی بریاست حاجی محمد تقی معروف به بشکدار بابتد و بساط و اعتبار کافی بسفارت ملتجی و محل سفارت انگلیس را در شهر بیلاق تابستانی برای خود قرار دادند!



٦ - صنيع الدولة فداکار راه اصلاحات مالی و اقتصادی عصر جدید
و اولین رئیس دارالشورای ملی

فصل سوم

توسل به بیگانه

مسئله توسل به بیگانه و قبول خفت و مذلت از خارجه و طلب دخالت اغیار و پناه بردن در زیر بیرق اجنبی، یکی از یادگارهای شوم دوره سلطنت قاجاریه میباشد! که عمال دول استعماری فرنگستان برای تولید نفاق و تضعیف قوای ملی بکار برده و بدین وسیله استفاده‌های قابل توجهی از سادگی و عواطف افراد شرقی نموده و مقاصد سیاسی خود را بنام خیرخواهی و نوع پرستی و قانون و نظامات طلبی از پیش برده اند

ولی موضوع اتکاء باماکن مقدسه و بست نشستن در ظل عنایت و عدالت شاهانه و معابد از زمانهای قدیم در ایران معمول بوده و در قرون اخیره سلاطین صفویه برای ترویج مذهب تشیع مردم را به تحصن در اماکن مقدسه مذهبی عمدا تشویق و ترغیب مینمودند

بست نشستن و پناه بردن بنمایندگان خارجه بطوریکه کتاب آبی مینویسد از دوره محمدشاه قاجار و صدارت حاج میرزا آقاسی سابقه پیدا کرده بود، چنانکه در سنه ۱۸۴۴ میلادی مطابق ۱۲۶۲ هجری قمری جمعی به تحریک عمال نفاق انگیز خارجه که تازه ریشه دوآینده بودند؛ بعنوان شکایت از تجاوزات حاج میرزا آقاسی در سفارت روس و انگلیس تحصن اختیار کرده بودند، و این عمل خیانت آمیز و مخالف شئون استقلال ملی و پرورش دهنده ضعف نفس بعد از دوره حاج میرزا آقاسی در بین طبقه

ممتازة کاه گاهی معمول شده بود و از طرف رجال دربار قاجار با دخالت بیگانه ماست مالی میشد. در این موقع بطوریکه در ضمن راپورتهای رسمی در جداول کتاب آبی میویسند: از مدتی قبل از تظاهر عانی بقیام و طغیان و تحصن در سفارت فیما بین برخی از علماء دین و اولیاء سفارت انگلیس مکاتبات محرمانه در جریان بود:

بعد از کشته شدن سید عبدالحمید و خجالت گزفتاری حاج شیخ محمد واعظ و تفرقه اجباری اجتماع مسجد جامع و جریان تجمع متوقفین صحن حضرت عبدالعظیم، وضعیات روشن تر و مابین مرحوم آقای سید عبدالله مجتهد بهبهانی و (مستر کانت دوف) شارژدافرانگلیس مکاتیبی بعمل آمده که یکی از مراسلات را ذیلا از کتاب آبی نقل مینمائیم:

«ما علماء و مجتهدین چون راضی نیستیم خون ریزی بشود لهذا حرکت باما کن مقدسه را عازم گشتیم! و از آنجناب متمنی هستیم که در دفع ظلم و تعدی همراهی خود را از مادر بیغ ندارند!»

بعد از حرکت آقایان باما کن مقدسه دو نفر که در راپورت رسمی مندرج در کتاب آبی اسم نمیبهرند! در سفارت قلہک باشاژدافران مذکور در زمینه تهیه وسایل تحصن مصاحبه بعمل آورده و مستر کانت دوف چنین جواب داده اند:

«امیدوارم اقدام باین عمل نشود، باینکه بست نشستن و نگاهداری و حفاظت بستیان در ممالکت ایران امری است مشروع ولی در صورت اقدام باینسکار باز مجبور است بواسطه قوه قهریه شما را مانع از دخول شوم»
با وجود تظاهر به تهدید و اعلام پیغام خشن در موقع ورود جمعی بسفارت - بهیچوجه اقدامی در جلوگیری از تحصن و بست نشستن

بعمل نیامد و بلافاصله عصر روز نوزدهم ژویه ۱۹۰۶ میلادی مطابق ۱۳۲۳ هجری قمری قریب پنجاه نفر از طلاب و تجار و اصناف به محل سفارت طهران رفته و شب را در آنجا ساکن شدند. و بر عده ایشان روز بروز منظمأ افزوده میگشت، تا بجائیکه تعداد نفرات متحصنین به چهارده هزار نفر بالغ شد
بیست چهارم رجب ۱۳۲۴ هجری



(۷) - میرزا علی خان کاشانی (امین الدوله)

مصلح تشکیلات کشوری و مؤسس پستخانه بطرز جدید

هر دسته و صنفی از مجتمعی در سفارت انگلیس چادر مخصوصی برای صنف و طبقه خود برپا نموده و تحصن اختیار کردند، بازارها عموماً تعطیل و محل نمایندگی خارجیه پناه گاه و مسکن اجتماع طبقات تجار و اصناف گردید معلوم است در يك چنین موقع سوریان حاشیه نشین - باغ مصفای سفارت را استراحتگاه خود قرار داده و دود و دمی راه انداخته بودند

اوضاع جماعت متحصن از هر جهة تماشائی بود و همانطور که موضوع سرمایه اصلی و مخارج متوقفین قصبه حضرت عبدالعظیم کاملاً برای ارباب ینش مجهول بود - دوران ثروت پناه جستگان سفارت نیز مسئله بغرنجی را تشکیل داده بود

برخی معتقد بودند که از طرف تجار عمده پرداخته میشود . بعضی میگفتند وجوهات ظل الساطان یا سالار الدوله ، و میرزا علی اصغر خان اتابك مشکل گشائی مینماید و بالنتیجه شاید همه میدادند و برضد همدیگر کارشکنی میکردند ، و هر کدام در طریق مقصود نظریه خاصی داشته در پی اغراض خود افتاده بودند ، در هر صورت سور و پلو در راه و بالاخره نتیجه بر له ملت تمام شد . !

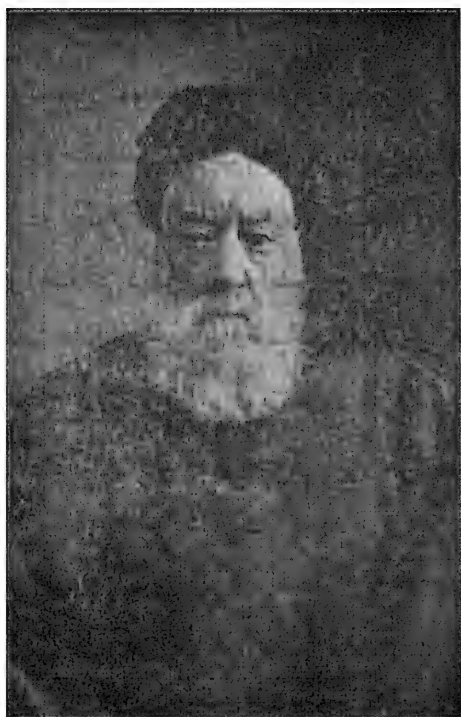
بالجمله از طرف خزانه غیبی بعنوان صندوق تجار بساط را سرو صورت داده بودند و يك جماعت چهار ده هزار نفری را شام و ناهار جانانه میدادند منظره مطبخ ملی بی تماشا نبود مثلاً دیگهای پلو مانند خط زنجیر سپاهیان حبشه و افریقائی مرکزى جهة حبه شمالی باغ سفارت را اشغال نموده و هنگام ظهر یا اول شب که وقت صرف ناهار یا صرف شام خوردن بود - مجموعه های پلو ب تناسب کثرت و قات فقرات چادرها ، تقسیم و جوانان اصناف هر کدام يك مجموعه از برنج پخته و دم نکشیده و ظرف خورش قرمه سبزی و قیمه را بر سر گرفته و روبطرف چادرهای قلندری مأوای خود در حرکت بودند .

رفت و آمد سرپائینها منظره زیبا و قابل توجهی را برای کنجکاوان تاریخ نویس تشکیل داده و شعرای حاشیه نشین بمدیحه سرائی باغ و پلو نغمه سرائی کرده و قطعات اشعار را زیب چادرها و درختان باغ کرده بودند . هر صنف و طبقه ، مطابق ذوق و سلیقه خود چند کلمه بافته ادبای دیمی را

در روی قطعه مقوا ترسیم و نوشته را در رهگذرها آویخته بودند و بدین وسیله بروز احساسات میکردند ،

درین گروه اجتماع کنندگان ظاهر احرف و هطایی غیر از تقاضای امنیت و اجرای احکام شرع و عدالت و اصلاح دربار ذکر نمی نمود در غالب شبها مرحوم حاج سید عبدالحسین واعظ اصفهانی در چادر طلاب متحصن بمنبر بالا میرفت و شرحی از مظالم و تجاوز افراد ظالم یا محاسن عدالت و قانون گوشزد مستمعین نموده و مقداری گریه برای شهدای کربلا (ع) میگرفت و مجالس روضه سیاسی - تاشب بعد برای خوردن شام تعطیل میگردد . خلاصه آنکه مردم بطور کلی ندانسته میرقصیدند - و باستثنای بازیگران مخفی و سر جنبانان اجتماعی دیگران نمیدانستند چه میخوانند و چه باید بخوانند باتمام بیخبری های عامه از جریان وضعیات شعور ملی و هیجان - روح ترقی و تکامل طلبی روز بروز بر قوت خود افزوده و نشو و نما مییافت . قرائن و امارات و اوضاع و احوال نیز بمردمان کنجکا و نشان میداد که موضوع اینقدرها ساده نیست . و در زیر پرده استتار اسرار و مذاکراتی در جریان و کیفیتی در کار است که توده مات و اغاب مجتمعین و بستیان سفارت انگلیس را از آن اطلاعی نیست - در بین اجتماع کنندگان محافل سری باترتیبات منظم بخوبی دایر و مشغول کار بودند . چنانکه عده را مخفیانه برای انتظامات بکار گماشته و کایه اقدام و حرکت رفت و آمد کنندگان را در تحت نظر گرفته بودند . در زمینه انتظام طلبی و نجابت فطری و حسن طینت ایرانیان در یک چنین هنگامه شور و غوغا رابورت رسمی اولیاء نمایندگی انگلیس در طهران بوزارت خارجه لندن چنین توضیح میدهد :

«رفتار جمعیت خیلی موافق نظم و ترتیب بود: حسن انتظام و ترتیب داخلی متحصنین بواسطه رؤسای مات تأمین شده بود، و کسانی که اجتماع فساد در حق ایشان میرفت. در سفارت و میان خود را امیدادند. برای حفظ از آفتاب و بارندگی در سفارتخانه چادرهای بسیار برپا بود و امور شام و نهار متحصنین چنان نظم و ترتیبی داشت که بهیچوجه

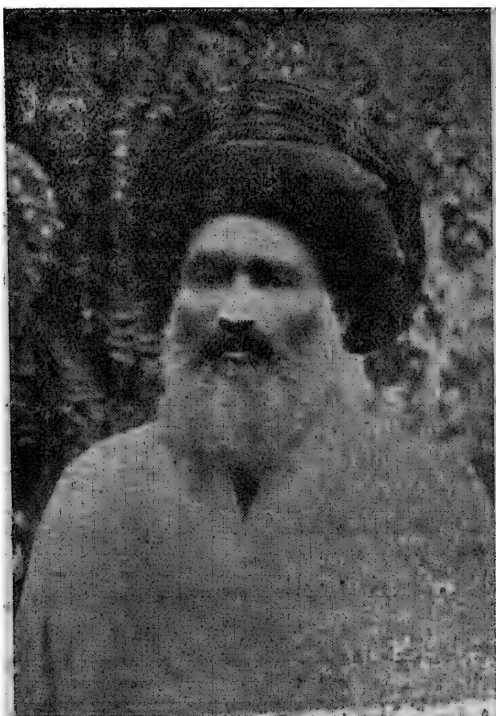


(۸) - سید محمد طباطبائی مجتهد سنگلجی

تغییری در ساعات و مکان آن داده نمیشد. کلیه مصارف و مخارج را جمعی از تجار معتبر کفیل بودند. کلل دو کلاس آتاشه میلتر مواظب ابنیه و عمارات سفارت بود باوجود اینکه بهیچوجه باینکار احتیاج نبود!

به خود مترصنین بیش از پیش رعایت نظم و ترتیب و قانون را مینمودند .،
دل از جلد اول کتاب آبی «

از طرف مجتبهین جمعی را برای تهیه اطلاعات گماشته بودند و
سمتی را جهت نشر عقاید و تبلیغ نظریه مؤسسه غیبی مأمور کرده بودند
نگارنده که خود شاهد قسمتی از قضایا بودم خوب بخاطر دارم
وزی بشعبه تبلیغ خبر دادند که از طرف مرتجعین و مخالفین در بین
و انان نجار واره کش اعمال غرض شده و جوانان نجار از اینکه نمیدانند
چه میخواهند و برای چه اینجا آمده و از کار بیکار شده اند . ناراضی
و عصبانی شده و بانق نق زیاد خیال تفرقه دارند . اگر موجبات تفرقه
بیش آید لطمه و شکست بزرگ بنهضت آزادی خواهی وارد خواهد شد
از همه بدتر آنکه جوانان اره کش عوامند و حرف حساب بخرجشان
نمیروند و نمیدانیم با آنان چگونه باید رفتار کرد . اگر این دسته زبان نفهم
از سفارت بیرون بروند طبیعی است شکست در قطار افتاده و در بین کسبه
و اصناف تقاضت خواهد افتاد و کار متحصنین بلا نتیجه و زار خواهد شد !
شورای مبلغین شروع به رای زدن نموده و هر يك چیزی گفتند .
یکی از سر دسته های مبلغین زبر دست معروف به مشهدی حسین
شیشه بر - دستور تبلیغ را بدین نهج صادر نموده و گفت بجوانان نجار
بگوئید : برادران دینی . متحصنین سفارت که شما اخوان خود از آنها
هستید میگویند : در این روز ها کاری صورت عمل بخود گرفته ،
که شمر از ارتکاب آن شرم دارد و عرش خدا بارزه آمده . برای
آنکه گناه لواط از قتل امام بالاتر است از این معصیت کبیره بالاتر ،



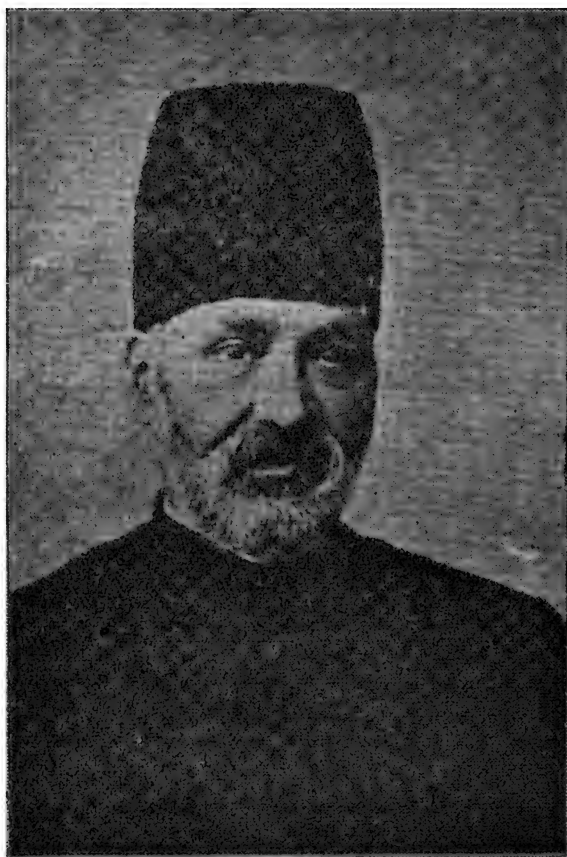
(۹) سید عبداللہ مجتہد بیجاوی

تخریب بنیان بیت المال مسلمین است از تمام اینها عظیم تر تزییع اخلاق اطفال و جوانان نادان و معصوم است. برادران دینی، مگر نشنیده‌اید که بواسطه مجالست یکشب با عزیز رقاص یهودی عشرت آباد که یکی از باغهای معروف سلطنتی است، عزیز بخشیده شده و این مسئله طوری در انظار کافر و مسلمان بدنما شده که هر جوان فاسدی هر روز و هر شب خیال دارد عزیز بشود! تا صاحب باغ عشرت آباد گردد، معلوم است با این ترتیب دامنه بیغیرتی بالا خواهد گرفت و شریعت غرای محمدی از دست میرود! قربان جوانانی میروم که حاضرند جان خود را فدای دین و ناموس بنمایند.

بقدری این کلمات در حضار تاثیر بخشید که تمام جوانان هم قسم شده و تا آخر تحصن مردانه ایستاده و بایکاری و گرسنگی ساختند. (*) خلاصه پس از کشمکش زیاد بین ملیون و دربار مظفری چنانکه قسمتهای برجسته آن بعداً توضیح داده خواهد شد.

عاقبت الامر شاهزاده عین الدوله از مقام صدارت عظمی برکنار و مقام خود را تهلیل مرحوم میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نائینی نمود. و از طرف مظفرالدین شاه مرحوم عضدالملک رئیس سالخورده طایفه قاجاریه برای اقبال و مراجعت آقایان علماء بطرف قم و حضرت عبدالظیم عازم، و آقایان را باسلام و صلوات بدارالخلافت وارد و دستخط تالیس دارالشورای ملی و انتخاب و کلاء در چهاردهم جمادی الثانی ۱۳۲۴ هجری قمری صادر و بجریان تحصن خاتمه داده شده و بازارها مفتوح و کسبه و تجار پس از شش ماه بلا تکلیفی بکسب و کار مشغول شدند.

(*) عزیز بچه رقاصی بود یهودی که بواسطه یکشب رقص در قصر نیاوران علاوه بر استغناء از حقوق نقدی و ماهیانه، فرمان تمام باغ عشرت آباد را دریافت و چندی مالک عشرت آباد شده بود.



۱۰ - میرزا نصر اللہ خان مشیر الدولہ نائینی
تشکیل دہندہ مجلس مؤسسان

فصل چهارم

دوره اول - انتخابات طبقاتی

اولین جلسه انتخابات دوره قانونی مشروطیت در روز هجدهم اوت ۱۹۰۶ میلادی مطابق ۱۳۲۴ هجری قمری در اطاق نظام - محل فعالی عدلیه دایر و چندی بعد فرمان انتخابات عمومی و طبقاتی بایالات و ولایات مخابره گردید ،

ولی برای آنکه افتتاح رسمی دارالشورای کبری ملی یا مجلس مؤسسان به تاخیر نیفتد و تسکینی در خاجان افکار تحریک شده حاصل آید ، پس از مشاجرات زیاد بین رجال دربار و زعمای قوم قرار بر این شد که پس از معلوم شدن نمایندگان طهران مجلس رسمیت یافته و رسماً شروع بمذاکرات برای تهیه مقدمات انجام امور مشروطیت بنمایند ، چنانکه خوانندگان عزیز ملاحظه فرمودند - مشروطیت ایران بدون خون ریزی و بالباس مظلومیت و مختصر اعتصابات اقتصادی و مذهبی حاصل شد و معلوم است چیزیکه بسهوات و باتقاضای ملایم انجام یابد ، باهمان سهولت برایگان از دست میرود - همینطور هم شد ، بطوریکه بعداً مشاهده خواهند نمود .

انتخابات طبقاتی دارالخلافه با کمال عجله و نهایت سرعت عمل و بدون سروصدا صورت گرفته ، و پس از جمع شدن شصت و چهار نفر نمایندگان اصناف و تجار ، رجال و ملاکین و اعیان و شاهدان کان و طلاب علوم دینیّه مقیم طهران - اولین جلسه دارالشورای ملی باحضور

مظفرالدین شاه در هیجدهم شعبان ۱۳۲۴ هجری قمری مفتوح گردید و نیز بعد از چندی نظامنامه اساسی در ماه ذی قعدة همان سنه تدوین و بامضای مظفرالدین شاه ممضی و مجرای گشت .

و کلاهی طبقات مقیم ایالات و ولایات بتدریج انتخاب و بطرف طهران اعزام و بیابانی بمرکز وارد و بر قدرت و اهمیت مجلس می افزود .
نماینده کان آذربایجان با حرارت و مخصوصی از طرف اهالی تبریز انتخاب و باستقبال و هیاهوی مؤثری وارد دارالخلافه شدند ، شوال ۱۳۲۴ هجری قمری . ورود منتخبین آذربایجان از نظر تاریخی بی شبهات برود و کلاهی مارسیل (ژاکوبنها) در انقلاب ۱۷۸۹ میلادی پاریس نبود - چه همان طور که (ژاکوبنها و ژیروندنها) سبب توسعه انقلاب فرانسه شدند ، همینطور ورود و کلاهی آذربایجان باعث از دیاد حرارت مرکزیان شده و دنباله انقلاب آرام را بجدال و خون ریزی کشانیدند ، و نهضت آزادی و قانون و عدالت خواهی بیشتر از همه جا در تبریز اثر بخشیده بود .
برای آنکه اهالی تبریز سالها بود مورد فشار و تعدی اطرافیان مظفرالدین شاه و محمد علی میرزا واقع گردیده از زجر و جبر به تنگ آمده و برای هر نوع فداکاری مستعد و تقاضای خاتمه به بلا تکلیفی و ایام بهتری را داشتند . بالجمله اولین مباحثات مجلس در زمینه اصلاح مالیه و دخالت های مسیونر و بلژیکی در امور بیت المال شروع و میرزا ابوالقاسم خان ناصر الملك همدانی وزیر مالیه را برای استیضاع به مجلس طلبیدند . و توضیح ایشان بر غلظت اوضاع افزود چه ناصر الملك در جواب استیضاح مجلسیان اظهار داشت که : اینجانب بیش از یک نفر محاسب نیستم و اطلاعی از گذارشات

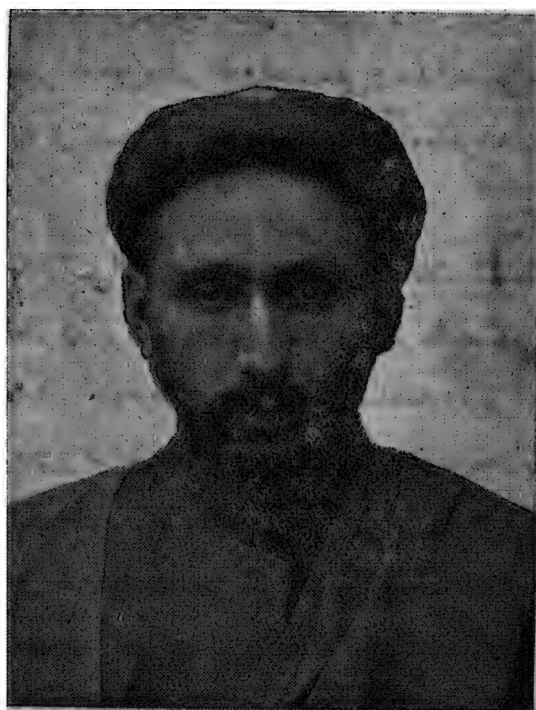
مالی ندارم ! و حساب بدست وزیر خزانہ مسیو نوز میباشد) (*)
روشن شدن مطلب بر شدت هیجان افزوده مجلسیان جداً انفصال مسیو
نوز را از دربار خواستار شدند .

کشمکش بین مجلس و دربار که باطناً مخالفت بایشرفت سیاست
استعمار خارجی در مملکت بود سبب ضعف کابینه اولیه مشروطیت شده
و مرحوم میرزا ناصر الله خان مشیر الدوله مستعفی و عبدالحسین میرزا فرمانفرما
کابینه خود را به ترتیب ذیل بموجب دستخط مظفرالدین شاه بمجلس
معرفی کرد :

فرمانفرما رئیس الوزراء و وزیر عدلیه ، علاء السلطنه وزیر امور
خارجہ ، وزیر افخم وزیر داخلہ ، ناصر الملک وزیر مالیه ، کامران میرزا نایب
السلطنه وزیر جنگ ، مهدیقلی خان مخبر السلطنه وزیر علوم و اوقاف ؛
مهندس الممالک وزیر فواید عامه ، وزیر همایون وزیر تجارت ، معاون الدوله
وزیر دربار و رئیس اداره پستخانه ؛

در دوره اول مشروطیت اولین صورت بودجه جمع و خرج قانونی توسط
ناصر الملک و وزیر مالیه بمبلغ سه میلیون و صد و هشتاد هزار و سیصد و شصت
تومان کسر بودجه تقدیم مجلس گردید ، ۲۲ ماوس ۱۹۰۷ میلادی
مطابق ۱۳۲۵ هجری قمری

بالجمله صلاى آزادى و مشاجرات بين مجلس و دربار مظفرى
باعث ازدیاد توسعه اجتماعات گردید ، انجمنها و صفوف ملیون برای
(*) چون بر طبق قرار داد استقراض از روسیه کمرکات شمالی بوثیقه رفته بود
و انتخاب مسیو نوز برای اصلاح اوضاع مالی تقریباً بانظر روسیه انجام گرفته و مسیو نوز در کار
های مالی فعال مایشاء شده هرکاری میخواست و منافع او اقتضا میکرد انجام میداد



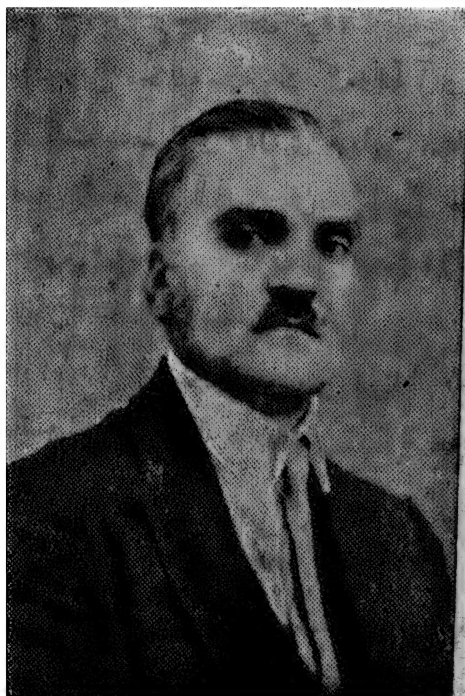
(۱۱) — سيد جلال الدين كاشاني (مؤيد الاسلام)
مؤسس ومدير نامه ملي جبل المتين

تقویت مجلس و مبارزه جبهه اخذ و حفظ حقوق عمومی و تثبیت مشروطیت نوزاد خود آرائی میکردند.

بهارستان و مسجد سپهسالار دائماً مملو از اجتماعات و بواسطه تجمع طبقات آزادپخواه و تماشاچیان و عمال و پادوهای این و آن قیافه مدهشی بخود گرفته بود. عصرها ناطقین بوسیله نطق مردم را تهییج کرده و بیانات سرشاری از طرف اشخاص مختلفه مشکوک که غالباً آلت اغراض سیاسی بودند ادا میشد! و باعث بسط تفاف و دوری فیمابین مجلس و دربار می گردید. در این میان انجمنهای آذربایجان - برادران دروازه قزوین؛ اصلاح خواهان و حقوق و آدمیت - نقشه مخفی و عمده را بازی میکردند و تقاضای تکمیل قانون اساسی را مینمودند.

بالاخره تقاضای مات توسط محمدعلی میرزا که اخیراً بواسطه بستری بودن پدر تاجدار بهرگز احضار شده بود، بسمع شاهانه رسید و متمم قانون اساسی پیشنهادی دارالشورای ملی در شوال ۱۳۲۵ هجری قمری بامضای مظفرالدین شاه مزین و بعامه اعلام گردید، درهمین اوان مظفرالدین شاه که از مدت‌ها قبل مریض و بواسطه شدت مرض بستری شده بود دنیا را وداع گفته و محمدعلی میرزا رسماً بدون منازع تخت و تاج پدر را تصاحب و تکیه بر اورنگ خسروی زد. (*) ذیحجه ۱۳۲۴ هجری قمری (*) مظفرالدین شاه آدم نیک نفس دیندار ولی ضعیف النفس و بزدل بود، متلك كوه‌ها شهرت داده بودند که مظفرالدین با اندك انقلاب در جو مانند رعد و برق از سید بحرینی استمداد بسته خود را در زیر عبای سید پنهان میکرد. - یا هنگامیکه بحمام میرفت قبلاً امیر بها در رئیس کشیک خانه در صحن حمام داخل شده و چند ضربه شمشیر به آب خزان زده و میگفت قربان جنهارا کشتم!

قطعا این اراجیف را مضمون کوه‌ها ساخته و بدنه‌ها انداخته بودند ولی از اینکه مظفرالدین ضعیف العقل و جیون و بی اراده و بواسطه معاشرین نادان بد سابقه قوای روحی و جسمی را از دست داده بود و باضمحلال مملکت بوسیله استقراضهای سنگین و اتلاف و مبالغ هنگفت کمک میکرد حرفی نیست!



(۱۳) - آقای سید حسن تقی زاده نماینده مبرز دوره
اول مجلس شورای ملی

محمد علی میرزا پس از تسلط به تاج و تخت یکصد و پنجاه ساله سلسله قاجار بدوا روی خوش بمایمون نشان داده و با گرفتن متمم قانون اساسی چنانکه اشارت رفت ، بامدت همصدائی و همراهی دیگر داما بعد ورق بر گشت و بواسطه تاقلینات امیر بهادرها و (شاپشال روسی) در صدد برهم زدن اساس مشروطیت بآمد و برای پیشرفت مقصود خویش بآروس های تزاری بندوبست نموده و همیشه گفته بود : هر وقت بخواهم سی هزار قشون قابل و پول زیاد در اختیار خود خواهم داشت . بیچاره روی همین قیاس بیجا و وعده های عرقوبی عاقبت تسلیم سفارت روس شده و باعث تنگ گردید .

خلاصه مسئله بندوبست بآروسها موجب ازدیاد غبطه انگایس ها رافراهم و موجبات خلع راتسریع کرد - در این زمینه بموجب مندرجات کتاب آبی (سراسرینک رایس) وزیر مختارانگایس مقیم طهران بوزارت خارجه لندن چنین راپورت دادناست :-

(شنیده شده است که دول خارجه چنان مایل باقتدار شاه میباشند که اگر تزلزل سخت و خطر شدیدی بآن روی دهد نظر بحفظ آن البته مداخله خواهند نمود . بنابراین من بایک جدیتی شاه را آگاه ساختم - اگر بامید معاضدت و کمک خارجه آن اعلیحضرت را بمجادله بر می انگیزانند . حمایتی نخواهد شد . دولتین روس وانگایس هر دو مصمم شده اند که بمداخله نپردازند مگر در موقع حفاظت منافع و مصالح خویش ! و اتباع خود «نقل از کتاب آبی صفحه ۱۵۰»)

معلوم میشود دیپلوماسی روسیه دوسر د بازی میکرد از یکطرف محمد علی میرزا را تشجیع بسرکوبی آزادیخواهان و مایمون میکردند .

از طرف دیگر بانگلیسها شاید طور دیگر حرف میزدند .

در هر صورت در دربار محمد علی میرزا مقدمات خرابی مجلس فراهم و سید هاشم تبریزی که یکی از سر جنبانان محله شتریان تبریز بود و بواسطه مخالفت خود با ملیون آذربایجان معروف و اخیراً بطهران لنگر انداخته بود ، با مساعدت مادی و معنوی محمد علی میرزا جمعی از افراد اراذل طهران و تبریز را دور خود جمع و شروع بدسته بندی کرد ، و نیز مرحوم شیخ فضل الله و ملا محمد آملی پیشنهاد مسجد مروی با اسلحه تکفیر ملیون و وطن خواهان را بباد فحش گرفته و صنیع حضرت چاله میدانی و مقتدر نظام سنگاچی جوانان محلات دارا- لخلافه را جمع آوری و در کوی و برزن فریاد (مادین نبی خواهیم) (مشروطه نمیخواهیم) را بفلك رسانیده و شعله حریق فتنه را دامن میزدند ، طبیعی است در قبال رجاله بازی مرتجعین ملیون و مجلسیان که از کنه کار باخبر بودند ، نیز بیکار ننشسته و بالنتیجه کیفیت میدان توپخانه و قتل چند نفر بیگناه فراهم شد (۱۶ ذیقعدہ ۱۳۲۵ هجری قمری) بعد از تظاهرات بسیار چون محمد علی میرزا قوای خود را کافی برای مقابله ندیده - ! خود موجبات تفرقه تعزیه گر دانان میدان توپخانه را فراهم ساخته و اجرای مقاصد باطنی را بموقع مناسب دیگری محول داشت . باوجود تفرقه میدان توپخانه بازار همدتی بحال تعطیل باقی و علت هم توقیف و تبعید ناصر الملك وزیر قانون خواه اروپا بود .

خلاصه مصالحین بمیان افتاده و کارهای کسبه بحریان افتاد ولی اوضاع سکونت نیافت و ساعت بسوی هرج و مرج و آشفتگی سیر میکرد . و اخبار ناهنجاری از ولایات و ایالات طهران میرسید و سبب پریشان خیالی

مجلسیان و ملیون می-آوردید، فشار و وحشت موجب شده بود که نمایندگان اصناف و تجار مرتباً شبها در گرد یکدیگر جمع و از گذارشات عمومی همدیگر را مطلع بدارند - الواط و اراذل نیز بتحریر مخالفین مشروطیت بیکار تنبسته برای مرعوب کردن اهالی و بیزاری مردم از مشروطه و قانون در بازار و کوچه افراد کسبه و صلح طلب را بیاد فحش و چپاول گرفته و عبا و ردای عابریں را بمصادره میبردند .

اینگونه اقدامات شرارت انگیز نه تنها از طرف حکومت وقت جلوگیری و ممانعت نمیشد - بلکه تقویت هم میشد .

تاجدار جدید محمد علی میرزا در باغشاه بیرون دروازه شهر منزل گرفته و کاملاً پریشان حواس و عصبانی بود .

در همان اوان زبان زد عوام شده بود که محمد علی میرزا شبها در حال مستی و بیخودی هفت تیر خود را کشیده و تیر می انداخت و میگفت : « تقی زاده سید جمال را کشتم » البته تکرار این عبارت در زبان خواص و عوام در هر محفل و مجلس خالی از اغراق نبود ولی پری جهه هم شهرت نداشت و معلوم بود محمد علی میرزا از تندی نقشه های سید حسن تقی زاده و بیانات مؤثر مرحوم سید جمال الدین واعظ اصفهانی درهراس و از رویه قانددین ملت نگران و از اوضاع بیمناک بود بویژه از سید جمال الدین و تقی زاده که بیش از هر کس در مرکز و پایتخت یکی در مجلس و دیگری در بین جماعات بوسیله نطق و خطابه عامه را برای مبارزه با ارتجاع و قبول تجدد در رویه زندگانی و نهضت فکری و انقلاب



(۱۴) - خلیفہ ملی سید جمال الدین واعظ معروف اصفہانی

آماده نموده و میردان و شاگردان خوبی برای روز مبادا حاضر میکردند. *

بالجمله در نتیجه ازدیاد اتفاق و کبدورت فیما بین محمد علی میرزا و ملت موجبات برهم خوردن دار الشورای ملی و توپ بستن مجلس فراهم گشته و در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ هجری قمری مجلس شبانه از طرف دستجات قزاق و سرباز سیلا خوری و معقانی در تحت فرماندهی فرمانده جوان روسی (لیاخوف) محاصره و بعد از هفت ساعت جنگ و شلیک توپ و تفنگ جمعی کشته و عده زخمی و برخی اسیر گردیده ، بالنتیجه مجلس و مجلسیان متفرق و باغشاه منبع جور و مظالم گردید .

استبداد و اشتداد در شهر حکفرما و هیچیک از افراد آزادیخواه و کسبه و صلح طلب بزندگانی خود تامین نداشت .

روز ۲۵ جمادی الاول یعنی دو روز بعد از خاتمه کار مجلس حکمی بامضای کلنل لیاخوف روس فرمانده بریگاد در شهر منتشر و (*) مرحوم سید جمال الدین ناطقی فصیح و مبرز و شجاع و دلاکار بوده و کلمات سید را در سامعه مستمعین اثر خاص بود ، بطوری خطابات جانگداز معظم له بسمع قبول تاقی م شد که جمعی از کسبه بازار از سرمایه و کار صرف نظر کرده و با فروش اتانیه منزل تفنگ و طپانچه تهیه دیده دیوانه وار شبها برای اجرای اوامر و حفظ آقا پای منبر جولان میدادند ،

خلاصه و عظم آقا همه روزه بطور ورقه فوق العاده در تحت عنوان (الجمال) طبع و نشر میکردید . برای نمونه گفتار ایشان چند سطری از نامه الجمال نقل مینمائیم :-

(ای مردم از چون خودی نباید ترسید ، همانطور که بواسطه وهم و خیال از شیاطین و جن پری رم نباید کرد ، همینطور باید دانست که فراشهای قرمز پوش مانند شما يك سر-دارند و دو گوش و ابداء قابل اهمیت نمیباشند ، خدای هر دوی شما یکی است و هر دو بهم احتیاج دارید چیزیکه هست آنان از رعب و ترس و هراس شماها کوساله بیزبان استفاده کرده و باهمه چیزتان بازی میکنند)



(۱۲) - میرزا جهانگیر خان صور سردبیر روزنامه صوراسرافیل
و شهید راه آزادی

چند روز بعد حکم لیاخوف بوسیله دستخط مشیرالسلطنه صدراعظم تصحیح گردید.

دستخط مذکور توضیح میداد که شاهزاده مؤیدالسلطنه حاکم معمولی شهر است و کلنل لیاخوف حکمران نظامی ! و هیچیک نباید در کاریکدیگر مداخله نمایند، و نیز فرمانی از طرف محمد علی میرزا صادر شد و در آن فرمان اصلاحات فراوانی را وعده میداد که از آنجمله بود:- اصلاح و توسعه معارف ! تجارت و مؤسسات صنعتی و غیره.

در جریان زد و خورد مجلس تقریباً دوست نفر از سران مایون اسیر و برخی مانند:- مرحوم ملک المتکلمین، میرزا جهانگیر خان صور، روح القدس و غیره معدوم و آقایان سید محمد مجتهد طباطبائی و سید عبدالله مجتهد بهبهانی تبعید گردیده و حضرات آقای سید حسن تقی زاده و مرحوم بهار الواعظین از خطر جسته و بسفارت انگلیس پناهنده و مرحوم سید جمال الدین واعظ اصفهانی فراراً بطرف لرستان حرکت و در بروجرد مقتول گردید.

فرمان حکومت نظامی بتاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی، طابق ۱۳۲۶ هجری قمری به ترتیب ذیل در شهر پایتخت اعلام گردید:- « چون طهران و سایر شهر های دیار ممالک در تحت قانون نظامی خواهد بود،

لهذا برای جلوگیری از افساد و برقراری نظم و آسایش عموم- ما بموجب این فرمان امر و حکم میفرمائیم که کلیه اجتماعات در خیابانها و محلات و میدانها و بعلاوه جمع شدن عده کثیری از مردم یا بیرون شهر یا در منزلهای شخصی وقتی قانونی خواهد بود که اجازه از حکومت گرفته شود

بموجب این فرمان امر میدهیم که اگر برخلاف این ترتیب اجتماعی در خیابانها و محلات و میدانها بشود ، بقوه قهریه نظامی مجتمعین را متفرق خواهند کرد .

در صورت عدم اطاعت و مقاومت بقوه قهریه و شلیک تفنگ آنها را متفرق خواهند نمود .

محض اینکه این نوع اتفاقات ناگوار بر رعایای ما وارد نشود ، ما نیز حکم مینمائیم که حتی در کوچهها یا مساجد یا نقاط دیگر برای تماشاهم جمع نشوند ، در صورت عدم اطاعت باین احکام :

اول - رؤسای این اجتماعات و اشخاص دیگر که مربوط باین اجتماعات بوده بحکم حاکم - دستگیر و سه ماهه محبوس خواهند شد
دوم - فرمانده بریگاد قزاق کلنل لیاخوف بحکومت شهر معین گردیده است .

رئیس نظمیه و فرمانده نظامی در تحت اوامر او و فرمان او خواهند بود .

سوم - آن اجتماعاتی که عمومی از قبیل تجار در تجارتخانهها ، قهوه خانها و اصناف که قانونی است - پس از سه ساعت از شب گذشته ممنوع است .

چهارم - حمل اسلحه بدون اجازه حاکم ممنوع است و مرتکبین بر وفق ماده اول این فرمان مجازات خواهند شد .

حتی آن اشخاصی که اجازه حمل اسلحه دارند باید بایطه مخصوص از حکومت داشته باشند ،

پنجم- اشخاصی که بی احترامی به نظام بکنند بطور مذکور تشبیه و همچنین بسر باز اجازه داده خواهد شد که اسلحه خود را بطرف آنها بکشند
ششم - تعیین تشبیه برای تقصیراتی که در این مواد ذکر شد در ولایات بر عهده مأمورین مسئول محلی است.

هفتم - اجرای این احکام از تاریخ صدور آن خواهد بود .
امضاء (محمد علی شاه قاجار)

فرمان عفو عمومی

بتاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی

« جناب صدر اعظم ، مقصود ما اعاده نظام در ممالک است و اقداماتی که برای دستگیری خائنین و مفسدین بعمل آمده محض آسایش و راحتی مردم است .

و برای اینکه اهالی بر تقصیر و مصالح بیش از این دیگر دچار زحمات و سدهات نباشند بموجب این دستخط مسروریم که اعلان عفو عمومی نموده و صریحاً اظهار میداریم که ما عفو مینمائیم :

تمام اشخاصی که نسبت بآنها سوء ظن برده شده است اما آن اشخاصی که دستگیر شده اند ، مجلسی مرکب از اشخاص سالم و بی طرف تشکیل داده خواهد شد و سوابق آنها را بدقت رسیدگی خواهند نمود .

هر کس بی تقصیر باشد مرخص خواهد شد ولی مشروط بر این که مردم از حدود قانونی که حکومت نظامی ترتیب و منتشر نموده تجاوز نکرده و اقداماتی بر خلاف قاعده و قانون ننمایند ۲۵ جمادی الاول ۱۳۲۶ هجری قمری .

امضاء (محمد علی شاه قاجار)

بلا فاصله بعد از ابلاغ فرمان حکومت نظامی در تمام ممالک
از طرف محمد علی میرزا برای اجرای فرمان مزبور مواد ذیل از جانب
حکمران نظامی دارالخلافه طبع و انتشار یافت - اعلان حکومت نظامی
۲۵ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی

« حسب الامر اعایحضرت همایونی محض آسایش مردم و اجرای
قوانین و وظایف قوای شهری و همچنین برای اطلاع عموم مواد ذیل دستور
لازم شمرده میشود :-

۱ - استقرار نظم در شهر مخصوصاً به بریگاد قزاق اعایحضرت
همایونی و ژاندارمری و افواج خایج وزرند محول گردیده است

۲ - اشخاصیکه برخلاف این قوانین رفتار نمایند مورد مؤاخذه
سخت واقع خواهند شد اشخاصی که مظلوم واقع گردیده اند میتوانند
شکایت خود را بداره من یا خود من شخصاً ابراز دارند .

۳ - هر کس بکس دیگر تعدی و ظلم نماید باحضور شخص
مظلوم و اطلاع نماینده حکومتی تنبیه خواهند گردید .

در صورتیکه بکسی اذیت یا مال کسی دزدی شود آن شخص
میتواند مراتب را بقزاقیکه مامور قراولخانه است اطلاع بدهد .

۴ - قیمت نان و گوشت به نرخ حالیه باقی خواهد بود
اگر میزان قیمت گرانتر فروخته شود جریمه از فروشنده
گرفته خواهد شد !

۵ - اگر در کوچه بیش از پنج نفر جمع شوند بقوه قهریه آنها
را متفرق خواهند ساخت

۶ . اشخاصیکه مشغول فروش اسلحه هستند بعد از این بدون

اجازه من مجاز بفروش نخواهند بود و اجازه فقط از طرف من داد خواهد شد .

۷ . اگر تیری در شهر دربرود قزاق بآن نقطه فرستاده خواهد شد - در صورتیکه تیر بلا اراده باشد مرتکب برای يك مدتی محبوس خواهد گردید .

اگر کسی در شب بدزدی در خانه تیر بیندازد قزاق باید وارد خانه بشود و کسب اطلاع بنماید اگر تیر با قصد عمد در رفته شده باشد مرتکب سخت مجازات خواهد شد .

۸ - - به اشخاصیکه بارکاه یا هیزم یا بارهای دیگر در کوچها گذارده و مانع از عبور مردم میشوند اخطار میشود که بعد از این دیگر بدین عمل مبادرت نورزند ،

۹ - اگر از خانه بقراول کوچه تیر انداخته شود آنخانه توسط توپ خراب خواهد شد .

۱۰ - کالسکه ها باید در سمت راست کوچه پشت سر هم بایستند درشکه چیهائیکه باین ترتیب رفتار نمایند مورد مؤاخذة سخت واقع خواهند شد .

۱۱ - آب پاشی و جاروب کردن کوچه بر عهده صاحبان خانه و مستاجرین است :

۱۲ - من خواهش معاونت از تمام اهالی طهران برای استقرار نظم در شهر میمنمام -

«رئیس و فرمانده بریگاد قزاق اعلا حضرت همایونی کلنل لیاخوف
ابلاغیه مشیرالسلطنه صدر اعظم

۷ ژوئیه ۱۹۰۸ میلادی

بموجب این ورقه بتمام ساکنین شهر طهران اخطار میشود

تامد تیکه پایتخت در تحت قانون نظامی است بریکاد قزاق وافواج ساخلودر قراولخانها و ژاندارم در تحت فرمان کلنل لیاخوف مشغول محافظت کوچها برای استقرار نظم در شهر بوده و بعد از این هم باید بروفق احکام و دستورالعمل های مقررده همینطور مشغول استقرار نظم و امنیت در شهر باشند ولی امور دیلر حکومتی از قبیل رسیدگی بشکایات و رفع تظلمات مربوط بشاهزاده مؤیدالدوله حاکم طهران است و اهالی شهر هم باید بهمین ترتیب رفتار بنمایند و بدانند که امنیت و انتظام شهر مخصوصا مربوط به کلنل است رسیدگی بشکایات و کارهای دیگر راجع بحضرت والا است امضاء صدر اعظم» (جمادی الاخر ۱۳۲۶ هجری قمری)

باوجود اقدامات و عملیات شدید از طرف دربار محمد علی میرزا و مرتجعین برای تسکین افکار عامه و اعدام و حبس و زجر مردم بیگناه معینا بر اشتداد اوضاع افزوده و دامنه اغتشاش و انقلاب بولایات کشیده و بواسطه تمرکز ملیون قبل از همه جا در تبریز شعله تمرّد و عصیان زبانه کشید که بعداً شرح آن بیاید.

پس از وصول اخبار هیجانات اهالی تبریز برای فرو نشاندن آتش فتنه فرمان انتخابات جدید برای دوره دوم دار الشورای ملی به ترتیب ذیل انتشار یافت.

دستخط همایونی

«جناب صدر اعظم - پس از اینکه دولت محض استقرار نظم در مملکت و جلوگیری از مفسدین و انجمنها و اشخاص لامذهب که باعث اذیت مردم بودند مجلس را منحل نموده ماقول دادیم که پس از اعاده نظم و قلع

و قمع رولوسیونرها (انقلابیون) و انجمنها و استقرار امنیت و خاموشی اهالی
مجلسی منعقد نمائیم که قوانین او موافق مقتضیات مملکتی و قوانین مقدس
پیغمبری بوده حامی و مروج عدالت گردد تا اینکه ما بتوانیم تمام
اهالی و تمام طبقات رعایای خود را که نگاهداری آنها از طرف خدای
تعالی بخواهیم بجا آورده و آسایش و اصلاح و آسایش نگاهداشته و مفسدین را قلع و
قمع نموده و آئین مقدس اسلام را که اولین وظیفه ما است حفظ و حراست نمائیم.
حتی بتمام نمایندگان دول متحابه هم اینطور ما اعلان نمودیم -
اکنون موقع انعقاد مجلس نزدیک شده ما بجناب شما اخطار مینمائیم که
مجلس با شروط معین و محدود موافق مقتضیات مملکتی که قوانین او
بر وفق شرع انور بوده و از بروز اغتشاشات جلوگیری نماید. در نوزدهم
شوال منعقد خواهیم نمود.

لهذا بتمام اهالی مملکت و تمام طبقات رعایای ما اعلان نمائیم
که چون خدا شخص مقدس ما را حافظ مملکت و مردم و دارنده تاج
و تخت و حامی مذهب مقدس فرموده و چون ما مقصودی جز صالح و
آسایش مردم و اجرای قوانین عدالت نداریم .
و چون وظیفه ما اینست که طریقه و عادت پیغمبر را سرمشق خود
کنیم - باین جهت بصدور این دستخط اهالی مملکت را مسرور و امید
وار مینمائیم . و ما نیز حکم مینمائیم که مجلسی مرکب از اشخاص
متدین و عاقل بتوفیق خدا و توجه امام دوازدهم در نوزدهم شوال منعقد
خواهیم نمود .

بوسیله این مجلس که موافق شرع و عدالت خواهد بود مردم در
آسایش خواهند زیست . و قوانین اسلام محفوظ و بموقع اجرا گذارده
خواهد شد . و تمام آثار اغتشاش و ناامنی و انجمنها محو خواهد شد

چون نیت مقدس مابموقع اجرا گذارده شود. راهبها باز و مردم در ظل عنایت و مرحمت ما آسوده خواهند گردید .

این اقدامات برای آسایش مردم بعمل خواهد آمد و لوازم ترقی فراهم و ثروت مملکت خواهد گردید .

الحال ما حکم میکنیم که شما قانون انتخابی و قانون مملکتی موافق شرع ترتیب داده برای غره شوال حاضر نمایند تا اینکه هر دو مجلس منعقد گردد ؟!

تمام مردم تکلیف خود را شناخته از حدود خود تجاوز نمایند. و تمام اهالی بر راحتی زندگانی نمایند ، لیکن یاغیان تبریز طوری بواسطه افساد و خونریزی مقصرند که دوات نمیتواند از تقدیر آن اراذل بگذرد!! لزوماً بهمه اعلام میشود که تامد تیکه نظام در تبریز برقرار نگردیده و یاغیان قلع و قمع نشوند و اهالی بدبخت آن شهر از تطاول اینگونه اشخاص خلاص نگردند . تبریز از این حکم و این دستخط خارج خواهند بود .

۲۷ شعبان ۱۳۲۶ هجری قمری « اعضاء محمد علی شاه قاجار »

بعد از انتشار جریان وقایع طهران و کیفیت توپ بستن مجلس و اسارت و کشتن جمعی از ملیون بدست عمال ارتجاع بلا فاصله در تبریز بازارها تعطیل و جنگ و زد و خورد فیما بین طرفداران محمد علی میرزا و مشروطه طلبان شروع و تاسه روز مداومت داشت .

بالاخره در نتیجه مداخلات مصالحین بین نمایندگان طرفین قرار ملاقات داده شده و شرایط صالح راتحت مذاکره قرار دادند .

در این بین قلدرهای محله شتربان تبریز دو نفر از افراد مشروطه طلب را قتل رسانیده و سواران قراچه داغی که باهر محمد علی میرزا



(۱۵) محمد ولیخان سپهسالار تنکابنی

فرمانده مجاهدین فاتح طهران

عازم تبریز شده بودند در بیرون شهر تبریز هویدا و خبر انتصاب شاهزاده مرتجع عین الدوله بحکمرانی آذربایجان بیشتر سبب وحشت و اضطراب اهالی گشته و سواران شاهسون بچپاول و یغما دست گشودند .

مشروطه طلبان ناچاراً استقامت ورزیده و شروع بجمع آوری استعداد کردند. چند روز بعد یکه تازان شاهسون چلیانلو و سواران متفرقه دولتی تقریباً بموجب یاد داشتهای موثق سه هزار نفر با سه عراده توپ بداخاه شهر هجوم آور شده و شروع بغارت کردند

دسته از انقلابیون از ترس جان و مال بریاست مرحوم ستارخان و باقرخان رسماً در عقب سنگر نشسته و از پیش آمد قشون ارتجاع جلوگیری و ممانعت بعمل آوردند . تا بالنتیجه دامنه انقلاب رسمی وسعت یافته و در اصفهان و گیلان آتش فتنه شعله ور و پس از تمرکز قوای مای در اصفهان در تحت فرماندهی مرحوم حاجی علی قلی خان سردار اسعد بختیاری و مرحوم نجف قلی خان مصمصام السلطنه و در گیلان بریاست محمد ولی خان سپهسالار تنکابنی و سردار مجی و پیرم خان ارمنی بعزم مرکز حرکت و بعد از چند جنگ و مختصر در قزوین و قریه بادامک شهر یار بطرف پایتخت حمله ور و علی الطایعه صبح جمادی الثانی ۱۳۲۷ هجری قمری بشهر طهران وارد و بحکومت خود سری خاتمه داده و موجبات تجدید اصول مشروطیت را اعلام نمودند (*)

(*) انتشار اخبار فتوحات ملیون بختیاری و مجاهدین تبریز و گیلان و قیام سید عبدالحسین لاری در کرمان و نیز قیام مرتجعانه یوسفخان هراتی در مشهد موجب هیجان ملیون پایتخت شده و از گوشه و کنار زمزمه انقلابی آغاز و شعرای مای برای تهییج افراد شروع بسرودن اشعار نمودند که برای نشان دادن نمونه از ذوق ادبای آروزه قسمتی از اشعار (صفائی) را که جنبه تاریخی دارد ذیلا نقل میشود :

کار ایران با خداست

هر دم از دریای استبداد آید بر فراز
موجهای جانگداز

متعاقب ورود مجاهدین گیلان و سواران بختیاری بدارالخلافه و قیام و مساعدت مایمون مرکز بامهاجمین در ظرف دوروز شایک مختصری صورت گرفته و محمدعلی میرزا تاج و تخت را بدرود گفته و برای حفظ جان در قریه ییلاقی زرگنده بسفارت روس پناهنده و بالملازمه در شهر آرامی هویدا و بلافاصله برای قبضه کردن اقتدارات مملکتی و حفظ اصول مرکزیت - بموجب دعوت رؤسای نهضت مجلس - شورای عالی مرکب از رجال و نمایندگان دوره اول دارالشورای ملی در بهارستان تشکیل بدو هیئت مدیره انتخاب و سپس بر طبق قانون اساسی احمد میرزا که و دك دوازده ساله صاحب تاج و تخت و عضدالمالك پیرمرد سالخورده و رئیس طایفه قاجاریه که سابقا نظریه نیکی نسبت به تغیر اوضاع ابراز داشته بود به نیابت سلطنت اعلام و محمد ولی خان سپهسالار تنکابنی بریاست وزراء و وزارت جنگ و مرحوم علی قلی خان سردار اسعد بختیاری بسمت وزارت داخله معلوم و پیرم خان رئیس مجاهدین ارمنه با اختیارات تام بریاست

(*) زین طلاطم کشتی مات بگرداب فنا است	کار ایران با خداست
سنگر شه چون بدوشان تپه شد از باعشاه	تازه تر شد داغ شاه
روز دیگر سنگرش در سرحد ملك فنا است	کار ایران با خداست
باش تا اشقر به ری تازد ز آذر بایجان	حضرت ستار خان
آنکه تویش قلعه گوب و خنجرش کشور گشاست	کار ایران با خداست
باش تا بیرون ز ری آید سپهدار بزرگ	فسر دا در سترك
آنکه گیلان زاهتمامش غیرت دار بقاست	کار ایران با خداست
باش تا از فتح کرمان با سیاهی ارجهند	سوی ری تازد سمند
سیدلاری که لاریجان از او عشرت سراست	کار ایران با خداست
ماش تا از اصفهان صمصام حق گردد یدید	دین حق سازد جدید
تابه بینم آنکه سرز احکام حق پیچد کجاست	کار ایران با خداست
خاك ایران بوم و برزن از تمدن خورده آب	جز خراسان خراب !!
هر چه هست از قامت ناسازی اندام ماست	کار ایران با خداست

کل نظمیه منصوب و در صدد تهیه موجبات اصلاح امورات تامینیه بر آمده
و با کمال عجله مقدمات انتخابات دوره دوم را فراهم و پس از چندی دوره
دوم دارالشورای ملی با تشریفات ملی تاسیس و تشکیل گردید (*)



(۱۶) - علیقلی خان سردار اسعد بختیاری رئیس سواران
بختیاری فاتح طهران

(*) برای قدردانی از زحمات اشخاصیکه در دوره اول مجلس که میتوان
مجلس موسسان نامید لزوماً تذکر میدهد که عمده نقشه، و عملیات مهم این دوره
برشور و شور از نظر تجدد و مشروطیت آقایان سید حسن تقی زاده تبریزی و مرحوم
صنیع الدوله که بالاخره جان خود را برای وطن روی نقشه های اصلاح طلبان گذارده



(۱۷) - سردار ملی ستار خان آذربایجانی

و بدست دو نفر گرجی مقتول گردید ، و احتشام السطنه قاجار و ممتازالدوله رؤسای
متناوب مجلس دارالشورای ملی انجام گرفته و نقشه ارتجاع را امیر بهادر جنک قراچه
داغی و سعدالدوله به پایان رسانیده اند)

(*) بلافاصله بعد از ورود سرداران ملی و فتح طهران برای تحکیم
مرکزیت عددی از معارف طبقه ممتازه بضمیمه سردار اسعد و سپهدار بعنوان
هیئت مدیره تشکیل و بعد از تحصن محمد علی شاه قاجار درزرکننده بین سفارتین



(۱۸) - باقر خان قبریزی سالار ملی

روس وانگلیس از طرفی وهیئت مدیره از جهتی راجع بخاتم کار محمدعلی میرزا شروط ذیل تنظیم گردید .

اول - محمدعلی شاه مخلوع از ایران خارج شده ومملکت را ترك گوید

دوم - جواهرات سلطنتی را که باخود برده رد نماید .

سوم - قرضهائی که شخصا نموده ادا کند واملاك خود را که رهن گذارده

از املاك دولتی تفكيك نماید . و صد هزار تومان وظیفه سالیانه مقرر گردید که بعداً قطع شد (کتاباختناق ایران)

فصل پنجم

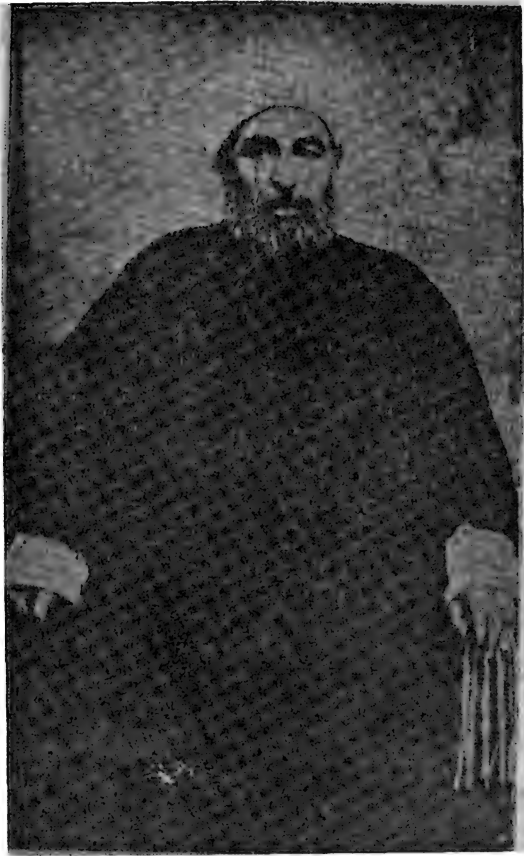
تأثیر نهضت مشروطه و معاهده ۱۹۰۷

دوره اول مجلس و مشروطه کبیر یا مجلس مؤسسان را باید یکی از ادوار تاریخی نهضت ایران باستانی برای تجدید عظمت دیرینه ایران در قرون اخیر محسوب داشت.

چه علاوه بر اینکه برای اخذ تمدن جدید و اصلاحات اساسی در اداره مملکت هزاران نفر از افراد وطن در گوشه و کنار تلف و ملیون‌ها اموال بواسطه اعتصابات و نا امنی بباد فنا رفته و بالتیجیه موجبات وضعیات اصلاح امور داخلی فراهم گشت.

از نظر سیاست خارجی نیز بی تأثیر نبوده و خدمات مهمه به استقلال کامل با تمام معنی کشور باستانی نمود؛ که قریب صد سال یعنی از اواسط سلطنت فتحعلی شاه قاجار مطمح نظر همسایگان اروپائی شده و از هر حیث مغلوب مبارزه دو حریف قوی پنجه گردیده و در عین آنکه عمال اجنبی غیر مستقیم در تمام شئون داخلی مداخله مینمودند اخیراً از بی‌حالی و ندانم کاری و شهوت پرستی در بار خراب مظفر الدین شاه استفاده و قوای مالی و نظامی مملکت را مستقیم و غیر مستقیم در دست گرفته و بعنوان احترام عادات ملی کیفیت توسل به بیگانه را برای تهیه موجبات تکمیل دخالت در امور و توسعه نفوذ سیاسی در تمام مظاهر اجتماعی ترویج میکردند و خود مستقیماً در ایجاد نهضت مشروطه طلبی مساعدت های علنی و مخفی بعمل می آوردند. شاید تجدید را ملعبه خود قرار دهند

معهدا از پیشرفت نهضت آزادی واستقلال طلبی اهالی اندیشه مند شده و برای جلوگیری وممانعت از پیشرفت جنبش عمومی قسمت مهمی از معاهده منجوس ۱۹۰۷ میلادی را به اختناق ایران متجدد



(۱۹) - ملك المتكلمين ناطق ملی

اختصاص داده وبجته تحمیل معاهده مذکور بعنوانین مختلفه توسل جسته قوه فشار را تا بجائی کشانیدند که در دوره دوم بصورت اتمام حجت (اولتیماتوم) عرض اندام نموده وباعث انحلال دوره دوم دارالشورای ملی باتعلیمات ناصرالملک گردید .

معاهده ۱۹۰۷ - ایران را بر سه منطقه نفوذی تقسیم کرده بود جنوب و شمال باذکر تمام جزئیات بر روی نقشه سیاسی که از طرف دیپلوماسی کهنه گار طرح شده بود . سهم آنان (طالبین اطلاعات کامل و تاریخی جریان معاهده مزبور بترجمه کتاب (اسناد محرمانه سیاسی) مراجعه نمایند .

و قسمت کمی از صحنه وسیع ایران را حسب ظاهر آزاد و بیطرف معرفی کرده بودند و معلوم بود با نقشه های تهیه و عمل شده آزادی و بیطرفی سیاسی منطقه هرگز معنای موضوعی نداشت . برای فهمانیدن اهمیت معاهده مزبوره و برای آنکه خوانندگان بدانند تاجچه درجه برای اختناق ایران جدید کوشش بعمل آمده و خدای ایران - ایران جدید را بادست اولاد صالح وطن از مهالك نجات داده و کار ممالکت در اینموقع که مشغول نگارش این سطور میباشم از حیث ترقی و انتظام بجائی رسیده که نه تنها از مفاسد گذشته آثاری جز در صفات تاریخی و حافظه ارباب فرست باقی نیست بلکه کاملاً وضعیات شرب الیهود سابقه اصلاح و از هر جهت موجبات ترقی و تکامل فراهم گردیده است که اگر عمر و فرصت باشد در جلد دوم از معرض افکار خوانندگان خواهد گذشت .

برای نمونه افکار دیپلوماسی همسایگان نسبت باوضاع ستوری چند از راپورت رسمی انگلیسی را از جلد اول کتاب ادبی در اینجا نقل مینمائیم :-
(تلگراف سراسرنیک رایس وزیر مختار انگلیس به سرادوارد گری وزیر امور خارجه انگلیس از قاهره بتاريخ ۲۲ ماه می ۱۹۰۷ مینگارد :
حس استقلال و حفظ ملیت نمودن و ممانعت از ظلم و ذیحق بودن در اداره کردن امور خویش همه روزه مابین مردم بطور سرعت تولید

میشود قوت این احساسات در آذربایجان و همچنین در پایتخت بیشتر است. و اگر مخالفین هر گونه عوایق و اشکالاتی برای مجلس فراهم آورند که قوه و نفوذ حالیه آنرا مضحک نمایند حس آزادی و عقیده وطن پرستی را که مردم به تازگی دریافت کرده اند زائل نتوانند نمود.

۲

سابقا دقت شمارا در خصوص ازدیاد احساسات ضد اروپائی ! که مخصوصا در مجلس قابل ملاحظه است جلب نموده بود . این احساسات بواسطه ترس از معاهده جدید بین دولتمن روس و انگلیس است .

۳

در این وقت خیالات و ضدیت با خارجه خیلی احساس میشود - مجلس ریاست باثر یکیه را در کم رکات ایراد مینماید ، و نیز بر بریگاد قزاق تاخت آورده - همچنین متعرض سایر امتیازاتی که بخارجه داده اند میباشد در اینصورت هیچ جای تردید نیست که بانک شاهنشاهی بسبب داشتن امتیاز اسکناس -! بزودی مطرح ایرادات سخت واقع خواهد شد البته طولی نمیکشد که بواسطه حرکات مردم امور و اوضاع رعایای خارجه دچار سختی و اشکالات خواهد گردید)
خوب ملتفت شدید ؟ نگارنده تصور مینماید که همینقدر برای نمونه کافی باشد - تاخوانندگان از جریان کیفیت اوضاع سیاسی آن روزه مبارزه فداکارانه ملیون جان نثار وطن و رجال دولت در مقابل مرتجعین داخله و نیرنگ بازی عمال خارجه آگاه گردند . *

* باوجود آنکه دولت ایران توسط آقای میرزا حسن خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه وقت نسبت بمعاهده مذکوره (۱۹۰۷) اعتراض شدیدی (پروتست)

بالجمله با وجود غلبه قوای انقلابی و مغلوبیت کهنه پرستان محافظه کار و اعتراض بمعاهده مذکور معاهدات و سهای تزاری همه روزه بر فشار خود افزوده و تقاضای جدیدی برای تحمیل معاهده مذکور و توسعه قدرت خود مینمودند؛ در تعقیب تقاضای نمایندگان همسایه شمالی دیگران بعنوان تساوی حقوق پیشنهاد روسهار اتانید کرده و با تقدیم نصایح عاقلانه بکابینه وزراء قسمت خود را در جنوب مطالبه میکردند!

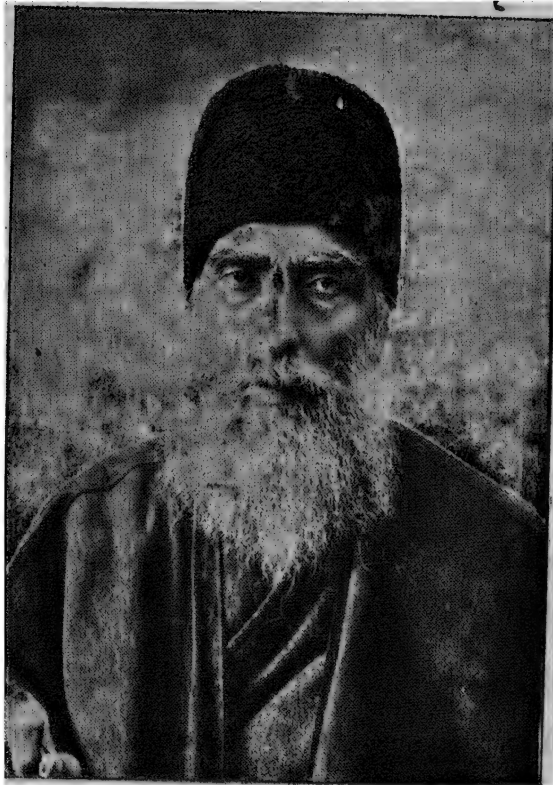
این بود خلاصه دورنمای وضعیات آنروزه ولی باتمام اینگونه مشکلات داخلی و خارجی در نتیجه بیداری شعور ملی میلیون وطن پرست در مجلس و خارج از محوطه محافل رسمی باشور و غوغا سرگرم اصلاحات و برای نجات ایران از محاصره نفوذ سیاسی استعماری نقشه های اساسی را بموقع اجرا میگذاشتند .

بر روی همین نظریه برای دخول يك سیاست بین المللی در میدان رقابت همسایگان جنوبی و شمالی از امریکای شمالی (اتازونی) شوشتر را جهة اصلاحات مالی طاب و بعنوان حسن جریان منابع مالی قشون مختصر و منتظمی بنام ژاندارمری مالیه مرکب از افراد جوان وطن پرور تشکیل داده و قوای متفرق ملی را (مجاهدین و سواران بختیاری و غیره) برای جلوگیری از بازیهای سیاسی خارجه که در تحت نقاب نهضت ارتجاع بود بکار میبردند .

نموده و اعتراض خود را بوسیله نمایندگان مقیم پایتخت بتمام دربارهای دول اعلام داشت

شماره ۴ روزنامه مساوات مورخه شوال ۱۳۲۵ (هجری قمری)

* مخفی نماند آنکه در نهضت تجدد خواهی و مشروطیت نسوان ایران عامل مؤثری محسوب و کارهای مهم و بزرگ را در طریق اخذ تمدن جدید انجام داده اند برای تکمیل اطلاعات خوانندگان محترم سطوری چند از کتاب (اختناق ایران)



(۲۰) عضد المک نایب السلطنه

تالیف (شوستر) معروف امریکائی خزانه دارمالیه ایران درسنه ۱۳۲۹ هجری قمری نقل مینمائیم:

« در طهران شهرت داشت که دسته ها از اعضاء انجمنهای سری زنان هستند که مخفی و گمنام و در تحت اوامر مرکز معینی که زمام نظم ایشان را در دست داشت میباشند تا امروز هم نه اسم هیچک از آنها را دانسته و نه فرد برجسته (لیدر) آن فرقه را میشناسم

ولی از طرق عدیده مطام شدم که هزارها از جنس و آن زنهای ضعیف در پیشرفت کارهای من مساعدت مینمایند» پس اذکر چند مثال باز مینویسد

« دریک معامله جماعت بسیاری از زنان فقیر و پریشان ایرانی به پارك آمده بمن اظهار نمودند که چون اداره خزانه نمیتواند وظایف و مستمریهای مردم را برساند و بیش

گاهی سالارالدوله دیوانه‌وار از سرحد غرب (کردستان) وارد و تاجند فرسنگی پایتخت را بباد غارت و چپاول اکراد والوار وحشی میسپرد. و بازحمت و جان نثاری مجاهدین مشروطه طلب در رباط کریم منکوب و مغلوباً پیشخانه را به پسخانه تبدیل و بایکمشت اندوخته غارتی بممالك خارجه فرار میکرد.

زمانی محمدعلی میرزای بخت برگشته باخیل تراکمه سرداری سردار ارتجاع (ارشدالدوله) از صحرای یموت تافیروز کوه مازندران و بلوک و رامین را ویران و هستی جمعی رعایا را بباد فنا میداد و عاقبت بادت خالی و لعنت ابدی هزیمت مینمود در عین اینکه حالت اطراف بدینگونه بود - اهالی پایتخت هم از اغتشاش و ناامنی بی نصیب نبودند.

چنانکه بواسطه تفتین عمال این و آن چنان آتش نفاق بین ملیون معتدل و تندرو فراهم شده بود که وسط شهر در بهترین معبر طهران (خیابان لاله زار) قاپ جوان ناکام مرحوم میرزا محمدعلی خان آماجگاه تیرگر دیده و سرای تجارتی بازار امیر از خون پاک جوانان مجاهدین در راه وطن آغشته و پارك اتاك سنگر و پناهگاه مرحوم ستار خان سردار

از يك مایون دولار قرض دارد و مثل این وجه برای مصارف قشون داوطلب که با پادشاه مخاوع جنگ میکند (هنگام بازگشت محمدعلی میرزا بصحرای تراکمه چنانکه گذشت) لازم دارد «بعد از شرح هیجان ملیون در موقع انمام حجت روس (اولتیماتوم) مینگارد (تقریباً سیصد نفر از جنس ضعیف از خانه و حرم سرای محصور باافروختگی بشره که از عزم نابتشان خبر میداد - بیرون آمده در حالتیکه در جادرهای سیاه و نقابهای مشبك سفید (رو بند قدیمی) مستور بودند حرکات نظامی مینمودند

بسیاری از ایشان که در زیر لباس با آستین های خود طیانچه پنهان داشتند

بمجلس رفتند» (الی آخر)

باشهامت ملی (در موقع انقلاب تبریز) - در مقابل حکومت نوزاد مشروطه شد.
باتمام این مصائب ومشکلات که زائیده عدم انتظام ونادانی اکثریت
ملت ودسیسه خائین خودی و بیگانه بود ملیون حقیقی در کشاکش مبارزه



(۲۱) میرزا ابوالقاسم خان همدانی (ناصر المملک) نایب السلطنه

اصول قدیم و جدید خود را نباخته و پرده بفرنج سیاسی و اقتصادی
واداری واجتماعی را از روی دسایس گوناگون برداشته و پیش میرفتند
تا عاقبت رازها آشکار و روسهای تزاری بعنوان حمایت از شاهزاده

شعاع السلطنه اتمام حجة (اولتیماتوم) چهل و هشت ساعته بدولت ناصر المالك و مجلس تقديم و تقاضای خود را مبنی بر عزل شوستر و وقفه اصلاحات مالی و نظامی علنی ساخته و نمایندگان جنوبی با تقديم نصایح عاقلانه قبول اتمام حجة را توصیه نمودند.

مرحوم ناصر الملك نایب السلطنه نیز از فرصت استفاده و مجلس دوم را بانتهای نرسیده باتدائیر مخصوصه منحل نمود بدین ترتیب که از طرف دار الشورای ملی برای تعیین تکلیف موضوع اتمام حجة پنج نفر از نمایندگان با اختیارات تامه منتخب و چنانکه قبلاً دستور مخفی داده بودند هیئت پنج نفره با کثرت موضوع انحلال دارالشورای ملی را تصویب و مجلس منحل گردید !

بعد از انحلال مجلس جمعی از وکلای تندرو و دموکرات که از آنجمله شاهزاده سلیمان میرزا بود گرفتار و بقم تبعید گردیدند . دوره دوم ظاهراً مناقشه بین دولت و ملت در کار نبود ولی سختگیری ها و فشار مستقیم و غیر مستقیم بیشتر بطبقه تندرو خصوصاً با افراد دموکرات که تازه پابهرسه وجود گذارده و صفوف متحدی را تشکیل داده بودند تحمیل گردید .

در دوره فترت (دوم ۱۳۲۹ هجری قمری) مرحوم ناصر المالك همدانی نایب السلطنه و محمد ولی خان سپهسالار تنکابنی و همدستان آنان از تند روی و نهضت فکری احرار هراسناك شده و سعی داشتند عاقلانه مولود جدید یعنی مشروطه را به نفع طبقات بالادریقید قانونی در آورده و دموکراسی را عقیم بگذارند .

از این نظر در صدد برآمدند انتخابات عمومی و مستقیم و مخفی و یکدرجه را ازین برده و انتخابات خصوصی و دودرجه را معمول بدارند .

در نتیجه تصمیم فوق جلساتی در منزل مرحوم حاجی علی قلی خان سردار اسعد و غیره تشکیل و پس از شور و مباحثه مفصل نظامنامه طرح و برای تهیه مقدمات اجرای آن محل آراء عمومی احتیاجمند گردیدند .



(۲۲) ممتاز الدوله رئیس دارالشورای ملی

لذا جلسه مهمی مرکب از معاریف طبقات در مسجد شاه تاسیس و مرحوم شیخ مهدی واعظ سلطان المتکلمین برای ابلاغ نظامنامه مذکور بالای منبر رفته و لایحه حجت مردم قرائت نمود ، مردم واعظ مزبور را از منبر پائین کشیده و بالنتیجه غوغائی

برپا وبازارها تعطیل و در آن روز قریب صد نفر از معارف توقیف
گردیده و موضوع ازین رفت بعد بواسطه تگرافات سختی که
به حکومت ناصر الممالک از ولایات مانند تبریز و اصفهان و غیره رسید وزراء
از سیاست خود منصرف و انتخابات بانظامنامه سابق بجزریان افتاده و دوره
سوم دارالشورای ملی در سنه ۱۳۳۱ هجری قمری شروع گردید و
بالاخره دوره سوم هم بطوریکه شرح آن بیاید در نیمه عمر ساقط و
ادوار سه گانه مشروطیت اول تسایم یک فترت طولانی گردید



فصل ششم

مهاجرت و جنگ بین الملل

دروسط هنگامه جوش و خروش ایران برای اخذ تمدن جدید - دسته بندی دول اروپا در وطن ما خود نمائی میکرد - و ایرانیان که مدت‌ها در صدد پاره نمودن قیود نفوذ استعماری دول همسایه بودند - و در پی هر صدای تازه با نظری کنجکاوانه میدویدند از موقع استفاده نموده و مایون ایران از جان و دل نسبت بر قباء سیاسی جنوبی و شمالی تمایل مخصوصی نشان میدادند .

بروز اینگونه تمایلات برای خاطر این و آن نبود بلکه مبادی این توجه و تمایل را فشار و تضییق سیاست نفوذی روس و انگلیس تشکیل میداد که تذکر مختصری داده شد.

اقدامات دسته بندی متحدین ، آلمان (ایتالیا ؛ اطیش و عثمانی) و متفقین (انگلیس و فرانسه و روس) تا آنجا خود نمائی میکرد که همه را متوجه ساخته بود

نفوذ و سیاست دول مذکوره در تمام نقاط معموره ارض در حال اصطکاک و تصادم بود ،

عثمانیها که بادست صاحبمنصبان و رجال قابل آلمانی قشون خود را تنظیم و تنسيق نموده بودند آمال زیادی را تعقیب میکردند .

و فرقه ژون ترك در شرق عموماً و در ممالك اسلامی خصوصاً باسم اتحاد اسلام دامنه تبلیغ را وسعت داده و در صدد جلب عناصر متعصب ملی برآمده بودند ،

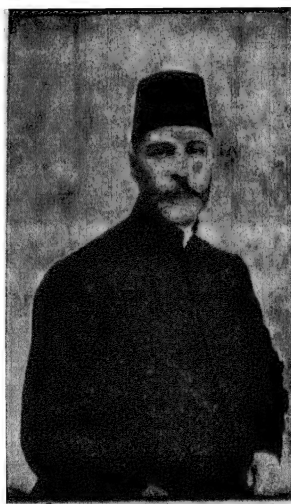
عده از افراد مبرز مانند مرحوم سید محمد رضای مساوات شیرازی و مرحوم میرزا کوچک خان گیلانی دعوت اتحاد اسلام عثمانیها را لبیک گفته و ضمناً آنک را تعیای بطرف آلمانها مشهود میشد. و مخفیانه جلساتی بعنوان اتحاد اسلام علاوه بر احزاب داخلی دائر و ترویج میگردد بطوریکه سابقاً اشارت رفت عناصر تجدد خواه و آزادی طلب قبلاً تشخیص داده بودند که صلاح ایران در رهائی از محاصره نفوذ استعماری و طمع ورزی عمال روسهای تزاری و همدست جنوبی که در نتیجه تنظیم معاهده ۱۹۰۷ تحکیم یافته بود. در اینست که پای سایر دول مغرب را بحوزه سیاست ایران جدید کشانیده و با مساعدت سایرین از محاصره نفوذ سیاسی نجات یابند.

بر روی همین نظریه بود که عقلاء مآل اندیش برای توازن بودجه عمومی و اصلاحات مالی (شوستر) را حایب وجهه استقرار امنیت و ایجاد قوه منظم (یا المارین سوئدی) را احتضار و اصلاح و تشکیلات نظمیه قانونی را بعهده لیاقت (وستداهل) واگذار و برای رفورم و زارتخانههای عدلیه و داخله از مستشاران فرانسوی استفاده کردند.

با آنکه در نتیجه اینگونه اقدامات دوره دوم دارالشورای ملی منحل و جمعی از سران آزادیخواهان بشهر قم تبعید شدند معیناً از آمال ملی دست نکشیده و در دنبال مقاصد وطنی رهسپار بودند. بعقیده نگارنده دنباله همینگونه مسائل بود که بالاخره بواقعۀ مهاجرت کشیده و آنچه شد شد که در موقع خودش شرح داده خواهد شد

باری هیاوهی اتحاد اسلام از طرفی و کشمکش سرحدی ایران

و عنمای از طرف دیگر موجب مشاجرات خصوصی را در محافل و مجالس فراهم ساخته و بازار مباحثات سیاسی در هر گوشه و کنار آماده شده بود. نتایج این تبلیغات موجب توسعه احزاب سیاسی را بیشتر فراهم و بالنتیجه سبب تظاهرات علنی برضد نفوذ و فشار جنوبی و شمالی گشته کیفیات مهاجرت ۱۳۳۳ هجری قمری را سریعتر گردانید.



(۲۳) - آقای میرزا حسن خان پیرنیا
(مشیرالدوله نائینی)

فصل هفتم

فرق سیاسی در ایران

در تاریخ پیدایش احزاب سیاسی و اقتصادی در عالم تمدن گویند: اولین حزب در قاره اروپا یعنی روم غربی پیدا شده بدین ترتیب که جمعی بعنوان اریستوکرات و نجباء و طبقه ممتازه کلیه امور مهمه از قبیل حکومت، قضاوت، و فرماندهی و سایر مقامات عالیه را بخود اختصاص داده و سایر کارهای پر زحمت و عملی مانند ساختمان منازل، کشت و زرع، و رومداری و غیره را بجامعه واگذار نموده بودند باین واسطه بین طبقه خاصه و عامه فاصله زیادی ایجاد شده بود.

افراد طبقه عامه حق نداشتند در برابر اربابها بنشینند، سواری اختصاص بار باب داشت، حق ازدواج بین افراد طبقه عامه با افراد و دسته نجباء ممنوع بود چنانکه فعلاً بین سیاه و سفید در امریکا تقریباً ممنوع است.

حاصل آنکه تمام زحمات و کار بعهده افراد و طبقه عامه واگذار بوده و غیر از مزد بخور و نمیری که تکافوی نان و مخارج مختصری را برای بردگان بنماید قائل نبودند،

از طرف دیگر دسته نجباء و طبقه ممتازه و اربابهای موروئی در ناز و نعمت غنوده و جز از عیش و طرب شغل و کار دیگری نداشتند.

در نتیجه کم کم طبقه برده و مزدوران (پله بینها) از سر نوشت خود و تحمیل مالا یطاق ببتسگ آمده و بنای شکایت را گذاردند.

اربابها نیز بر سخت گیری خود افزوده از هیچ قسم جبر و فشار فروگذار و کوتاهی ننمودند.

طبقه عامه ناچار تصمیم گرفتند که شهر را تخلیه و بکوهها پناهنده و قرار را برقرار اختیار نمایند. و تصمیم خود را شبانه عملی کرده آبادی را خالی از سکنه ساختند،

اربابها و نجباء صبح از رختخواب برخاسته و شهر را خالی و امور جاریه را مختل دیدند. هر چه خواستند فراهم نشد.

بالجمله پس از مشاجرات زیاد نمایندگانی بمکمن فراریها اعزام و با شرایط چندی گریخته گان را بمحل خویش عودت دادند.

اینست فرض (ثوری) تاریخی احزاب فرنگستان و فلسفه اعتصابات

در ایران بطوریکه افسانه تاریخی حکایت میکند - اولین ظهور فرقه سیاسی را باید از انقلاب و قیام کاوه آهنگر و پیروان او بر ضد ضحاک سلطان بی باک اجنبی محسوب داشت، که ایرانیان برای خاتمه دادن بفرمانفرمائی اجانب (ضحاکیان) قیام نموده و فریدون را که مغلولاً در کوه و هامون سرگردان و از نژاد پاک تاجداران کیان بود از طرف ملت بسمت پادشاهی برگزیدند.

و نیز در عصر ساسانیان که مؤبدان و هیربدان و مغان فلسفه دین پاک زرتشت را بر طبق سلیقه و منافع خود تفسیر و تعبیر کرده و بر خلاف اصل خلقت اهالی را بچهار طبقه تقسیم نموده و سلسله این تقسیمات را بدوره جمشید نسبت میدادند بدین ترتیب مؤبدان و هیربدان و مغان یک طبقه امرای لشکر و کشور طبقه دوم، تجار و پیشه وران سومین طبقه کشت کاران و فلاحین طبقه چهارم و مطابق دستورات عمومی مداخلات

هر طبقه در طبقه دیگر ممنوع و حتی حق معاشرت و ازدواج و ریاست برای طبقات رعایا با طبقات عالیه از محالات شده بود. این مسئله مساوات را از بین برده و راه ترقی را برای افراد لایق مسدود کرده بود. غافل از آنکه اصل خلقت برعکس دسته بندی ظاهر که مولود تمدن غلط بشری بوده و سرتاسر اوراق و صفحات تاریخ نشان میدهد که: «نوابغ هم از کلبه فقرا ظهور کرده و هم از قصور اغنیاء پیدا شده اند» خلاصه طبقه بندی ارباب دیانت زردشت باعث گاه مندی افراد طبقه دانه گشته و بدین جهت گروهی بیشمار دعوت اشتراک بی سر و ته مزدک را لیک گفته و مزدکیان از عدم رضایت عامه استفاده و چندی باعث اغتشاش و انقلاب گردیدند. (*)

بعد از ظهور و تفوق اسلامیت نیز فرق متعددی در ایران پای بعرضه وجود گذارده و کارهای قابل ذکری از خود بیادگار گذارده اند از آنجمله فرقه سیاسی (خرمیه) که مرام و وجه نظر خود را

(*) بطوریکه از تحقیق و تتبع تاریخی دانسته میشود، مهمترین علل انقراض سلطنت چهارصد و شصت ساله دودمان ساسانی علاوه بر حقانیت معنوی اسلام و نفاق خانوادگی اولاد اردشیر بابک، و لشکر کشیهای مفصل بدون مطالعه ایران سرحدات دولت مقتدر روم که بالنتیجه باعث ضعف قوای مادی و معنوی روم و ایران گردید. کیفیت عدم رضایت عامه یعنی طبقات دانه از استبداد و خود خواهی طبقه ممتاز بود که گروه ملت را از حق طبیعی محروم و حق ترقی و نشو و نما را از افراد لایق سلب کرده بودند.

بدیهی است وقتی جمعی بنایند و بگویند و راست هم گفته و عمل هم نشان بدهند بر اینکه کلیه مخلوق بشر بندگان خدای واحدند، و سید قرشی و سیاه حبشی در مقابل عدل الهی یکسان و از بین گروه بندگان فقط و فقط اشخاص پرهیزکار و متمقی در نزد خداوند کرامی میباشند، طبیعی است جماعت مردم خود بالطو و رغبه اقبال نموده و خود را با جان و دل اسباب فتح و غلبه اعراب مسلمان فراهم داشته اند

برانداختن خلافت عربی از ایران قرار داده و کامیاب نیز شده اند ، از حزب وطن پرست خرمیه جدی تر فرقه (شعوبیه) بود که آرمان فرقه را درهم شکستن اولویت و آقائی نژاد عرب و اثبات برتری تاریخی نژاد ایرانی را بر سایر نژادها قرار داده بودند .

فرقه اسماعیلیه ایرانهم دخالتهای مهمه در سیاست ابراز داشته و تربیت شدگان حسن صباح و فرزندان و پیروان او قریب یک قرن صد ساله موجبات بیم و وحشت رجال مخالف را فراهم ساخته و میتوان گفت (تروریستهای) اروپا شاید تا حدی عملیات خلاف امنیت خود را از فدائیان اسماعیلی سرمشق گرفته اند .

سلسله پیروان شیخ صفی الدین اردبیلی نیز از اغراض سیاسی برکنار نبوده اند . چنانکه بعد از زرد و خورد مریدان شیخ در تحت فرماندهی شاه اسمعیل با شیروانشاه در قفقاز و تسلط بامور مملکت داری در ایران زمام داران بعد پرده را از روی کار برداشته و معلوم کردند که غالباً کشش و کوشش بزرگان غزلباش برای استقلال کامل ایران و پیرو نظریه سیاسی بوده و در صورت فرصت از وقت استفاده بموقع کرده اند .

در قرون اخیر یعنی در دوره ناصرالدین شاه قاجار اولین اقدامات سیاسی حزبی را باید از تاسیس و تشکیل (فراماسیون) یا باصطلاح فراموش خانه - یادداشت کرد که در نتیجه زحمات پرنس ملاکم خان و امین الدوله و جمعی از معارف آن روزی تشکیل گردید

جمعیت فراماسون در بدو تاسیس و تشکیل برای تسریع نفوذ مغرب و جلب رجال دولت و علماء دین و معارف ملت بذل مساعی زیادی نمودند و اشخاص ذی نفوذ مهمی مانند مرحومین آقاسیدصادق مجتهد سنگاچی

وسید اسمعیل مجتهد بهبهانی را که از معاریف درجه اول علماء دارالخلافة بودند - به محفل خاص دعوت و راز نهفته را در میان نهاده و از هر جهة موجبات جلب اعتماد آنان را فراهم ساختند!

آقایان سید صادق و سید اسمعیل پس از مطالعه کامل و دریافت مقاصد مؤسسين حزب جدید التشکیل شاه را ملاقات و حضوراً برای تأمین خطرات موکانه اظهار داشتند که آنچه ما فهمیده ایم تشکیل و تأسیس فراماسون در ایران با ترتیبات فعلی مضر بدین و مخالف تاج و تخت و مقام سلطنت نیست)*

بالجمعه محفل مذکور چندی تعطیل و مجدداً در اوایل جاوس مظفرالدین شاد سنه ۱۳۱۴ هجری قمری بادت (مسیو ویزیور فرانسوی مدیر سابق مدرسه آلیانس طهران) تشکیل و عده از رجال و علماء را عضویت پذیرفته و بعد از بهم خوردن مشروطه اول در نتیجه تعقیبات محمد علی میرزا تشکیلات مزبور ظاهراً منحل و ائامه آنرا گویا بسفارت فرانسه برده اند!

اصولاً تشکیل و تأسیس فراماسون در ایران برای نزدیکی روابط شرق و غرب و جهة تعدیل اوضاع سیاسی و ترویج تمدن فرنگ در ایران بود،

ولی ظاهراً مسائل خیریه و معارف و اصلاحات اخلاقی را دنبال کرده و تا اندازه باعث توسعه امور خیریه از قبیل مدرسه و مریضخانه نیز شده اند. همچون مریضخانه مرحوم شیخ هادی و نجم آبادی و غیره.

(*) مخفی نماید آنکه در ایران تشکیل فراماسون از سه شعبه (لز فرانسه - ایتالیا - واسکاتلند شروع و غالباً برای هم کار شکنی هم میکردند ولی مقصود از ذکر در این کتاب لز فرانسه میباشد که در اخذ تمدن غرب خدماتی انجام داده اند)

ضمناً برای ایجاد تأسیس مشروطیت و تدوین و اجرای قوانین جدید نیز کارهایی انجام داده اند !

دیگر از احزاب قبل از طاع مشروطیت انجمن اصلاح خواهان است که مخفیانه با سرپرستی مرحوم آقای سید محمد طباطبائی مجتهد سنداجی دایر و اعضاء قابل ذکر همچون بحر العلوم کرمانی و مجدالاسلام کرمانی مدیر روزنامه (ندای وطن) حجتۀ پیشرفت مشروطیت و اخذ تمدن جدید خدماتی شایسته بمنصبه ظهور رسانیده اند .

بهار اجتماعات

شیوع و انتشار حزب سازی و فرقه بازی و بحران اجتماعات سیاسی مواد مشروطیت و حکومت پارلمانی بود و این درده را باید بهار جنبش سیاسی احزاب ایران دانست . در دوره مشرزیات کبیر یعنی مجلس اول برای تحکیم و حفظ مشروطیت و دفاع از حقوق ملی اجتماعات کونا کون با عناوین مختلفه و مقاصد متنوعه و پریشان در تحت عنوان انجمن یا بعرضه بروز و ظهور گذاردند . ظاهراً عمده مقاصد و هدف و آمال انجمنها را بسط و توسعه و حفظ حقوق ملی و تحکیم استقلال با تمام معنی ایران تشکیل میداد ،

و در مواقع لازمه پشتیبان محکمی حجتۀ مجلس نوزاد مقننه نیز بوده اند .

طبیعی است در بین افراد عناصر انجمنها اشخاص ناپاک و عمال سیاسی بیگانه و دربار استبداد هم عضویت یافته و خود را بلباس آزادی خواهی و مشروطه طلبی آراسته و از آب گل آلود یا صیقل می گرفتند .

چنانکه سعدالدوله بالباس مشروطه طایبی داخل درساک آزادیخواهان
شده و تابع مقام ریاست مجلس نیز از تقاء یافت و کمی بعد باعمال باغشاه همدست
و نقشه انهدام بهارستان را فراهم آورد. یارشدالدوله در هنگام بهار انجمنها -
یکه تاز میدان لفاظی شده در دوره استبداد علمدار و بعد از غایبه مجاهدین و



۲۴ میرزا حسن خان مستوفی (مستوفی الممات)

افتتاح دوره دوم مجلس از گینبد قابوس تاشهر ورامین پیشرو چپاول چیان
اشرار ترا کمه واردوی غارت گرمحمد علی میرزای مخلوع شده و کرد
آنچه را که باعث ویرانی یکقسمت از مملکت و مقتول شدن خودش

بدست قوای ملی گردیده و تقریباً تاریخ را برای بدکاران جلب نمود.
خلاصه - اسامی انجمنهای دوره اول که خدماتی باخذ تمدن
جدید و نهضت ایران نو کرده اند عبارت است از انجمن آدمیت ،
آذربایجان، اصناف، برادران دروازه قزوین، طلاب، تجار، حقوق و غیره



(۲۰) - آقای سیدحسن مدرس اصفهانی

افراد انجمنهای مذکور در مواقع بحرانی چون واقعه میدان
توپخانه و بمباردمان مجلس در اطراف دارالشورای ملی تمرکز یافته و
باندازه قدرت خود مجلس را از تهاجم مرتجعین و بدخواهان حفظ مینمودند
چنانکه در روز بمباردمان مجلس قسمتی از افراد مساعیانجمنها
خصوصاً اعضاء انجمن آذربایجان قریب هفت ساعت باقوای منظم دولت

مبارزه نموده و پس از دادن تلفات و خرابی سنگر جمعی اسیر وعده متفرق شدند .

در استبداد صغیر هم دو فرقه مخفی و سیاسی و انقلابی مهم در طهران و تبریز ورشت بعرضه وجود آمده و اثری از خود باقی گذاردند (کمیته ستاری و کمیته جهانگیری) با ترتیبات مخصوص و نظامات سری .

هدف و منظور جمعیت ستاری و جهانگیری فراهم آوردن ارتباط و مساعدت با انقلابیون آذربایجان ، گیلان و اصفهان و تسهیل تهیه ورود قوای ملی بمرکز بود (*)

بعد از افتتاح دوره دوم دارالشورای ملی بدو فرقه سیاسی دموکرات مرکب از افراد تجدیدطلب و تندرو تشکیل و بعد بطوریکه تذکر داده شد از نظر جلو گیری و ممانعت از پیشرفت آمال وسیع ملیون جمعیت اعتدال برای مدافعه از سیاست دولت ناصرالملک تأسیس و مبارزات و اختلافات زیاد که یکی بنام دین حریف را تکفیر میکرد و دیگری بانقلاب وطن پرستی حمله مینمود تا زمان انحلال دوره سوم مجلس و

(*) اینکه زباززد برخی است که ناصرالملک باعث تشکیل احزاب سیاسی ایران

در قرن اخیر شده حرفی بی اساس است

بلی چون ناصرالملک در موقع اشغال مقام نیابت سلطنت از وجود احزاب مخفی دموکرات و اتفاق و ترقی باخبر و از تندروی ملیون در هراس بود . برای جلو گیری و ممانعت از پیشرفت فرق ملی و تأمین مظاهر خویش جمعی (فرقه اعتدال) ولی در باطن محافظه کاران را تشویق یا اجتماع نموده و از هر حیث تقویت می بخشود و از طرف دیگر نهایت سعی را برای علنی شدن احزاب دیگر بکار برده و بالتبعیجه کامیاب و سبب پربشانی فرق مذکور گردید

مهاجرت ۱۳۳۳ هجری قمری ادامه یافت و بعد از عقب نشینی مهاجرین در قصر شیرین آخرین نقطه سرحد غربی ایران فیما بین سید محمد رضای مساوات شیرازی و سید محمد صادق طباطبائی مبرزین فرقه دموکرات و اعتدال قرار متار که اختلافات حزبی داده شده و یک کمیته



(۲۰) شاهزاده سلیمان میرزای محسن

واحد برای پیشرفت نظریه مهاجرین ایجاد شد که دنباله آن در زمان بازگشت مظفرانه مهاجرین بکرمانشاهان قطع گردید که در صورت آینده متذکر خواهیم شد. در دوره سوم مجالس تقنینیه فرقه مؤثر و مهمی تظاهر نکرد و در جریانات همان فرقه دموکرات و اعتدال دخیل بوده و اختلافات بنهایت شدت خود رسیده و غالباً مطامع شخصی جای گزین اغراض ملی شده بود.

بطوریکه حزب محافظه کار اعتدال دو دسته متمایز تشکیل داده
و برای مقام و پیشرفت نفوذ بر سرهم میگوشتند و سبب این اختلافات آقای
سید حسن مدرس شده بود بدین ترتیب که جمعی از افراد اعتدالیون
در گرد آقای سید حسن مدرس و مرحوم حاجی آقای شیرازی جمع
و عده پیرو آقای میرزا محمد صادق طباطبائی شده بودند .



(۲۶) - آقای میرزا قاسم خان صور

پروان سید محمد صادق طباطبائی با سلیمان میرزا رئیس فراکسیون
دموکرات در مجلس قرار و مداری گذارده و اعتبار نامه حاج آقای شیرازی
نماینده طهران را رد کردند

در ختام جنگ بین المال و مراجعت تدریجی مهاجرین بطهران
مجدداً بازار احزاب سیاسی با تشویق آقای میرزا حسن خان وثوق الدوله

ومخالفین ایشان رونق گرفت ولی اغلب از روح مسلکی عاری و در زمینه خصوصیات دور میزد *

در همان آوان که در مرکز مشغول دسته بندی بودند در پایتخت حکومت غربی مهاجرین (کرمانشاهان) شالوده کمیته (تروری مجازات) وحشتی ریخته شده بود و بواسطه چند عمل شدید در پایتخت اولیاء امور مرکزی را بو حشت انداخته بود (سنه ۱۳۳۵ هجری قمری) کمیته جنائی مذکور مرکب بود از منشی زاده ابو الفتح خان ، کریم دواتکر ، احسان الله خان ، رشید السلطان ، حسین خان لاله ، عماد الکتاب و غیره

در مدت کمی چند نفر از معاریف متنفذ مانند مرحوم آقای صدر العلماء و متین السلطنه مدیر روزنامه هفتگی درجید و منتخب السلطنه و میرزا اسمعیل خان رئیس انبار غله را مقتول و وضعیات را آشفته و مشوش نمودند .

پس از خاتمه جنگ بین الملل و روی کار آمدن کابینه مجدد آقای میرزا حسن خان وثوق الدوله و تشنج سیاسی اوضاع دنیا و ایران رونق بازار حزب سازی تجدد و افراد بی مسلک و بامسلک در زیر نقاب دمو کراسی دو دسته متمایز تشکیل داده و بعضی بنام (دمو کرات) مطابق و عده موسوم به (دمو کرات ضد تشکیل) و تاسیساتی نیز ایجاد کردند

(* بدهی است هر جمعیتی مرکب از افراد مختلفه و اغراض گوناگون میباشد و عناصر پاک و ناپاک باهم ترکیب شده و برای پیشرفت مقصود معینی تشکیل هیئتی میدهند و در اینجا نظر نگارنده تجزیه مطلب نیست از نظر اختصار تاریخی روی کلیات بحث میکنم و تشریح و اسناد را برای جلد بعد میگذاریم)

دمو کرتها تحت قیادت آقایان مهدیقلی خان هدایت و سید

محمد تدین

دمو کرات ضد تشکیل بریاست سیده محمد کمره و میرزا تقی خان ینش.

مبرزین جمعیت اعتدالیون سابق و دمو کرات قدیم مانند حضرات

آقایان سیده محمد صادق طباطبائی و سلیمان میرزا و میرزا قاسم خان صور



(۲۷) آقای ارباب کیخسرو شاهرخ

نماینده مجلس شورای ملی

و غیره همه مد و جماعتی بنام اجتماع یون بعرضه وجود آوردند و جماعتی

هم با عنوان قیام ملی و نهضت ملی قیام کرده اند و دیگران نیز در این میان

از اختلاف احزاب استفاده و هر چند نفر از همه جا بازمانده دور هم دیگر

جمع و با اختیار عناوین مختلف مانند (دمو کرات زره پوش) طبقه سوم

و غیره عرض اندام نموده و چندی احزاب ملی را مضحکه و مسخره یار و اغیار قرار داده بودند . (*)

بعد از سقوط کابینه دوم آقای ونوق الدوله ۱۳۴۸ هجری قمری در مدت عمر کابینه دوم آقای میرزا حسن خان مشیرالدوله و کابینه فتح الله خان اکبر سپهدار رشتی تقریباً فترتی برای احزاب نامور پیش آمد و جمعیت سیاسی مؤثری را که بشود نام برد عبارت از تشکیل (کمیته آهن) است در زرگنده شاید با عضویت آقایان سید ضیاء الدین طباطبائی مدیر روزنامه رعد و ماثور مسعود خان و الکساندر خان و چند نفر دیگر که تذکار نام آنها لزومی ندارد

پس از کابینه نود و نوزده سید ضیاء الدین در کابینه میرزا احمد خان قوام السلطنه مجدداً تا اندازه بازار فرق و احتماعات گرم شد از آنجمله بود: اند احزاب (سوسیالیست) (دموکرات مستقل) (کمیته اتحاد شرق) (تجدد ایران) و سایر دستجات و اخیراً (ایران نو) که بتدریج طالع شده و پس از چندی غروب کرده اند .

(*) بطوریکه ملاحظه میشود فرق سیاسی ایران بدو بابک روح وطن پرستانه و مسلک آزادیخواهانه و مرام ترقی طلبانه تشکیل و در خدمت با استقلال کامل وطن مردانه کوشیده و جان فشانیها نموده اند ولی بعد اعمال سیاسی و مفروضین نفع پرست برای شروع فساد در جامعه و تأمین منافع شخصی موجبات تفرقه و تشتت را با وسایل گوناگون تزریق و فرق سیاسی را در نظر یار و اغیار بی وقر و بی اعتبار نمودند)

فصل هشتم

اثرات جنگ بیس الملل در ایران

در ضمن شرح جریانات نهضت ملی ایران در هنگام ظهور معاهده ۱۹۰۷ میلادی نگارش رفت که ملیون ایران همیشه نگران اوضاع بوده و با کمال توجه در صدد یافتن علاج و نجات از محاصره نفوذ استعماری دول همسایه جنوبی و شمالی بوده و دائماً وضعیات سیاسی فرنک را از زیر نظر دقت میگذرانیدند

در هنگامیکه مقدمات جنگ بین الممال ۱۹۱۴ با نهایت عجله و شدت در دنیای مغرب عرض اندام نموده و متحدین و متفقین بواسطه نشریات و تبلیغات خود عالم را بهیجان آورده بودند ، بویژه ابلاغیه های جنگی آلمان ، اطیش ، عثمانی که با آب و تابی مخصوص منتشر و احساسات و افکار را بمبارزات و جنگها و خونریزیهای فروت شرق و غرب اروپا متوجه میساختند افراد استقلال طلب و آزادیخواه که بواسطه فشار و تجاوزات عمال دربار تزاری روس بستوه آمده و پیروی آمال و آرزوی روز بهنری را داشته و منتظر فرج بعد از شدت بودند . شهرت و انتشار غلبه نظامی و تفوق معنوی دول متحده آلمان ؛ اطیش و عثمانی را فوزی عظیم شمرده و بخلجان و هیجان آمده بودند

از طرف دیگر وسعت دایره جنگهای فروت اروپای مرکزی و جنوبی تا سرحدات شمال و غرب ایران کشیده شده و لشکریان متخصصین خانمان قسمتی از رعایای سرحدی را بباد فنا میدادند .

سالها قبل از پیدایش جنک بین الملل یعنی از دوره استبداد صغیر محمد علی میرزا - روسهای تزاری از هرح و مرج و ضعف قوای مرکزی استفاده نمود، و پیش قراولان اردوی تزار در سنوات ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ هجری قمری در حدود خراسان و آذربایجان داخل و در مشهد مرتکب فجایع گردیده بواسطه توپ بستن بکنبد مطهر رضوی (ع) قلوب ایرانیان را جریحه دار و در تبریز با نقویت صمدخان شجاع الدوله باعث قتل و



(۲۸) آقای مهدیقلی خان هدایت (حاج مخبر السلطنه)

اولین وزیر قانونی علوم در دوره مشروطیت

غارت جمعی از وطن خواهان گشته و مرحوم ثقة الاسلام را بداراعتساف کشیده و از هیچ جنایتی فروگذار ننموده بودند.

بعد از قتل و غارت تبریز و خرابی گنبد و صحن حضرت رضا (ع) در خراسان و آذربایجان لنگر انداخته و بانتهای فرصت اوقات می گذرانیدند.

با چنین وضعیتی نزدیک شدن اردوی مخاصم (قشون عثمانی) را بسرحدات ایران ۱۹۱۵ میلادی بهانه قرار داده و برای اشغال واقعی ایران از بندر انزلی (بندر پهلوی) قدم پیش گذاشته و شهر قزوین ۱۶۰ کیلومتری پایتخت را اردوگاه لشکر قزاق و سالدات قرار داده مرکز را تهدید و آماده حمله و تهاجم گردیده بودند.



(۲۹) آقای محمدعلی خان فروغی (ذکاءالملک):

عمال سیاسی (دیپلماتیک) جنوبی و شمالی نیز بیکار ننشسته و باب مذاکره و یادداشت و نصایح عاقلانه و خیرخواهانه را با دولت وقت گشودند و پیشنهادات چندی تقدیم نمودند که با مصالح واقعی وطن و استقلال با تمام معنی مملکت سازش نداشت - از جانب دیگر نمایندگان دول متحده آلمان و اطریش و عثمانی احساسات عمومی را غنیمت شمرده با میلیون و نمایندگان مجلس باب مرارده و مذاکره مفتوح و از هیچ

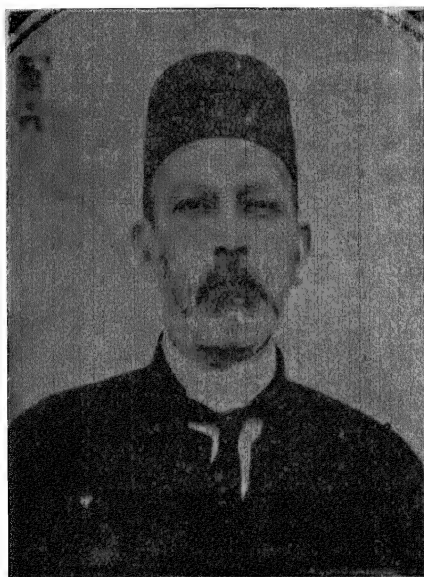
اقداماتی که موجب غلیان احساسات و عواطف مات بگردد فرو گذار
نم نمودند. در ایران بالنتیجه عناصر تجدید طلب و وطن خواه پیش آمدیک
چنین وضعیتی را با گشاده روئی استقبال کرده و افکار و اقدامات خود را
بر ضد نفوذ روس و انگلیس علنی و هویدا ساختند.

تصادم و اصطکاک سیاست جنگی اروپا در صحنه سیاست ایران و
بشت هم اندازی و دخالت نمایندگان دول متفق و متحده و تشنج و بلا تکلیفی
افکار عمومی کابینه مرحوم میرزا حسن خان مستوفی الممالک را باتخاذ
تصمیم واداشته وچندی موضوع دخالت یا عدم شمولیت ایران در جنگ
در محافل رسمی و غیر رسمی دولت و ملت مطرح و بالاخره تصمیم
کابینه علنی و بیطرفی ایران در جنگ بین الملل رسماً اعلان و بتمام سفارت
خانهای مقیم پایتخت و نمایندگان ایران در ممالک سائره ابلاغ گردید
۱۹۱۵ میلادی مطابق ۱۳۳۳ هجری قمری (*)

در ختام جنگ بین المللی در کالج امریکائی طهران کنفرانسی
دایر و سید ضیاء الدین مدیر روزنامه رعد خطیب کنفرانس در موضوع
رد بیطرفی ایران دلایلی اظهار و گفته بودند:
اگر در آن موقع کابینه مستوفی الممالک به پیشنهادات نمایندگان
دول همسایه ترتیب اثر میداد و در جنگ دخالت رسمی میکرد - میتوانست

(*) بعقید، نگارنده که جریانات تاریخی بعد هم معین میدارد یکی از سیاست
های خوب و مفید و مطابق مقتضیات و حوائج ملی و افکار عمومی آن روزی که از کابینه
مرحوم میرزا حسن خان مستوفی الممالک در یک موقع تاریک و سخت که مقدرات ملی
در تزلزل بود همانا موضوع بیطرفی ایران در جنگ بین الملل بود - چه بیطرفی
فرصت نیکوئی جهت خود آرائی و تحکیم بنیان استقلال بانام معنی ایران بدست میداد
که هم استفاده سیاسی بشود و هم بهره اقتصادی گرفته شده و منافع وطن و ملت را
کاملاً تامین بنماید چنانکه همینطور شد .)

منافع زیادی برای مملکت حاصل نمایند - وضعیات بعد بخوبی نشان داد که نظریه مذکور مورد نداشته و باضعف و اوضاعی که آن روز برای ایران پیش آمده بود و بارویۀ که عمال تزاریست پیش گرفته بودند . اگر در آنموقع ایران تسلیم هوا و هوس این و آن شده و مهاجرت

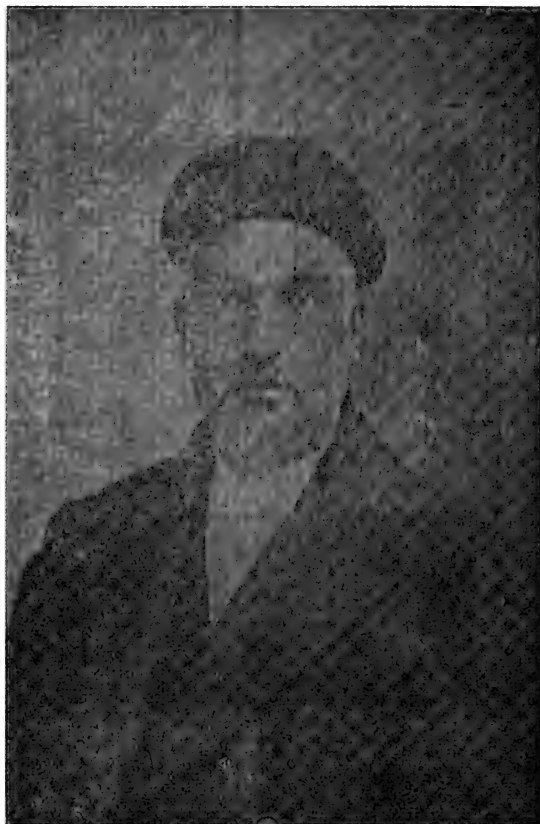


(۳۰) آقای میرزا حسین خان نائینی (مؤتمن الملک)
رئیس دارالشورای ملی

و قیام ملیون پیش نیامده بود قطعاً سرنوشت ایران کنون تغییر یافته و صورت نازیبائی بخود گرفته بود .)

اعلان بیطرفی نه تنها از اشتداد و سختی اوضاع نکاست ، بلکه پیش از پیش عمال و نمایندگان سیاستهای مختلفه را بفعالت وا داشته

و صحنه پهناور وطن میدان کشاکش حرفای جنگی گردیده و ایران
بیطرف را ویران و قسمتی از اهالی علیح طلب و رعایای بی پناه را ب خاک
و خون کشیدند .



(۳۱) آقای سید محمد تدین رئیس دارالشورای ملی
در موقع ریاست مجلس

از جهة دیگر آلمانیهای جمع شده در طهران در ظل وزیر مختار
زبردست خودشان (پرنس ریس) بنای دسته بندی و تبلیغ را گذارده بطوریکه
شنیدم و بادست حسین زاده مجاهد و یارانش برای قبضه اسلحه و محل دفاع

نقشه انهدام قزاقخانه را میریختند ولی نقشه مزبور کشف و از طرف دولت از حوادث محتمل الوقوع جلوگیری بعمل آمد ۱۹۱۶ میلادی

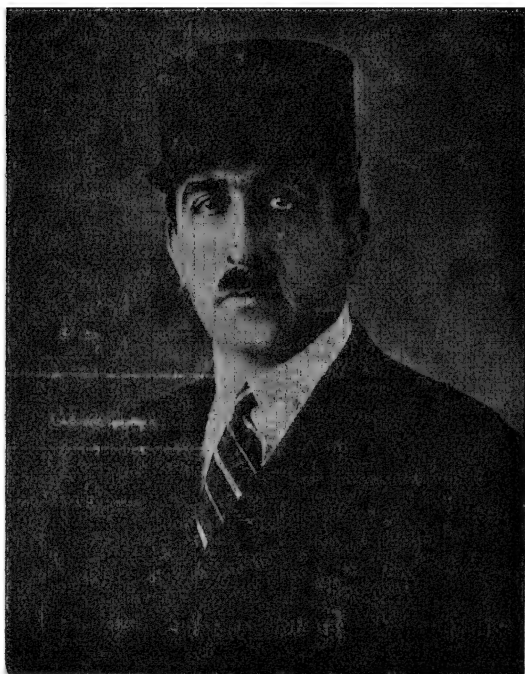
ژاندارمری جوان که باخون دل و بذل فداکاری ملیون در تحت هدایت و تعلیمات صاحب منصبان سوئدی تشکیل یافته و برای تحکیم و ایجاد مرکزیت فدیة های گرانها میداد . بر حسب تعلیمات دولت از نظر پیش آمد جریانات ممکن الوقوع - افراد خود را از اطراف طاب و در باغشاه تمرکز داده و با احساسات غرور ملی بشتیان نفوذ دولت و مجلس بودند ، در يك چنین وضعیت منقاب احمد میرزا آخرین پادشاه قاجاریه تصمیم بعزم حرکت و انتقال پایتخت از طهران باصفهان غوغائی در شهر ایجاد و همه را نسبت بآینده نگران ساخت !

انتشار خبر حرکت شاه سبب شد که یکدسته از قشون روس متوقف در قزوین برای مرعوب کردن مجلس و دولت و تصفیة و قبضه پایتخت باعجله و شتاب از قزوین حرکت و تاقریه کرج شش فرسنگی ۳۶ کیلومتری طهران پیش آمدند !

جلو آمدن پیش قراول قشون روس بر هیجان و غلیان افکار افزوده بازارها تعطیل ، مجلس شورای ملی آشفته ، دربار آماده حرکت بطرف اصفهان ، افراد ملیون سرگرم تجهیز برای دفاع و عده از و کلاه بطرف قم رهسپار گردیدند ۱۳۳۳ هجری قمری

اردوی ژاندارمری از نظر احتیاط از تصادم با قوای روس و محاصره فرضی در تلاطم - مجاهدین که با دست و فکر (شونمان) آلمانی تهیه شده بودند ، همچنین سفرای آلمان و اتریش و عثمانی از

نظر تسریع در حرکت که بر تفع خود تصور میکردند ، بقصبه حضرت
عبدالعظیم نقل و مکان داده وبانگ حرکت زنگ قافله های مهاجرین
سیاسی گوشزد زائرین حضرت معصومه در جاده قم میگردد .



(۳۲) میرزا حسین خان دادگر (عبدالمک)
 رئیس دارالشورای ملی

اهالی دست از کسب و تجارت برداشته در آن روز برای
تعیین تکلیف بهمارت گاستان محل دربار و هیئت وزراء هجوم آور و
تا اواخر شب در گاستان مقیم بودند .

جلسه هیئت وزراء تا سه ساعت بعد از نصف شب دائر و بلا تصمیم
مشغول مذاکره در اطراف وضعیات بودند .

مردم برای فهم قضایا و تعیین آخرین تکلیف در آن شب تاریخی
بشدت و خشونت خود افزوده از کابینه مستوفی تقاضای اتخاذ تصمیم
فوری را داشتند :

نمایندگان جنوبی و شمالی برای متقاعد کردن دولت مرتباً با
دربار رفت و آمد داشته ، شبانه جهة متوقف ساختن عملیات قشون روس
تا قریه کرج نیز میرفتند .

جماعت در گلستان بهمان حال باقی بود ، مقارن نصف شب میرزا
حسن خان مستوفی الممالک برای اقناع مردم و توضیح قضایا از جلسه
هیئت وزراء خارج و بطرف اهالی پیش آمد .

در این بین جماعتی بطرف رئیس الوزراء پیشرفتند و نداشتند
نیز در ققای جماعت نگران اوضاع بوده و دیدم مستوفی الممالک بالحن
مخصوص و صدای گرفته و متشنج بدون توجه باظهارات مخاطبین سر بلند
نموده و گفتند (کارها خراب است و شما هنوز اینجا هستید ؟) بمحض
اظهار این مطلب و انشاء این چهاراد خود را تغییر داده و رفت !

بلا تأمل خواص و چهارم ، مستوفی افراد را بخروج از گلستان دعوت
و باحالت نجوا و تنگی گوشی به مبرزین مجتمعین میگفتند :

(غرض از فرمایش آقا این بود که فوراً از شهر خارج و بارادو
بطرف قم بروید که اوضاع وخیم است)

نویسنده بعد از خروج از گلستان شهر را پریشان و دستجات
مختلفه را سواره و پیاده بطرف دروازه روان میدیدم . صبح زرد اشخاصیکه

ناظر جریان مهاجرت بودند - ملاحظه می کردند که درجاده حضرت
عبد العظیم قطار اشتران مست پیاپی و در دنبال یکدیگر عبور نموده و
بار قطار ها اسلحه و سایر ملزومات جنگی و قورخانه بود که مرتباً
از باغشاه محل ژاندارمری حمل و برآه می افتادند. (*)
از قرائن معلوم بود که قبلاً تدارك سفر دیده شده و وسایط
نقلیه لازم را تهیه دیده بودند.



(*) متأسفانه چند میلیون اسلحه و مهمات و عده افراد تربیت شده که در ظرف
چند سال تهیه شده بود، بواسطه عدم تصمیم چندی در حفظ بیطرفی و نداشتن خطمشی
ثابت تمام در راه و بیراهه تفریط و بعد مابه شرارت الواط و اوباش گردید.

فصل نهم

مهاجرت و کمیته دفاع ملی

وکلای مجلس شورای ملی و سایر معاریف طبقات و اردوی پراکنده ژاندارمری و دستجات مجاهد و چریک که از طهران حرکت نموده بودند - بتدریج و ردقم شده و سکونت موقت اختیار کردند. ولی هیئت وزراء و دربار بواسطه تأکید و تأمین سفارتین جنوبی و شمالی و متوقف شدن پیش قراول قشون روس در کرج و تمرکز قوای ملی در قم فسخ عزیمت نموده و از ترك پایتخت منصرف شدند. وزراء مختار اطروش و عثمانی که بقصبه حضرت عبدالعظیم نقل و مکان نموده بودند. بمرکز مراجعت ولی وزیر مختار آلمان از مراجعت بطهران خودداری و با مهاجرین همعنان گردید.

بالجمله شهر قم مرکز قوای ملی اعلام و در آنجا عده از نمایندگان دارالشورای ملی در تحت ریاست سلیمان میرزا برای ایجاد مرکزیت و تهیه قوای دفاع در مقابل قوای مهاجم روس کمیته موسوم به (کمیته دفاع ملی) ۱۳۳۳ هجری تشکیل و بلافاصله تشکیل کمیته دفاع را تلافی گرافاً بتمام ولایات اعلام و چون قشون روس برای تفرقه مهاجرین از قزوین بطرف ساوه حرکت نمود - بود از طرف کمیته دفاع ملی عده ای را برای جلوگیری بساوه اعزام و بانهایت جدیت در صدد فراهم کردن وسایل عقب نشینی و تکمیل و تجهیز قوا برآمدند.

خلاصه بواسطه تهاجم طلايه روسها و جنگ مختصر ساوه -
رابط کریم - قریه منظریه- مهاجرین شهر قم را تخلیه و جمعی از راه عراق
و بروجرد و لرستان عازم کرمانشاهان و عمده سرسلسله گان مهاجر
از راه کاشان عازم و باصفهان ورود نموده و پس از تهیه مسافرت از راه
بختیاری بطرف کرمانشاهان حرکت نموده و رفتند، (*)

کابینه مستوفی در نتیجه اتخاذ سیاست ملی و اعلام بیطرفی و
بطلان نقشه تصرف غیر مستقیم روسها بواسطه قیام مهاجرت سیاسی
ساقط و محمدولی خان سپهسالار تنکابنی که مورد اطمینان روسها بود
زماندار امور گردید.

در اینموقع نفوذ جنوبی و شمالی در مرکز مملکت بلا معارض
رو بتوسعه؛ ملیون و وطن خواهان مغضوب و فراری؛ الیه ایران باتشکیل
کمیسیون مختلط زیر نظر (کنترول) ۱۳۳۴ هجری واقع گردید *
پلیس جنوب در فارس و بنادر حکمفرما و اوضاع از هرجهت تیره
بنظر میرسید.

(*) از مطالب قابل تذکار آنکه بعد از عزم بتوقف دربار در طهران آقایان میرزا
حسین خان عدل المالك (دادگر) و ارباب کیخسرو نماینده زرتشتیان برای معاودت نمایندگان
مهاجر از طرف مستوفی الممالك رئیس الوزراء تا کاشان آمده و بلا نتیجه مراجعت
کردند) در اصفهان دسته عقب ماندگان از مهاجرین برای تهیه وجه در امور بانك
شاهنشاهی دخالت نموده و مبالغی بر ضرر دولت افزودند.)
* دو نفر نماینده از طرف جنوبی و شمالی کلیه عایدات و مخارج را
در تحت نظر گرفته و کنترول مینمودند.

بعد از انحلال کابینه سپهسالار و روی کار آمدن کابینه اول میرزا حسن خان -
و ثوق الدوله در اثر قوت گرفتن مایمون مهاجر در غرب و شکست قشون روس در
همدان کمیسیون مختلط با شرایط جندی برداشته شده و نظارت مالی مانفی گردید)

تهاجم و پیشرفت قشون روس که از قزوین شروع شده بود تا قصر شیرین آخرین نقطه سرحدی غرب ادامه داشت و در آنجا بواسطه شکست سختی که از قشون ترك خورد متوقف و بعد بوسیله حملات شدید سواران ایلات سرحدی ایرانی (سمنجایی و کلهر و قلیخانی) و قوای تحت فرماندهی احسان علی پاشا قوای روس بعقب نشینی مجبور و تا آوج بین همدان و قزوین و سلطان آباد عراق رانده شدند جمادی الاخر ۱۳۳۵ هجری: قوای مهاجرین ایران (ژاندارم و سوار متفرقه) بامساعدت و تقویت قشون علی احسان پاشا کرمانشاهان، همدان، ملایر و نهاوند و بروجرد و قسمتی از کردستان را اشغال و برای اداره کردن قطعات مصفی شده از قشون بیگانه - در شهر کرمانشاهان در تحت قیادت مرحوم نظام السلطنه مافی حکومت موقتی تشکیل و شهر کرمانشاهان پایتخت و مرکز حکومت مستقل موقتی مهاجرین گردیده ۱۳۳۵ هجری و اعضاء حکومت موقتی بطریق ذیل معرفی شدند:

نظام السلطنه رئیس الوزراء و رئیس حکومت موقتی، ادیب السلطنه سمیعی وزیر داخله، میرزا قاسم خان صور وزیر پست و تلگراف محمد علی خان فرزین مالیه، سید حسن مدرس قمشه عدلیه و اوقاف، عباس میرزا سالار لشکر فرمانفرمایان وزیر جنگ، حاجی عز الممالك اردلان خزانه دار و مستقلا شروع بکار کردند.

چنانکه قبلا اشارت رفت در نتیجه نزدیک شدن قوای مهاجرین و مامیون بمرکز و معلوم نبودن سرنوشت ختام جنگ - کابینه بيملاحظه محمد ولی خان سپهسار تنکابنی منحل و میرزا حسن خان وثوق الدوله زمامدار شده و با اتخاذ سیاست معتدل ملیون مرکز را جلب و بطوری

که ذکر شد کمیون مختلط مالی را مانگی و برای تکمیل اقدامات معتدلانه خود نغمه انتخابات دوره چهارم تقنینیه را ورد زبانها ساختند.

در کرمانشاهان فیما بین مهاجرین اختلافات شدید شده برپا شده بود و دنباله اختلاف تابجائی کشید که بعنوان سوء قصد بر عایه رئیس حکومت موقتی (*) سید جلیل اردبیلی و چند نفر دیگر را توقیف کردند و سران گروه مهاجر عالم اختلافات را بر روی خط مشی اساسی عنوان می کردند سلیمان میرزا و یاران او را عقیده بر این بود که سازش مستقیم با عثمانیها برای آینده استقلال ایران بی ضرر نیست! و لازم است مهاجرین سیاسی بلا واسطه با دربار برلن مسائل را بر روی منافع متقابل قطع و فصل نموده و مستقلاً بعمل پردازند.

سید حسن مدرس و تابعین او را عقیده بر این بود که باید سیاست اتحاد اسلام را در نظر داشته و از تفرقه وجدائی با عثمانیها و کدورت بین دربار خلافت و عالم اسلام احتراز جست.

(*) در آن موقع بواسطه ضعف مرکزیت و دخالت بیگانگان دو حکومت رسمی در مملکت فرمانروائی میکرد، حکومت قانونی مرکز در طهران که آفای وثوق الدوله عامل تشکیل آن بودند، یکی هم حکومت موقتی نظام السلطنه در غرب و شهرت فتوحات و پیشرفت قوای مهاجرین در حدود غرب و تجدید هیجان و غلبان احساسات ملیون مرکز رئیس الوزراء را بفکر ارتباط با حکومت موقتی نظام السلطنه انداخت اول تصمیم بر این اتخاذ شده بود که مرحوم میرزا محسن راروانه بنمایند - ولی بواسطه اشکالات جنگی راه یا عدم اطمینان از پذیرفتن و نتیجه گرفتن قرعه این فال بطور مستقیم از نظر ارتباط مسلکی بنام نگارنده زده شد - نویسنده از پایتخت حرکت و از راه قم و عراق و ملایر خود را بکرمانشاهان رسانیده و بیغامات خود را بر له مرکزیت و استقلال کامل وطن در یکی از جلسات رسمی هیئت مشاوره حکومت نظام السلطنه ابراز و در کرمانشاهان ناخاتمه مهاجرت متوقف شدم

حاشیه نشینان کنجکاو- اینگونه نمایشات را بيموضوع دانسته و اختلافات را زائیده ریاست طلبی و مقام خواهی تصور مینمودند)

در نتیجه اوضاع عمومی جنگ و فشار قشون انگلیس در فرونت بصره و بغداد قوای عثمانی داخله ایران را تخلیه و از همان راهی که آمده بودند شروع ببازگشت نمودند.

قوای مهاجرین نیز بالطبع عقب نشینی اختیار و دنباله هزیمت رؤسای مهاجر تا اسلامبول و برلن کشید. و در این میان باصطلاح کاسه و کوزه بر سر بیچارگان شکسته و موجبات قتل و غارت عشایر سنجابی در سرحد قصر و تبعید سلیمان میرزا فراهم و اکثریت افراد مهاجر بعد از انتشار اخبار انقلاب روسیه و گسیختن رشته انتظامات افواج روس در فرونت بتدریج باوطن خود مراجعت کردند .

ورود پیاپی مهاجرین پایتخت احساسات خفته را بیدار و ابلاغیه های حکومت انقلابی روسیه بیشتر موجب امیدواری ملیون گشته و واژگونی کاخ مظالم تزار روس باعث شادمانی عامه ملت و موجب تشنج حکومت گردیده و کابینه های وثوق الدوله ساقط و کابینه مرحوم علاء السلطنه با عضویت مستوفی الممالک و مشیرالدوله دایر و بعد از ایام مختصری علاء السلطنه برکنار و در ظرف شش ماه دو کابینه شاهزاده عین الدوله و مستوفی الممالک محلل واقع شده و مرحوم نجفقلی خان صمصام السلطنه برای تسکین اوضاع زمامدار گردید .

هیئت وزراء صمصام السلطنه آقایان ممتازالملک . ممتازالدوله ، مستشارالدوله میرزا حسین خان علاء ؛ حکیمالملک ، از موقیمت سیاست

اروپا و شکستن طلسم تزاریست روسیه که یکتامانع ترقی و تکامل ایران در قرن اخیر بود. خصوصاً از بین رفتن معاهده ترکمانچای و الغای رسمی قیود متجاوز از روسیه از طرف حکومت انقلابی مسکو استفاده نموده برای پیشرفت و ترقی معنوی مملکت و تسکین افکار عامه وطن-پرستان که باشدت بهیجان آمده بود.

متهورانہ اعلان الغای (کاپیتولاسیون) قضاوت قونسولات خارجه را در ایران صادر و بتمام سفارتخانها ابلاغ و در جراید پایتخت به ترتیب ذیل اعلام و ذکر خیری در صفحات تاریخ از خود باقی گذاردند

«نظراً آنکه معاهدات و مقاولات و امتیازاتی که از یکصد سال باین طرف دولت استبدادی روس و اتباع آن از ایران گرفته اند تماماً یا در تحت فشار و جبر و زور یا بوسیله عوامل غیر مشروع از قبیل تهدید و تطمیع برخلاف صرفه و صلاح مملکت و ملت ایران اخذ شده است.

نظر بر اینکه دول معظمه دنیا از ابتدای جنگ حفظ و رعایت مختاریت و استقلال اقتصادی و سیاسی ملل ضعیفه را بوسایل متنوعه گوشزد جهانیان مینمایند.

نظر بر اینکه دولت جدید روسیه آزادی و مختاریت تام ملل را مقصد و آرزوی خود قرار داده و بالخاصه الغای امتیازات و عهودی را که از ایران تحصیل کرده اند از مجاری رسمی و غیر رسمی بدفعات اعلان کرده است.

نظر بر اینکه امتیازات و عهدنامجات و مقاولات مزبوره علاوه بر اینکه در تحت فشار و زور بر علیه مصالح مملکت اخذ و آنهایکه بعد از اعلان مشروطیت ایران برخلاف نص صریح قانون اساسی مملکت تحمیل

شده است یا بموقع اجرا گذارده نشده و یا بترتیب خیالی ناقص اجرا و مخالف مواد مصرحه آنها رفتار شده !! نه تنها حقوق معینه دولت استیفا نگشته بلکه نقل و انتقال و یا سوء استعمال مدلول آنها غالباً به بهانههای مضر سیاسی و اقتصادی بر ضرر استقلال دولت و حوائج ملت اتخاذ شده است و بالجمله نظر براینکه دولت و ملت ایران هم حق دارد مثل سایر دول و ملل عالم از منابع ثروت و آزادی طبیعی خود استفاده بنماید لهذا هیئت دولت در جلسه شنبه چهارم اسد ۱۲۹۷ شمسی مطابق شوال المکرم ۱۳۳۶ هجری قمری الغای کایه عهدنامهجات و مقاولات و امتیازات فوق الذکر را قطعاً تدمیم و مقرر میدارد که وزارت جلیله امور خارجه بمامورین و نمایندگان دول خارجه مقیمین دربار ایران و سفرای دولت عایه مقیمین خارجه را ازمفاد این تصمیم مستحضر داشته و وزارت جلیله فواید عامه و تجارت و فلاحت بوسایل مقتضیه برای استحضار عموم اعلان بنمایند. (کابینه ریاست وزرا)

مندرج در شماره ۲۷۶ سال دوم روزنامه ایران مورخه سه شنبه

۲۱ شوال مطابق هفتم برج اسد ۱۲۹۷ شمسی (*)

(*) مرحوم صمصام السلطنه شخصی مات دوست و وطن پرور بود، ولی بواسطه نقص معلومات از اجرای آمال و منویات استقلال طلبانه مات برنیا آمده و خود و مملکت مجروح از لشکر کشیهای چندساله اجاب را چندی دیگر گرفتار گریه رقصانی عمال بیگانه و خائنمین داخلی ساخت ! موضوع بیعلمی آن مرحوم بهانه خوبی بدست دشمنان سیاسی کابینه و بذله گویهای خودمانی داده بود

زمانمدار مرحوم مذکور در جریانات سیاسی خود را نباخته و تسلیم دسایس

بیگانه برخلاف منافع استقلال وطن نمیشد

از شخص موثق شنیدم که روز قبل از اعلام الغاء کاپیتولاسیون از طرف

یگی ازمعامل ذینفع خارجی برانی بمبلغ یکصد هزار تومان تقدیم کرده بودند

حرکت تند و سریع کابینه صمصام السلطنه در زمینه استفاده از موقع و تزلزل نفوذ دول استعماری- بیگانگان ذینفع و خائنین داخلی را بیش از پیش برای انحلال حکومت صمصام السلطنه با اقدامات و سرعت عمل وادار و بتکاپو بازداشت .

سرکیسه‌ها باز شده و از طرفی عدّه از دلالهای تاحرنا و اصناف و افراد و لگورد احزاب را برانگیختند تا در مسجد شاه بساط پلو و سور راه انداخته و بر ضد کابینه جنجال برپا و از ناامنی شکایت نمایند .

سید حسن مدرس که تازه از گورد راه رسیده بود با چند نفر ریور پولکی با دستور مخصوص در صحن حضرت عبدالعظیم تحصن اختیار و تقاضای مجتبعین در مسجد شاه را تأیید میکرد (*)

که چندی از انتشار تصویب نامه خودداری نمایند ولی با شرافت ایرانیت حواله را مسترد و با سرعت عمل کار خود را انجام داده و ذکر خیری از خود در صفحات تاریخ ملی باقی گذاردند .

(*) سید حسن مدرس که نام ایشان در سنوات اخیر چندی ورد زبان عوام شده بود در دوره دوم دارالشورای ملی از جانب مرحوم آقای آخوند ملا کاظم مجتهد خراسانی که خدمات شایانی بعالم مشروطیت نوزاد ایران انجام داده بودند بعنوان نظارت شرعی بمجلس وارد و در حین ورود بالباس فقاقت در زمره سیاسیون داخل و بعد عضویت در حزب اعتدال و از طرف ناصر الملك قبول و در دوره سوم چنانکه گذشت عامل تفرقه و دو دستی اعتدالیون گردیده و فرقه مذکور را بدو قسمت تقسیم کرد .

در هنگامه مهاجرت سیاسی نیز در کرمانشاهان عامل نفاق بین سران مهاجر گردیده و بعد از ختم غائله مهاجرت مهمترین عامل سیاست بازی روی کار آمدن کابینه قرار داد و سپس بعنوان ضدیت با قرارداد علم مخالفت برافراشته و در بهضت جمهوریت نیز در کشاکش وضدیت شرکت داشته و بالاخره معلوم نبود بر روی چه مقاصد مخصوص کار می کند

بالجمله کابینه براندازهای حزبی و بازاری و دستهای غیبی برای برهم زدن وضعیات و سقوط کابینه صمصام السلطنه از هیچ نوع کارشکنی فروگذار نمیکردند .

حتی سید هاشم پهلوان اکبری که یکی از سر جنبانان محلات طهران بود با جمعی از جوانان سرگذری را اسلحه و پول داده جهت بی اعتبار جاوه دادن حکومت و تزلزل امنیت مامور کردند تا گلدسته مسجد امام زاده سید ولی را واقع در وسط بازار شهر طهران سنگرگاه خود قرار دادند .

باینهم اکتفا نکرده و سایلی برانگیختند تا چند نفر ارادل در تحت ریاست حسین فشننگچی گاری پست دولتی را در بیرون دروازه قزوین سرقت و اوال مردم را بغارت بردند .

با تمام اینگونه اقدامات مخذل امنیت عموم در زیر نقاب آرامش طلبی و صورت حق بجانب و هرزه گیهای صادره از مراکز نقشه خودی و بیگانه کابینه صمصام السلطنه از کنارگیری و تسلیم ممتنع و از تقدیم استعفاء خودداری کردند تا فرمان عزل صمصام السلطنه و نصب آقای میرزا حسن خان وثوق الدوله بسمت ریاست وزراء در روزنامه ایران منتشر و بعمر هرج و مرج مصنوعی و ساختگی خاتمه داده شد !

با مقدماتیکه قبلا ذکر شد کابینه دوم وثوق الدوله با عضویت شاهزاده فیروز میرزا نصره الدوله و اکبر میرزا صارم الدوله و فتح الله خان اکبر سپهدار رشتی و میرزا حسن خان مشارالمالک تشکیل و رشته انتظام را بکف گرفتند !

خط مشی اولیه کابینه فراهم آوردن ارضاق و امنیت و انتظام بوده

و ضمناً نسبت به عناصر ملی و مهاجرین تازه وارد پرشور و شور و مملو از احساسات وطنی سیاست جلب و استعالت در پیش گرفته بودند .
در وهله اول قسمتی از اغتشاشات که ما دست این و آن برای ضدیت با کابینه قبل فراهم شده بود خود بخود از بین رفت .
و برای خاتمه دادن بر اهزنی - ماشاء الله خان کاشانی را در طهران بدار کشیده و برای سر کوبی حسین کاشی پدرش و رضای جوزانی عده اعزام و آنها را مقتول و بعد از یکسال از عمر حکومت زمینه جدید برای اجرای منویات اصلی ظاهرأ مصفا و آماده گردید که شرح آن از نظر اهمیت تاریخی بطوریکه مقدمات امر نشان داد در فصل آتی از معرض افکار خوانندگان خواهد گذشت .



فصل دهم

قرارداد ۱۹۱۹

انقلاب ۱۹۱۷ میلادی روسیه که باعث و موجب فرو ریختن کاخ مظالم امپراطوری روسیه گردید نه تنها عمر جنک بین الملل را کوتاه و تکان سختی بوضعیت استعمارطلبی برخی از دول غربی داد بلکه اثرات مهمی در سرتاسر شرق عموماً و ایران خصوصاً بخشیده و سبب جنبش عمومی و تجدید غلیان احساسات ملی گردید.

ولی از جانب دیگر در نتیجه جنک عمومی و ویرانی ایران ستم کش چنان رشته اوضاع از هم گسیخته شده بود که ترمیم آن بزودی زود با فکر و عقل هیچ دوراندیشی مناسب نمی آمد.

مملکتی که در ظرف پنج سال جنک بین الملل لگد کوب سم ستور قشونهای روس و عثمانی و انگلیس شده و خانمان رعایای بی سروسامان آن بباد فنا رفته باشد - کشوری که بواسطه دخالت عمال بیگانگان در شئون اداری و مرکزیت و امور مالی و نظامی و اجتماعی شیرازه سیاسی آن بطوری بکساد که علاوه بر خودسری و تمرد ملوک الطوائف در ظرف سنوات ۱۳۳۳ - الی ۱۳۳۵ هجری قمری در مرکز و غرب رسماً دو حکومت با دو رژیم مختلف زمامدار گردیده و هر یک مطابق دلخواه خود عمل نمایند (حکومت موقتی نظام الساطنه در کرمانشاهان و حکومت سپهسالار و وثوق الدوله در طهران) -

مملکتی که در مدت یکسال ۱۲۹۶ شمسی بواسطه وضعیات خراب چهار رئیس الوزراء و هیئت کابینه بخود بهیند (علاء السلطنه - عین الدوله مستوفی ، صمصام السلطنه) و معروف بکابینه فصول بشوند . کشوریکه وزیر مالیه آن آجر عشویه فخارخانه و چند هزار خروار آخربین



(۳۳) - آقای میرزا حسن خان وثوق
(وثوق الدوله)

ذخیره انبار غله دولت را بعنوان مواجب در بین جمعی از مستخدمین دولت تقسیم نموده و موحیات قحطی مصنوعی را فراهم و هزاران نفر نقوس بیگناهرا بدیار عدم پرتاب بنمایند. و پادشاه آن کشور (احمد میرزا) در عین قحط سالی و فقدان آذوقه و خرابی دهات و فقر کشاورز ها برای ازدیاد قیمت گندم کوشش ورزیده و درب انبار غله شخصی خود را بر روی افراد ملت مسدود کند.

بدیهی است هر بیگانه بیک چنین مملکت در همچو موقعی طمع دوخته و بفکر سلب استقلال آنملت می افتد صرف نظر از آنکه باقتضای سیاست استعماری خود عامل بروز چنین اوضاعی نیز شده باشند.

خلاصه باوجود این کیفیات معلوم و مسلم بود که در عقب این پرده های سیاسی چه نیرنگها خفته و آل کار بکجا بنجر خواهد شد ؟ ولی خواست خدا واستعداد مات کهن سال ایران غیر از این بود - و امروزه بخوبی می بینیم تمام آن وضعیات بطوری اصلاح و ترمیم شده و مملکت با سرعت رو بطرف ترقی و تعالی سیر مینماید که مورد غبطه آشنا و بیگانه واقع و غیر ازسطوری چند درصفحات تاریخ برای عبرت و تنبیه نسل آینده آثاری از آن دوره ها باقی نیست - این بود مجمعی از دور نمای حوادث تاریخی آندوره - رشته مطلب را از دست ندهیم :

بعد از انقلاب اکتبر و متلاشی شدن کاخ امپراطوری نیکلای دوم - زمینه بهتری برای پیشرفت نظریات سیاسی همسایه جنوبی در ایران مهیا شده بود .

چنانکه درصفحات گذشته اشارتی رفته است از بدو تشکیل پلیس جنوب باپول و تعلیمات مستقیم صاحبمنصبان انگلیس در جنوب - ملیون ایران بنای ضدیت و مخالفت را با دخالت قوای مذکور در فارس و بنادر گذارده و قوای پلیس جنوب را بیک قوه مستقیم خارجی و عامل پیشرفت سیاست استعماری در جنوب میدانستند .

در کابینه اخیر مستوفی الممالک (۱۳۳۶ هجری) که هر چند ماهی هیئت وزراء بعد مقام و مسند و زرای قبل را اشغال میکردند . و رشته اتصال مملکت از هر جهة کسیخته شده بود انگلیسها موقع را مناسب

یافته و بنای دخالت مستقیم و علنی را گذارده و بوسیله یادداشت رسمی منویات خود را آشکار ساختند ،

اینک قسمتی از یادداشت مذکور را که ضمن ابلاغیه وزارت خارجه ایران در شماره ۱۸۶ سال دوم روزنامه ایران مورخه دوم جمادی الثانیه ۱۳۳۶ هجری قمری درج و انتشار یافته برای تکمیل اطلاعات خوانندگان مینگاریم:

« بطوریکه اولیاء دولت ایران مسبوق هستند ، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان همیشه اوضاع ایران را در تحت نظر و توجه صمیمانه داشته و در این اواخر علناً موافقت خود را در موضوع استقلال ایران اظهار داشته اند .

سفارت انگلیس بر حسب دستورالعمل دولت خود اخیراً چندین دفعه با دولت علیه ایران مذاکرات دوستانه نموده و تنها چیزی که خواهش شده این بود که حسیات دوستانه !! خود را کلیتاً نسبت به مصالح انگلیس بطوریکه باید محل توجه قرار بدهند .

برای حفظ ایران از تجدید اتفاقاتیکه از عملیات بانیز و زمستان ۱۹۱۵ بحصول پیوست و امروز نیز همان مخاطرات بخوبی مشهود است جلوگیری نمایند .

و بالاخره نظر بمصالح فوق العاده دولت همجوار انگلستان در جنوب و بملاحظه هرج و مرجی که بواسطه فقدان قوه منظم ممکن است بظهور برسد ،

دولت علیه ایران قشون جنوب را بطوریکه حال تشکیل یافته تا آخر جنک رسماً بشناسد و در مقابل دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حاضر هستند که مساعدت مالی و اقوی !! بدولت نموده و برای ایجاد قوای

متحد الشکلی پس از اتمام جنگ برای تمام ممالک که بالاخره قشون جنوب هم منضم بدان گردید در تحت نظر صاحبمنصبان خارجه که در خصوص ملیت آنها بعد از این باید بین دولتین موافقت حاصل شود کمال مساعدت بنماید .

در هشتم جمادی الاخر همان سنه یعنی یکهفته بعد کابینه مستوفی الممالک در قبال یادداشت مذکور فوق پروتست نموده و پائیس جنوب را در پرده عبارات یک قوه متجاوز خارجی خواند

طبیعی بود انکایسهای بیدار و مراقب بدین سهای از نیات و مقاصد خود دست نکشیده و با امرار وقت شروع با اقدامات نموده و جهة رسمیت دادن بنظریات سیاسی خود منتهز فرصت و اشخاص مناسبی شدند کابینه مستوفی در مقابل فشار بسقوط محکوم و مسند ریاست وزرائی نصیب صمصام السلطنه بختیاری شد

بطوریکه گفته شد مشکلات داخلی و خارجی از هر جهة کابینه صمصام السلطنه را احاطه و باصلاح دست و پای دولت را در (پوست گردو) گذارده بودند .

تحتی و خرابی که از نتایج تاخت و تاز لشکر کشی خارجه بود از یک طرف - سر کشی و یاغی گیری راهزنان وحشی و دزدان تحریک شده و سیاسی از طرف دیگر .

تهی بودن خزانه و نبودن قوای منظم تأمینیه در پایتخت و فشار دیپلوماسی که باعث سقوط کابینه قبل شده و مجال را از کابینه جدید بریده بود . معلوم بود که تندروی دولت صمصامی را بقائی نیست و دیر یا زود وضعیات صورت دیگری بخود خواهد گرفت .

لذا طولی نکشید که هیئت وزراء صمصام السلطنه راه خانه را در

پیش گرفته و میرزا حسن خان وثوق الدوله زمامدار امور گردید و در خاتمه سال اول زمامداری معظم له مقدمات برای تظاهر و بندوبستهای سیاسی آماده و مهیا گردید .

عملیات سریع کابینه و جمع آوری جمعیت‌های مخصوص مردم مطلع را ظنین و متفکرین انتظار بروز و ظهور حوادث مهمی را میکشیدند چنانکه مدتی قبل از علنی شدن قرار داد کذائی و اعلام آن در جراید مشهور شده بود که در قریه بیلاقی پست قلعه سه فرسنگی طهران جلسه مرکب از چند نفر رجال رسمی خارجی و داخلی تشکیل و مقررات ملت و مملکت را بطور دل بخواه حل کرده اند « در موقع طرح اعتبار نامه یکنفر از نمایندگان در دوره پنجم مجلس تقنینیه از طرف عده از و کلاء اظهار شد که قسمتی از اعضاء کابینه قرار داد مبلغ صد هزار لیره بعنوان مخارج ابتدائی و تبلیغات برای تحمیل قرار داد بمملکت اخذ نموده و جماعتی از خوان یغمای استقلال سبیلی چرب کرده اند »

در همان اوان که اینگونه شایعات در افکار عمومی جریان داشت - روزنامه ایران که در آن موقع با ماهی هفتصد و پنجاه تومان \llcorner خرج در تحت مدیریت میرزا محمد خان ملك زاده منتشر میشد - در شماره ۳۹۷ سال دوم زیر عنوان - ایران خواه کیست؟ مینویسند: «ایران فیل کیست؟ ایرانو فیل کسی است که يك دولت همجوار را در نظر آورده قوای مادی و معنوی او را حساب کرده ، اخلاق سیاسی و مناسبات او را با ملت خود سنجیده ، منافع و مطامع ویرا در خاك خود در نظر داشته ، میزان و مقدار مساعدتهائی را که ممکن است از آن

دولت برسد با خود حساب کرده. بتاریخ، جغرافیا، آمال ملی و سیاسی مات مزبور و ملت خود رجوع نموده و وقتی که این حسابها درست درآمد و یقین حاصل شد که دوستی او با ایران برای ایران صرفه دارد. یا لا اقل کمتر ضرر و زحمت دارد. آن وقت ملت خود را بدون بیم و وحشت و باد لایل مثبت و اقناع کننده بطرفداری آن دولت دعوت نموده و زمامداران دولت را به همراهی آن دولت تحریر ص بنمایند «

در شماره دیگر ضمن مقالات مسلسل (اصلاحات) در پایان دوازدهمین مقاله اصلاحیه بقلم مدیر سیاسی مینگارد :

« بایستی از خارجه مستشار خواست ! که هم بوسیله آن باصلاحات شروع نموده و هم خود آن دولتی که باصمیمیت بما مستشار خواهد داد نقطه اتکاء و اصلاح طلبان خواهد گردید «

خلاصه کلام زمینه کار از هرجهت برای تظاهر آماده و راز نهفته از پرده بدر افتاد - اینک برای تکمیل اطلاعات خوانندگان، بیانیه که بقلم آقای میرزا حسن خان وثوق الدوله از نظر تشریح اوضاع و لزوم تنظیم مواد قرارداد بعنوان مقدمه انتشار یافته و ذیلا مواد قرار داد را رسماً اعلام نموده اند از نظر تذکر تاریخی از شماره سال سوم روزنامه ایران مورخه یکشنبه سیزدهم ذی قعدة ۱۳۲۷ مطابق ۱۸ - اسد ۱۲۹۸ عیناً نقل مینمائیم :

بیانیه از طرف آقای رئیس الوزراء

(آخرین تصمیم)

« در اینموقع که ذات اقدس شهریاری ارواحنا فداه مصمم مسافرت اروپا میباشند ، مدت یکسال از تاریخ زمامداری اینجانب میگذرد . و البته هموطنان من مترصد هستند از اقداماتی که در حل مشکلات داخلی و مناسبات خارجی مملکت در مدت این یکسال نموده ام بیشتر اطلاع حاصل بنمایند ،

بنابراین لازم میدانم حقایقی را که تأثیر آنها در گذشته و آتی متضمن مصالح حیاتی مملکت میباشد ، باطلاع عامه برسانم . برای مقایسه وضعیات قبل از زمامداری خود تا امروز و بیان حقایق فرصت و مجال وسیعتر و تسوید اوراق بیشتری لازم است ، بعلاوه مایل نیستم خاطر هموطنان عزیزم را از شرکت در تمام تأسفات و معاینات تائر انگیز خود ماول سازم پس قسمتی از حقایق ناگفتنی را به تشریح تاریخ و تفرس افکار دقیق حواله نموده و فقط رؤس مسائل را یادآور میشوم - سال گذشته در همین ایام اعلیحضرت اقدس شهریاری ارواحنا فداه وظایف تشکیل هیئت دولت و سرپرستی مملکت را بعهده بنده مقرر فرمودند ، من نیز با آنکه روزنه امید و شعاع بهبودی را با آنهمه گسیختگی شیرازه ها از هیچ طرف مشاهده نمی کردم فقط به نیت فداکاری و اینکه شاید مداخله من لااقل بتواند از توسعه دایره مصایب جاو گیری کند . امر پادشاه متبوع و مفخم خود را اطاعت کردم - از نخستین نقطه شروع و در هر قدم با سلاسل طاقت فرسای مشکلات و موانع مصادف گشته برای حل کوچکترین قضایا بزرگترین محذورات را مشاهده کردم . در آنموقع جنگ بین -

الملل با تشنجات شدیدۀ خود زلزله گیتی را هم چنان مداومت میداد، و برائر آن مملکت مانیز بنوبه خود بیشتر از توانائی بنیت و طاقت خویش متزلزل میگشت.

امنیت در تمام نقاط مملکت مسلوب، دولت مرکزی فاقد کلی وسایل و اختیارات- هم چنانکه افراد و تشکیلات ترور در پایتخت آسایش عامه را دچار اختلال نموده بودند. و دستجات یاغی و قطاع الطریق در اقطار ایران بر عرض و نوامیس عامه حکمفرمائی داشته و اغاب ولایات و نقاط مهمه مملکت بی حکومت و سرپرست و دستخوش غارتگران محلی، باقی مانده قوای متلاشی شدۀ تأمینیه بارقت نا کترین احوالی دره قدرات خود نالان و افراد آن از گرسنگی در حالت احتضار، خزانه تهی، عایدات مالیاتی لاوصول، اقساط مخارج مهم و ضروری دولت دوایر در عهده تعویق و تعطیل، ابواب تجارت بکلی مسدود و همه کس برای ضروریات زندگانی نگران و سرگردان، سختی ارزاق عمومی در مرکز و ولایات باقیافه فجع خود حیات هیئت اجتماعیه را تهدید قحطی و استیلائی امراض چرخ نظام اجتماعی و زندگانی افراد را متوقف - مناسبات با خارجی ما تعطیل و روابط با دولت انگلستان دولتی که در آن موقع بیش از همه مساعدت و مخالفتش مؤثر در وضعیات داخلی بود، تیره و مبهم، و بالاخره تمام موحبات بدبختی و انقراض مهیا و باندك اشتباه و خود پرستی یا تعامل و لا قیدی و یا جبن و بددلی ممکن بود - آخرین ضربه مخاطرات متوجه حیات سیاسی و استقلال ملی ما گردد.

در يك چنین موقع خطیر و ایام سیاهی بود که متو کلا علی الله با اعتماد بنفس و اتکاء بوجدان و حقیقه، خود خواهی و خود پسندی

را از نظر دور کرده و منافع ملت را بمصالح شخصی ترجیح دادم و از هیچ مخاطره جانی و شرافتی نهرا سیده بارسنگین مسئولیت خدمت گذاری مملکت را بردوش خود گذاردم ،

بدیهی است در اول امر محض تغییر و بهبودی موقتی اوضاع مجبور بودم با هر نوع سعی و تلاش وسایل آنی و فوری را تدارك نمایم و با وضعیاتی که مستلزم مخاطرات آنی بود - مقاومت و فرست کافی برای امعان نظر و مطالعه دقیق حقایق در هنگامه عظیم دنیا و تجسس طرق ممکنه برای اصلاحات اساسی و تأمین حقیقی آتیه مملکت تحصیل نمایم . حالت من در آن ایام مانند غریق بود که اول بحکم اضطرار بهر تخته پاره متوسل گردد ، تا خود را بواسطه آن بکشتی و ساحل نجات برساند ، بهمین دلیل در تصمیمات و عملیات خود اگر معارضی می یافتم و منقد بیخبر از اوضاع میدیدم طرف توجه قرار نداده و برای رسیدن بمقصد یعنی نجات مملکت احکام عقل و دانش را بر احساسات خود و دیگران ترجیح میدادم .

بسی مشعوف و خورسند هستم که بیاری خدای تعالی نخستین تکالیف موقتی خود را با هدایت عقل و وجدان و به نیروی آن درجه توانائی که باری تعالی جل اسمه باین بنده ضعیف عطا فرموده در تهیه وسایل پیشرفت موقتی و در عین حال خاتمه دادن بمخاطرات و منع عوایق داخلی و خارجی با حسن فداکاری تاحدی که مقدور باشد انجام دادم . در ادای این وظیفه صعب پس از تأییدات غیبیه و توجهات اولیای اسلام و اتکال به تقویت های شاهانه که البته علل اصلی موفقیت این جانب بودند - مساعدت و حسن موافقت اولیای دولت انگلستان نیز عامل مؤثر و قوی گردید و البته

نباید از امتنان و مساعدتهای آن دولت خاموش نشست !
دولت معظم انگلستان در عقیده جلو گیری از هرج و مرج و ایجاد
امنیت و نظم در ایران با اولیاء دولت شاهنشاهی ابراز موافقت نموده و
حصول این مقصود را موافق مصالح خویشتن یافته. در حدودیکه وضعیات
عمومی اجازه میداد از کمک با کابینه اینجانب مضایقت نمود .
اگرچه این مساعدت از بعضی حیثیات و مخصوصاً از حیث اسلحه
و مهمات نظامی رضایت بخش و تا آن درجه کافی نبود که موفقیت دولت را
در حفظ انتظامات زودتر و بیشتر محسوس نماید .
لیکن همان مقدار کمکی که با دولت ایران بعمل آمد قابل
تقدیر و در موفقیت دولت تاثیر کامل داشته - مخصوصاً مساعدت مالی در
تامین ارزاق و اقتدار دولت بر تادیه منظم مصارف جاریه مملکت برای
استقرار و بقای نظم بموقع و نافع واقع گردید .
بدیهی است در این مدت معاندین من و جاهلین و ارباب اغراض
از آنچه توانستند برای اینکه اینجانب را خسته و مأیوس و به کناره -
گیری مجبور نمایند خودداری نکرده علاوه با انواع تشبثات جاهلانه
مکرر سعی کردند خاطر مهر مظاهر ملوکانه را از این بنده مکدر
نمایند . ولی هیچوقت ذات اقدس شاهانه از القائات آنان متأثر نگردیده
و همواره علاقه خاطر همایونی بحفظ مصالح مملکت پشتیبان قوی و
نگاهبان مؤثر اینجانب بود. در طی این عقبات و در عین اینکه برای
نکاهداری و بهبودی اوضاع موقتی صرف مساعی مینمودم البته از این نکته
غفلت نداشتم که این بهبودی موقتی دارای جنبه دوام و ثبات نیست؛ و اتخاذ
تدابیر اساسی برای تامین زندگانی دائمی و ترقی و تکامل مملکت از نقطه

نظر اقتصادی و اجتماعی مرحله ثانوی و مهمتر وظیفه اینجانب است و مادام که در این طریق فکر و تدبیری نشده است زحمات و مشقات بی نتیجه و مخاطرات حتمی الوقوع است زیرا همه روزه تجربه جدیدی عقیده رأسخه مرا تأیید میکرد که نجات مملکت بدون انتظام و اصلاح ادارات میسر نیست و انتظام ادارات بدون توسل بمعلومات فنی مستشارها و معلمین خارجی صورت نمیگیرد ،

و بالاخره تاسیس و اصلاح ادارات ایران که عالی الظاهر مدعی مشابهت با ادارات اروپائی هستند . ولی از حقایق تنظیمات اروپائی بکلی بی بهره میباشند . بدون توسل بمعلومات متخصصین و ارباب فن خارجی غیر ممکن است

سعی و تلاش اداره کنندگان ایرانی که بواسطه نقص تجربه و تعلیمات و نبودن وضعیت ثابت تا کنون در اجرای اصلاحات عقیم مانده - و در مقابل برچیدن اوضاع قدیم بایجاد هیچ وضع جدیدی که قابل دوام و بقا باشد موفق نشده و عدم نظامات خود را ثابت و این حقیقت را روشن تر نموده است که مادام که معلمین کار آزموده شالوده محکمی برای اصلاحات طرح نکرده و اساس متینی ایجاد ننموده اند که عناصر مستعد ایرانی را در مکتب عمل و اداره با تمرین متینی که لابد منه آموختن فنون و تجارب اداری است ، بر این خدمات مملکت حاضر نمایند - تشکیل ادارات و دوائر شعب و هیئت ها و کمیسیونها و غیره جز افزودن خرج و تشویق هرج و مرج حاصل و نتیجه نخواهد داشت ،

ثانیا بالبداهه معلوم و مسلم بود که مساعدت مالی که با دولت ایران میشد و اثرات موقتی خود را می بخشید بامضرتی که داشت صرف

نظر از آن ممکن نبود مانند مخدرات که در تسکین درد مؤثر و ولی در رفع مرض نمیتوانست دواى دائمى مملکت و موجب شفای قطعى باشد - تغییر زندگانی اساسی و دائمی مملکت و ترك زندگانی روزمره بی اساس که هر روز بصورتی و در تحت تاثیر حادثه جدیدی ازوم غیر قابل انکار خود را اثبات نموده و اوضاع مالیۀ مملکت بیش از آنچه بشرح درآید اسفانگیز بود .

مالیاتهای دولت بواسطه کشمکشها و بی نظمیهای داخلی و نتایج جنگ بین الملل و قحطی و امراض و عوامل مهلکه دیگر بدرجه صفر رسیده بود .

عایدات کمر کی بواسطه عدم امکان مبادلات تجارتي از میان رفته و مهمات برای تنظیمات و تجدید قوای تامینیه غیر مقدور بود و برای شروع بهر اصلاح و استناد از هر وضع و علاج هر خطری مراجعه بسرمایه خارجی وسیله و شرط منحصر بنظر می آمد .

تبدیل سیاست دنیا در نتیجه جنگ بین الملل و طرح خطوط و تقوش اصلیه در نقشه جغرافیای عالم مخصوصاً پس از انقلاب و تشنج عظیم روسیه و سعی و تلاش هر يك از قطعات مجاور مملکت برای تقویت و نیرومندی خویش و اتصال آنها بدول قویتر و نیرومندتر - در هر لحظه درس جدیدی و تنبیه تازه بود که: باید در تقویت مملکت کوشید و مزاج مملکت را برای مقابله با وضعیتات و مشکلات محتمل الوقوع آتیه حاضر و مهیا کرد

بالجماع بطوریکه در فوق ذکر شد احتیاج مملکت از حیث توسل بکمکهای فنی و مالی خارجه محل شبهه و تردید نبود .

سخن در اینجا بود که این کمکهای فنی و مالی ضروری از کدام منبع خارجی تحصیل بشود که شرایط اصلی ممکن بودن را داشته باشد -

موافقت آن با استقلال مملکت مشكوك نباشد .

در این باب عقاید مخصوصاً از نقطه نظر احساسات متفاوت بود و طرق مختلفی برای مشی سیاسی دولت ترسیم میشد -- ولی بواسطه دور بودن از محیط حقیقی سیاست و عجز از تمیز وضعیات با ملاحظه در اظهار عقیده جنبه اجرا و قابلیت عمل در آنها کمتر رعایت میگردد .

هیئت دولت که مسئول مقدرات مملکت بود مجبور بود نظر خود را بحقایق و واقعیات محدود کرده از احساسات و اوهام تحقق ناپذیر دوری جسته متعاقب تجربیات دهساله و تشبث بتمام وسائل متصوره بالاخره عقیده ماندن نقشه های اساسی و نتایج وخیمی که از آن حاصل گردید غیر از خرد و دانش هادی دیگری برای خود نپذیرد

در نتیجه این افکار هیئت دولت مطالعات زیادی در اطراف قضیه نمود و تمام طرق را در تحت نظر و تفکر درآورد .

در نتیجه معتقد باین عقیده شده که مراجعه و توسل بمتخصصین از ملل مختلفه برای مصالح دولت و مملکت عملی نبود .

زیرا علاوه بر احتمال رقابتهای ملی و نژادی مابین آنان که برای پیشرفت اصلاحات مضر و نتایج سوء آن متوجه ما میگردد .

هیچیک از ملل را در تمهید وسایل سعادت مملکت طوری ذی علاقه و ذینفع نمیکرد که مساعدتهای مهمی برای ترقیات فوری و سریع نموده مملکت را از حالت بدبختی و فلاکت امروزه بطرز مؤثری رهائی بخشد علاوه بر اینکه رقابتهای دول امر امکان وقوع آنرا مشکل مینمود بر فرض وقوع -- پس از مدتی تجربه و عمل -- با تحمل مضار و آفات مسامحه تاخیر مسئله توحید سبک و اسلوب اصلاحات بمراجعه بمبداء واحد فنی را مخصوصاً درباره ادارات مهمه الزام نمیکرد .

با توجه بنکات فوق و تحت نظر آوردن حقایق وضعیات داخلی و خارجی و مراجعه بدولت دیگر غیر از انگلستان علاوه بر آنکه باسوابق مساعدت و اطمینان قطعی که در ضمن مذاکرات از نظر مساعدت آندولت بحسن استقبال و آتیه ایران حاصل گردید . اقتضا نداشت شرط امکان و علنی بودن را نیز فاقد بود

بنا بر ملاحظات فوق هیئت دولت در ضمن ایفای وظایف روزانه و استقرار نظم و تهیه موجبات آسایش حال اهالی از نقطه نظر تعیین خط مشی سیاسی دولت و روشن کردن این تکلیف از مذاکره بادولت انگلستان در تامین آتیه مملکت خود داری ننمود . چندی از متار که جنک نگذشته بود که در این مسائل بطور کلی با اولیای دولت معظم لها مذاکرات بمیان آمد! و در این مذاکرات تمام شرایط اصلاح مملکت رعایت و در نتیجه تبادل نظریات و اقدامات که چندین ماه طول کشید قرار داد هائی با موافقت طرفین مقرر گردید .

البته برای تصمیم در عقد این قرارداد و خاتمه دوره بی تکلیفی علل و موجبات دیگری نیز موجود بود که اظهار و اعلام آن فعلا نیز خالی از اقتضا است و از باب فراست بامختصر تامل و توجهی بوضعیات بین الملل میتوانند آن حقایق را دریافته و تصمیمات دولت را تقدیر نمایند قسمتی از این حقایق مربوط بسیاست گذشته ایران در مدت امتداد جنک بود که سعی و کوشش نمایندگان دولت را در کنفرانس صاحب دچار موانع و اشکالات کرد و بالاخره باتمام مشکلات و ملاحظات فوق موفقیت در انجام این قرارداد ها حاصل گردید .

بطوریکه ملاحظه میشود در آنها دولت تامينات کافیه برای حفظ

حیثیات و استقلال و تمامیت ایران تحصیل نموده و استفاده از معلومات فنی متخصصین انگلیسی را با کمکهای مادی و مالی دیگر از قبیل اسلحه و مهمات بدون اینکه تکالیف دیگری قبول بنماید بدست آورد .

تغییر عهدنامه و تجدید نظر در تعرفه گمرکی برای اینکه عایدات در آتیه کفایت مصارف اصلاحات را نیز بنماید مسلم گردید - علاوه بر اینها بموجب مراسله و تعهدات رسمی جداگانه و تحصیل مساعدت دولت انگلستان برای موافقت با تقاضاهای مشروع مملکت در کنفرانس صاحب موفق گردیده است .

موفقیت دولت راجع به عضویت ایران در مجمع اتفاق ملل که علیحده محرز و مسلم است نیز يك وثیقه بین المللی مهمی برای استقلال و تمامیت ایران از نقطه نظر سیاست خارجی موجب اطمینان تام میباشند .

در ضمن از ذکر این نکته هم نباید خودداری نمایم که این قرار دادها بالذات هر شرط و تعهد مضری را فاقد و اصول و موجبات مسلمة سعادت و استقلال مملکت را داراست . لیکن بدیهی است شرط استفاده مملکت از آن بوسیله حسن استعمال و اجرای آن بدست اشخاص بصیر بوضعیات و مصالح مملکت است زیرا بهترین قراردادها و عهد نامها اگر مورد سوء استعمال شود و دست های آلوده یا نالایق مأمور اجرای آن گردند مضاری را در برداشته و فاقد منافع خواهد گردید و در چنین صورتی نقص و کمال قرار داد یا ضرر و نفع آن بالسویه خواهد بود و مملکتی که اشخاص واقف بمصالح وقت و قادر بر اجرای وظایف را فاقد باشد یا نخواهد بشناسد از هیچ قراردادی استفاده نخواهد کرد و بطریق اولی فقدان قرارداد و دوام بلا تکلیفی و

درماندگی هیچوقت از زوال و فناء آن جلوگیری نخواهد نمود .
 اینجانب همانطوری که تطبیق وضعیت حالیه را با سال گذشته و مقایسه
 عملیات دوازده ماهه موقتی خود را بمجا کمه و انصاف افکار عامه واگذار
 نمودم - در موضوع این موفقیت اساسی نیز وجدان پاک اشخاصی را
 که بسعادت حقیقی مملکت علاقه مند هستند و از اغراض جاهلانه و حسیات
 عوام فریبانه دورند . و حکم و تصدیق آنها از روی عقل سلیم و منظور
 داشتن حقایق است - حاکم قدر شناس و حقگذار قضیه قرار داده -
 امید و اوم نتایج حسنه این موفقیت منظور نظر حقشناس عموم اهالی
 مملکت بوده بهترین مز خدمات و فداکاریهای اینجانب که ظهور سعادت
 و آبادی حقیقی مملکت است هر چه زودتر مشهود گردد (وثوق الدوله)

قرار داد بین دولت انگلستان و دولت ایران

نظر بر روابط محکمه دوستی و مودت که از سابق بین دولتین
 ایران و انگلستان موجود بوده است - و نظر باعتقاد کامل باینکه مسالما منافع
 مشتر که اساسی هر دو دولت در آتیه تحکیم و تثبیت این روابط را برای
 طرفین الزام مینماید -

و نظر بلزوم تهیه وسایل ترقی و سعادت ایران بحد اعلی - بین
 دولت ایران از یک طرف و وزیر مختار اعلیه حضرت پادشاه انگلستان
 بنمایندگی از دولت خود از طرف دیگر مواد ذیل مقرر میگردد :

۱ - دولت انگلستان با قطعیت هر چه تمامتر تعهداتی را که مکرر
 در سابق برای احترام استقلال مطلق و تمامیت ایران نموده است
 تکرار مینماید ،

۲ - دولت انگلستان خدمات هر عده مستشار متخصص را که برای

لزوم استخدام آنها در ادارات مختلفه بین دولتين توافق حاصل گردد -
بخرج دولت ايران تهيه خواهد کرد .

این مستشارها با کتترات احير - و بآنها اختيارات متناسبه داده
خواهد شد ، کيفيت اين اختيارات بسته بتوافق بين دولت ايران و مستشار
ها خواهد بود .

۳ - دولت انگليس بخرج دولت ايران صاحبمنصبان و ذخاير
و مهمات سيستم جديدرا برای تشکيل قوه متحدالشکل که دولت ايران
ايجاد آنرا برای حفظ نظم در داخله و سرحدات در نظر دارد تهيه
خواهد کرد - عده و مقدار ضرورت صاحبمنصبان و ذخاير و مهمات
مزبور بتوسط کمسيونی که از متخصصين انگليسی و ايراني ، تشکيل
خواهد شد و احتياجات دولت را برای تشکيل قوه مزبور تشخيص خواهند
داد - معين خواهد شد ،

۴ - برای تهيه وسايل نقدي لازمه بجهت اصلاحات مذکور - در
ماده (۲) و (۳) اين قرارداد دولت انگلستان حاضر است که يك قرض
کافي برای دولت ايران تهيه و يا ترتيب انجام آنرا بدهد .

تضميناً اين قرض باتفاق نظر دولتين از عايدات گمرکات يا
عايدات ديگري که در اختيار دولت ايران باشد تأمين ميشود .

تامدتی که مذاکرات استقراض مذکور خاتمه نيافته دولت انگلستان
بمنظور مساعدده وجوهات لازمه که برای اصلاحات مذکوره لازم است ،
خواهد رسانيد .

۵ - دولت انگلستان باتصديق کامل احتياجات فوري دولت ايران
بترقي وسايل حمل و نقل که موجب تأمين و توسعه تجارت و جلوگيري

از قحطی در مملکت میباشد حاضر است که بادولت ایران موافقت نموده اقدامات مشترک که ایران و انگلیس را راجع بتأسیس خطوط آهن و یا اقسام دیگر وسایل نقلیه تشویق نماید .

در این باب باید قبلاً مراجعه بمتخصصین شده و توافق بین دولتین در طرحهایی که مهمتر و سهلتر و مفیدتر باشد حاصل شود .

۶ - دولتین توافق مینمایند در باب تعیین متخصصین طرفین برای تشکیل کمیته که تعرفه گمرکی را مراجعه و تجدید نظر نموده و بامنافع مملکتین و تمهید و توسعه وسایل ترقی آن تطبیق نمایند .
سواد مراسله ضمیمه قرارداد :

«جناب مستطاب اجل اشرف افخم؛ امیدوارم که حضرت اشرف در دوره زمامداری باموفقیت خودتان در امور مملکت ایران یقین کرده اید که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان همیشه سعی نموده است که آنچه در قوه دارد کابینه حضرت اشرف را برای اینکه از یکطرف اعاده نظم و امنیت را در داخله مملکت تکمیل و از طرف دیگر روابط صمیمانه بین دولتین ایران و انگلستان محفوظ باشد تقویت نماید .

برای ابراز جدید این احساسات که همواره مکنون خاطر کابینه لندن بوده است . من حالا ماذون هستم که بحضرت اشرف اطلاع بدهم که در موقع امضای قراردادی که مربوط بر فورمها ایست که کابینه حضرت اشرف اجرای آنرا در نظر گرفته اند . دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حاضر خواهند بود با دولت علیه ایران برای اجرای تقاضاهای ذیل موافقت نمایند :-

۱ - تجدید نظر در معاهدات حاضره بین دولتین

۲- جبران خسارات مادی وارده بر مملکت ایران بواسطه دول متخاصم دیگر .

۳- اصلاحات خطوط سرحدی ایران در تقاطیکه طرفین آنرا عادلانه تصور نمایند .

انتخاب ترتیب قطعی و زمان و وسایل مقتضیه تعقیب مقاصد فوق در اولین موقع امکان موضوع مذاکره بین دولتین خواهد گردید .
این موقع را برای اینکه احترامات فائقه خود را بحضرت اشرف تقدیم نمایم مغتنم می‌شمارم . (ب ، ز ، کا کس)

انتشار مواد قرارداد انگلیس و ایران باشدت اختلال روسیه و تمرکز افکار ضد استعمار بریطانی در حدود شمال ایران در داخل و خارج مملکت سوء اثر بخشیده ! از هر طرف غوغای مخالفت برپا و از هر سمت لوای هیاهو برافراشته شد !

مجاهدین گیلان و دسته میرزا کوچک خان که مدتی بود جنگل را مأمن خویش قرار داده و گاهگاهی دستبردی بقوای روسیه متوقف در آن حدود میزد - از هیجان عامه استفاده و پایتخت را مورد تهدید و تخویف قرار داد .

ملیون آذربایجان در تحت قیادت مرحوم شیخ محمد خیابانی در تبریز جنبش نموده و برای فلج کردن سیاست مرکزی بدسته بندی پرداخته بودند .
حرارت و ضدیت افراد ملیون مرکزی که مستقیم و غیر مستقیم کار شکنی میکردند - نیز ممد موضوع گردیده و راه اجرای عملی شدن قرارداد مذکور را مسدود و اصولا جریان قرارداد به بوتہ اجمال گذارده شد .

مخالفین کابینه نیز این مسئله را دست آویز نموده و برای تکمیل هیجان افراد حساس جمعی از مردمان متفرقه رادر مسجد شیخ عبدالحسین واقع در بازار پاچنار طهران به تهیه بساط روضه خوانی سیاسی و ادار بر علیه کابینه تبلیغات شدید میگردند ،

آقای وثوق الدوله رئیس الوزراء نیز از نظر مرعوب کردن افکار عامه - نسبت به جماعت مسجد سیاست خشن و سختگیری در پیش گرفته و امر کرد عنفاً شبانه چادر روضه را سرنگون و عده از سران مخالف کابینه را بکاشان و قزوین تبعید کردند .

آقایان مستشار الدوله - ممتاز الدوله - محترم السلطنه بکاشان اعزام و آقایان میرزا حسین خان عدل الملک داد گرومر حوم میرزا حسین خان صبا - مدیر روزنامه ستاره ایران و میرزا تقی خان نیش و جمعی دیگر را بقزوین کسبل داشتند .

برخی را نیز در پایتخت امر بتوقیف داده و حبس کردند باوجود تمام اینگونه تخویفات و جاب دستجات زیادی از عناصر گوناگون - معهداً جنبش و نهضت مسلحانه و معتدلانه مخالفین قرارداد تکان سختی بموقعیت داد و بواسطه علل سابق الذکر استقامت کابینه قرداد درهم شکسته و از مقام خود ساقط و کابینه آقای میرزا حسن خان مشیر الدوله زمام امور را بر کف گرفته بکار پرداخت و تائیک اندازه بان دوره پر شور و شور خاتمه داده شد .

فصل یازدهم

روزنامه نگاری در ایران

از قراریکه در تاریخ تمدن ضبط کرده اند تقریباً در هزار سال پیش در پکن پایتخت کشور آسمانی چین که تاریخ وقایع چندین هزار سال خود را بخوبی ضبط و ربط کرده اند روزنامه دولتی انتشار می یافته ولی بطوریکه تاریخ جدید نشان میدهد .

در ایران در دوره داریوش هیخامنشی همانطور که برای سهولت امر مدنیت و اجرای نفوذ مرکزیت در اطراف و اکناف مملکت را بایالاتی چند تقسیم نموده و هر ولایتی را به (ساتراپی) سپرده بودند . وجهه توزیع و تقسیم فرامین دولتی و مراسلات تجارتنی و عمومی ایجاد پستخانه کرده و در بلندیهای طول جاده مکانهائی برای نشان دادن راهها و مخابرات فوری بوسیله برافروختن آتش و نمایاندن شعله مهیا میساختند همینطور در تمام مراکز ساتراپ نشین وقایع نگاران از طرف شاهنشاه متوقف و موظف بودند کلیه وقایع و حوادث مهمه را یادداشت و بوسایل ممکنه بعرض ملوکانه برسانند . باوجود اعتراف و اذعان باینکه اثر ادغال اقام فرنگ آرین (هند و اروپائی است) و شرق مرکز تمدن قدیمه عالم بوده معهذا تعصب دانشمندان مغرب زمین چنین اقتضاء میکند که اختراع و کشف کلیه اصول تمدن را بجامعه مغرب اختصاص داده و شرق را از حیث رتبه مدنیت چه قدیم و چه جدیداً در درجه دوم قلمداد کنند

باحفريات و اكتشافات تاريخى كه در سنوات اخيره بعمل آمده
بتدريج حقايق مدنيت شرق طالع و صفحات جديدى در كتب تاريخ
معاصر تدوين شده و خواهد شد. خلاصه بطوريكه در دائرة المعارف قرن
نوزدهم (انسكلوپدى) فرانسه مينويسند.

رومياها از ديرزمانى بامر روزنامه معرفت داشته اند (اما ننگفته
اند كه اين معرفت از كجا براى آنان پيدا شده است) در بدو امر اين
مسئله خيالى محدود و مخصوص اربابانى بود كه در غيت خودشان غلام
هاى خود را مجبور ميكردند وقايع روزمره را براى آنان بنويسند.

بعدها در فرنگستان باهميت روزنامه نگارى برخورد و ابتدائى
ترين روزنامه كه برزخ بين وقايع نگارى خصوصى و بحث در گذارشات
عمومى بود در سنه ۱۵۷۷ ميلادى مطابق ۱۰۶۰ هجرى در فرانسه
منتشر گرديد. مرآت البلدان (در حقيقت ظهور و قوت نفوذ روزنامه را بايد
از سال ۱۷۸۹ تاريخ انقلاب كبير فرانسه دانست - جرايدى كه در موقع
انقلاب فرانسه پابعرضه بروز و ظهور گذاردند - عبارت بودند از روزنامه
پارىس (لوژورنال دوپارى) روزنامه انقلاب پارىس (رولوسيون دوپارى)
(لاگازت) و چند روزنامه ديگر.

در (لاروس) راجع بروزنامه مينگارند قبل از قرن هفدهم در
هولند و آلمان و بعضى ممالك ديگر نيز بتناوب جرايدى انتشار يافته و
پس از چندي افول نموده اند.

اساساً تاريخ روزنامه با كشمكشهاى دستجاني و اختلافات حزبي
توأم بوده و غالباً اولياء مطبوعات گرفتار شدت و سختيها شده و گاهى

نیز بر شدايد غلبه جسته و منويات خود را بروفق دلخواه بموقع اجرا گذارده اند .

در ايران ما هم مطبوعات بتناسب عده محدود خود از جزر و مد بي نصيب نمانده و هم تلفات داده و هم مقامات بلندی را در جامعه اشغال کرده اند .

با آنکه از بدو پيدایش تمدن جديد و ظهور روزنامه ييش از نیم قرن نگذشته و تقريباً شايد زياده از يكصد جريده يعنی روزنامه که اقلا يكسال بعمر خود مداومت داده باشد پا بمعرض افکار و مطالعه جماعت نگذاشته - مع هذا اولياء مطبوعات از زمامداری يا بالعکس فداکاری بی بهره نمانده و در طريق نهضت ايران جديد صف مقدم را احراز کرده اند .

چنانکه اشخاصی مانند ميرزا جهانگیر خان شیرازی مدير و محرر روزنامه انقلابی صوراسرافیل و مدير جريده (روح القدس) و متین السلطنه صاحب امتياز و ناشرنامه (عصر جديد) و رکن الاسلام مدير روزنامه (کوكب ايران) شربت ناگوار مرگ اجباری را چشیده و کسانی همچون مجد الاسلام کرمانی مدير جريده (ندای وطن) و ميرزا حسين خان صبا مؤسس (ستاره ايران) و امثالهم بحبس و تبعيد گرفتار و در راه آمال خویش مبتلا بانواع مشقات شده اند .

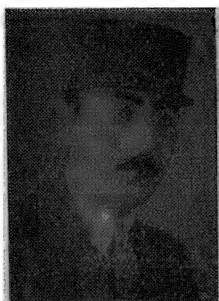
همچنين رجالی نامدار بذروه ارتقاء رسیده و خدماتی به نهضت ايران انجام داده اند .

آقایان ميرزا علی اکبر خان داور مدير روزنامه (مرد آزاد) سيد حسن تقی زاده نویسنده نامه (کاوه) سيدضياء الدين مدير روزنامه



(۳۴) آقای سید ضیاء الدین طباطبائی مدیر روزنامه رعد

(رعد) آقای سید محمد تدین مدیر جریده (صدای طهران) میرزا علیخان دشتی صاحب امتیاز و نویسنده روزنامه (شفق سرخ) میرزا زین العابدین خان رهنما مدیر روزنامه (ایران) و غیر هم هریک مقامات مهمی مانند ریاست وزراء، ریاست مجلس وزارت مالیه و عدلیه و نمایندگی دارالشورای ملی را اشغال نموده اند.



آقای میرزا علی اکبر خان داور
(مدیر روزنامه مردآزاد)

بالجماعه روزنامه نگاری یکی از شاهکارهای اصول تمدن جدید است - که میتوان آنرا قوه چهارم تمدن ملل خواند .

روزنامه خوب و متین که زائیده افکار عمومی باشد برای ملل بمنزله آئینه تمام نما و زبان گویای جامعه بوده و کانون شورای حقیقی معارف و ناشر علم و هنر بین اقوام متتمدن بشری محسوب میگردد . که درعالم تمدن کنونی جای هر قسم اساحه تعرضی و تدافعی را اشغال نموده و جنگ های سیاسی رجال نامدارعالم بوسیله این حربۀ برنده صورت میگردد

روزنامه کاوه منطبعه برلن در ضمن مقاله تحت عنوان (روزنامه نگاری) نوشته است «کلمه روزنامه و روزنامهچه از قرون اولیه اسلام در ایران مستعمل بوده و در کتب قدیم بنظر می آید .

چنانکه در کتاب (یتیمۃ الدهر) ثعالبی چندین جا « کلمه روزنامه و روزنامهچه را آورده - من جمله شرحی از کتاب روزنامهچه صاحب ابن عباد نقل میکند - خلاصه آنکه روزنامه در آن اوقات بمعنی شرح گذارش روزانه و یادداشت وقایع همه روزه بوده - ضمناً مینگارد - اولین روزنامه بزبان فارسی بترتیب امروزی روزنامه هفتگی (اخبار) در سنه ۱۲۱۲ هجری قمری در دهلی منتشر میشد)

آنچه در تفحص بنظر نگه‌دارنده رسیده است اولین روزنامه عمومی موسوم بروزنامه (وقایع اتفاقیه) در تاریخ ربیع الثانی ۱۲۶۷ هجری منتشر و این روزنامه بحکم و تشویق میرزاتقی خان امیر کبیر و مسئولیت حاج میرزا جبار انتشار یافته و در سنوات بعد روزنامه دیگری اخباری و مصور با چاپ سنگی بنام (دولت علیه ایران) بمدیریت ابوالحسن خان غفاری منتشر شده است .

بعدها کم که دایره مطبوعات وسعت یافته و در زمان وزارت علوم علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه چندین روزنامه دایر و در موقع تصدی محمد حسن خان اعتماد السلطنه روزنامه (ایران) با اسلوب محکمتر و جدی‌تر از آن منتشر و در همان اوان روزنامه علمی تربیت بریاست مرحوم فروغی در طهران منتشر و در تبریز مقر ولایت عهد و اصفهان حکومت نشین ظل السلطان نیز روزنامه هائی طلوع و افول کرده اند .

چنانکه ملاحظه شد ظهور و بروز روزنامه عمومی از اوایل سلطنت ناصرالدین شاه شروع و در آخر دوره ناصری و بدو سلطنت مظفری بر قدرت و نفوذ مطبوعات فارسی افزوده شد و واسطه نقل و انتقال مدنیت جدید شده اند - در همان نیم قرن اواخر ناصری

بود که حفته گی و خرابی و ضعف شرق عموماً و ایران خصوصاً باعث قیام عناصر حساس شرقی گردید و سید جمال الدین اسدآبادی (معروف بافغانی) نهضت و بیداری شرق را در تلو (اتحاد ملل اسلامی) تشخیص داده و برای تهییج طوایف مسلمانان - نامه شریفه (عروة الوثقی) را در زمینه دعوت باتحاد اسلام منتشر و بمعرض افکار مطالعه کنندگان گذارده و همچنین روزنامه (اختر) که در اسلامبول چاپ میشد خدمت مهمی به بیداری ایرانیان انجام داد،

برنس ماکم خان نیز از نظر ترویج قوانین مدنی جدید در نامه (قانون) معایب و اصلاح دستگاه اداری را وجهه نظر قرار داده و مقالات پر معنی جالب توجهی انتشار داده اند.

مؤید الاسلام نیز برای ایجاد نهضت فیما بین هموطنان ایرانی خود نامه پایدار (جبل المتین) را براه انداختند

روزنامه های حکمت و (چهره نما) و (شمس و باختر) قد بر افراشته و دنباله تنویر افکار فارسی زبانان را توسعه بخشیده اند. این دسته از جراید اخیر الذکر در ممالک فرانسه عثمانی و هند و مصر انتشار یافته و از راه دور شعاعیت خود را در آن اوقات بر روی محیط ایران خواب آلوده گسترده و خدماتی مهم بترقی ایران جدید کرده اند.

تبلیغات هادیان و فداکاران قوم در راه اخذ تمدن جدید اثر خود را بخشیده و همانطور که اعلان مشروطیت باعث و موجب پرورش و ظهور قوه ترقی طلبی افراد ملت گردیده و سبب بهار اجتماعات و تعدد انجمن و حزب و فرقه سیاسی شد همینطور دایرة انتشارات جراید و مجلات توسعه یافته و کاملاً از عهده ایفای وظایف تعالی و تکامل جوئی و بیداری هموطنان خود برآمده اند.

در زمینه اوضاع و مسلك جراید دوره اول دارااشورای ملی راپورت رسمی انگلیسی در جلد اول کتاب آبی چنین مینویسد (در وقت تأسیس مجلس و تجدد اوضاع دو روزنامه جدید در طهران ایجاد شده، یکی موسوم بروزنامه (مجلس) که مذاکرات مجلس شورای ملی را درج نموده و گاهی اوقات نیز مکتوبات و بعضی اخبار دیگری را مینویسد.

و یکی دیگر موسوم به (ندای وطن) که مدیر آنرا عین الدوله در موقع صدارت خویش بتقصیر پلتیکی در کلات نادری محبوس ساخت و این روزنامه مسلكش زبان ملی است.

در اصفهان دو روزنامه جدید بطبع میرسد و مخصوصاً بر ضد خارجه سخن میرانند، و همچنین در تبریز يك روزنامه دایر گردیده (۱) روزنامه مظفری که در بوشهر بطبع میرسد و مدتی توقیف شده بود در این وقت از توقیف بیرون آمده و دایر است،

از جمله جرایدی که در طهران شیوع دارد روزنامه (حبل المتين است) که در کلاکته بطبع میرسد. این روزنامه از زبان مات سخن می گوید، و گاهی از اوقات بر ضد خارجه مخصوصاً همیشه بر عایه انگلیس گفتگو میکند: در یکی از نمرات اخیر که بطهران رسیده است مقاله در تمجید حرکات تجدد طلبان در کمال اغراق مندرج بوده و در آن مقاله محرکین تأسیس بانک ملی را نجات دهنده ایران بیان نموده و چنین عنوان مینماید که:

«ایران بحالت جلالت وعظمت قدیمه خود عودت نموده است»

(۱) گویا مقصود روزنامه «شفق» باشد که بنگارش و مدیریت آقای دکتر رضازاده شفق انتشار می یافت و در نتیجه کودتای روسها از بین رفت.

بعد از اعلام فرمان مشروطیت و دایر شدن دارالشورای ملی روزنامه‌های زیادی بظهور آمدند ؛ و پس از بمباردمان مجلس از بی-ن رفتند مانند روزنامه‌های مجلس ندای وطن ، صور اسرافیل ، مساوات ، تمدن ، روح القدس ، شرافت ، آئینه غیب‌نما بمدیریت ملک المورخین ، پرورش ، اقبانوس ، اصناف ، ارشاد ، و غیره .

دراستبداد صغیر که روح ارتجاع طلبی و خودسری در بار باغشاه فوق العاده قوت داشت . نه تنها از انتشار و طبع مطبوعات عمومی و اجتماعات ملی که زائیده مشروطیت بود جلو گیری و ممانعت شد بلکه کاشیهای تازه کار جهة نمره بندی کوچه ها و خانه ها و دکا کین را افراد سرباز سیلاخوری و سواران قراچه داغی و لوطیهای محلات طهران بعنوان یادگار مشروطه و مخالف شریعت «ما دین نبی خواهیم - مشروطه نمیخواهیم» گویان خورد نموده و شکستند . آثاری که از جراید ملی باقی مانده بود از بین برده و اوراق بی سر و تهی بود که در تحت نقاب حمایت از دین منتشر شده و شرایع را و ارونه تعبیر میکردند .

در دوره دوم مجلس شورای ملی مجدداً بازار مطبوعات ملی با رونق شد و نشریات عمومی صورت بهتری بخود گرفت . جراید طریق تکامل در پیش گرفته و هر یک باسبک مخصوص و بامسلك خاصی شروع با انتشار نمودند .

چنانکه دموکراتها روزنامه (ایران نو) را تأسیس و جمعیت اعتدالیون جریده (شوری) و حزب (اتفاق و ترقی شرق) نامه میانه رو (استقلال

ایران) را بمعرض انتشار گذاردند. بعد از انحلال دوره دوم مجلس و کودتای معتدل ناصرالملک نیز بازار مطبوعات از رونق افتاد و چندی در محاق توقف بود.

بعد از افتتاح دوره سوم دارالشورای ملی مطبوعات نیز از حالت خمودگی خارج و جراید نوی همچون (بامداد روشن) جارچی ملت و غیره بر تعداد جراید افزود.

پس از انحلال دوره سوم تا افتتاح دوره چهارم مجلس فترتی طولانی روی داد و در این فترت که قریب ده سال طول کشید وقایع و حوادث عمده در وطن ماجریان داشته ولی بالتیجه عاقبت بخیر گردید بالمآل مطبوعات نضج گرفته و تحولاتی که حاکی از رشد اجتماعی میباشد در طرز توزیع و انتشار و ظواهر جراید و مجلات صورت پذیر شد.

بایک نظر به تحولات این دوره یعنی از سنه ۱۳۳۰ الی ۱۳۴۰ هجری قمری که دوره بلوغ شمرده میشود ملاحظه میگردد که مطبوعات عمومی از طرفی بسوی تکامل رهسپار شده و از جهتی در ننگارشات جراید جنبه ملیت و مصالح عمومی ضعیف گردیده و غالباً منافع فردی مورد توجه بوده است با وجود نظریه فوق خوشبختانه در این ایام فترت بطوری که ننگارش رفت بر عده مطابع افزوده و مطبوعات عامل ذی نفوذ در سیاست عمومی شده و درغیاب مجلس شورای ملی خدمات لایقی بافکار عمومی کرده اند.

بعض جراید و مجلات منتشره آن دوره عبارتست از روزنامه‌های (ایران (ستاره ایران) (عصر جدید) (رعد) (شرق) و (برق) (کوکب

ایران (نوبهار) (شفق سرخ) (ایران آزاد) (وطن) (عصر انقلاب)
 (گلشن) (حلاج) (صدای طهران) (زبان آزاد) (صدای ایران) (میهن)
 (بهارستان) (حیوة جاوید) (کار) (حقیقت) (مرد آزاد) (قانون) (رهنما)
 (شمس) و (بدر) و (جنت) و (توفیق) (نسیم شمال) گل زرد، و زنبور؛ و غیره.
 در ولایات نیز جراید خوبی انتشار یافته: همچون راه نجات
 و اخگر و عرفان در اصفهان، بهار و مهر منیر و استقامت و چمن و
 آزادی در مشهد،

گلستان و عصر آزادی و استخر و تخت جمشید و بهار آزادی
 در شیراز،

پرورش و فکر جوان و ندای گیلان و ترغیب و معیشت ملی در رشت.
 تبریز و سهند و عنکبوت و شاهین در تبریز، بطوریکه سابقاً
 اشارت رفت - فترت طولانی و بهم خوردگی اوضاع مسبب تغییرات
 گوناگون در طرز خط مشی احزاب شده و دستهای نا پاکی برای
 خراب کردن حیثیات فرق سیاسی کوشیدند، از همین روی برای
 بی اعتبار نمودن مطبوعات نوزاد ملی عناصر ذینفع دخالتهای مؤثری
 نموده و باعث ظهور فساد در جامعه معارف وطن گردیدند. با وجود
 اینگونه اعمال غرضهای مزورانه معهدا دامن مطبوعات ملی بطور کلی
 از لوث روش مخالف ملیت و استقلال کامل ممالک مبرا و با همین رویه
 بعمر متناوب مداومت داده و دنباله رشد خود را وسعت داده و میدهند.

بعد از انحلال کابینه نود روزه سید ضیاءالدین طباطبائی و تشکیل
 هیئت وزراء امیرزا احمد خان قوام السلطنه علاوه بر رفع توقیف از جراید

گاشن ؛ خلاج ، ستاره ایران ، روزنامه‌های دیگری نیز رونق بخش بازار معارف شده‌اند. مانند جراید (ناهید) (کوشش) (اتحاد) (شهاب) (قرن بیستم) (پرتو) (سیاست) (طوفان) (آسیای وسطی) (اقدام) (فریاد) (سیاست اسلام) و غیره.

دنباله توسعه انتشارات جریان داشت تا دوره چهارم مجلس شورای که آن دوره را نیز میتوان دوره بحران مطبوعات نامید. برای آنکه چون عوامل مؤثر سیاسی داخلی و خارجی و اشخاص متنفذ ذی غرض - پی به اهمیت نشریات عمومی در افکار عامه برده بودند هر يك در صدد برآمدند قسمتی از جراید را آلت اغراض و خیالات خود قرار داده و استفاده بر وفق دل خواه بنمایند.

از این نظر مردمان گمنام را با تقویدهای مادی و معنوی داخل در صنف مطبوعات نموده آبرا برای نتیجه منظوره گل آلود و ضمناً تبلیغات شدیدی برای اطمینان بحیثیات مطبوعات در انظار عمومی مینمودند. چنانکه همان اشخاص که ذکر نامشان خارج از رویه این تاریخ است در اوراق منتشره بی هویت صفحاتی را از فحاشی سیاه نموده و انتشار میدادند و صبح روز انتشار همان نگارشات یاوه را که زاده اغراض فحاشی بود برخ مردم از همه جا بیخبر کشیده و میگفتند (به بینید جراید فحاشی میکنند) مثلاً شخصی را که سابقه مشكوك داشت و برطبق قانون مطبوعات فاقد صلاحیت بود غیر مستقیم تقویت بخشوده عناصر معلوم الحال با عناوین مختلفه بعنوان (اتحادیه جراید) بدیوار نصب و دیگران در زیر نقاب روزنامه مسلك فحاشی را ترویج میکردند و اعمال فساد برای بی اثر گذاردن نشریات ملی باعث اینگونه

رفتار زشت شده و برخلاف قانون و نظامات سوءاستفاده از معارف نموده و مرتکب این نوع حرکات نفرت آور میگردیدند ،

بالجمله بطوریکه در باب احزاب و فرق اجتماعات سیاسی ملاحظه کردیم - که احزاب و فرق بدو صرف از نظر مسلک و آزادی ایجاد شده بودند و کارکنان ارتجاع دخالت نموده و موجبات بی اعتباری انجمن ها را با دستهای ناپاک فراهم داشتند . راجع بمطبوعات هم باید گفت - روزنامه های ملی باجدیت و روح پاک برای خدمت بجامعه انتشار یافتند ولی عناصریکه از مطبوعات رنجیده بودند موجب هرج و مرج مطبوعات شده و این پریشانی که ریشه آن در بین دستجات نمایندگان دوره چهارم - روئیده بود* تا نهضت جمهوری و دوره سوم حکومت نظامی ادامه پیدا کرده بود

خلاصه با برقرار شدن حکومت نظامی جراید سرکش در تحت سانسور قرار گرفته و سانسور مطبوعات نیز نافع واقع شد . برای آنکه هویت جراید در تحت نظر گرفته شد و بالطبع عناصر مغرض از مداخله در مطبوعات برکنار و او را یککه از نظربیشرفت

از بدو پیدایش مشروطیت تا حال نگارش این تاریخ در طهران و پایتخت سه مرتبه حکومت نظامی اعلام و مقررات آن با کمی اختلاف بموقع اجرا گذارده شده است .

مرتبه اول در دوره کابینه نجفقلی خان صمصام السلطنه بختیاری ۱۳۳۶ هجری قمری .

مرتبه دوم در کودتای ۱۲۹۹ شمسی و مرتبه سوم بواسطه قتل فونسول آمریکا و چراغانی و سقاخانه بازی سیاسی از طرف مخالفین تجدد اوضاع در سنه ۱۳۰۴ شمسی)

اغراض اشخاص منتشر میشدند یکی بعد از دیگری افول نموده و ازین رفتند و در وضعیات مطبوعات تعادلی ایجاد شده علاوه بر جرایدیکه باقی ماندند روزنامه‌های دیگری نیز از افق معارف طالع شدند .

مانند جراید (اطلاعات) (حصار عدل) (تجدد ایران) (آزادگان) (آینده ایران) (آئینه ایران) (اوقات) مسأله دو طهران (بزبان فرانسه) (ستاره جهان) و غیره و برای تمرکز اخبار و توزیع آن بین جراید در سنه ۱۳۴۱ شمسی مؤسسه موسوم به (مرکز اطلاعات) در تحت نظر میرزا علی اکبر خان سلیمی دائر شده بود که سالها بمطبوعات ملی خدمت کرده اند

علاوه بر مجلات ادبی بهار و ارمان و دانشکده در سنوات اخیره نیز مجلات رسمی و غیر رسمی و سالنامه‌های قابل توجهی نشر یافته که از هر حیث مورد دقت و شایان تشویق و تمجید بوده اند که برخی تعطیل و اکثر در حال تکامل است (گاهنامه بمدیریت آقای سید جلال الدین طهرانی) (تقویم پارس) بمسئولیت آقای امیر جاهد سالنامه معارف بمدیریت آقای میرزا علی اصغر خان حکمت مجلات ملی (آینده) دکتر افشار (تقدم) آقایان فرامرزی و اخیراً (مهر) در تحت سرپرستی میرزا مجید خان مقرر .

مجلات رسمی (تعلیم و تربیت) در تحت توجه آقای میرزا علی اصغر خان حکمت .

(بلدیه) بمدیریت میرزا مهدی خان مافی .

(نظمیه) سرهنگ فضل الله خان بهرامی .

(عدلیه) عالی خان صادقی مجله (قشون) . (پست و تلگراف) (فلاحت)

(گمرکات) (اطاق تجارت) (مذاکرات مشروح مجلس شورای ملی) .

از بدو پیدایش روزنامه بمعنی امروزه مطبوعات ملی تاکنون سه دوره متمایز را بعقیده نگارنده طی و فعلا در حال رشد و تکامل قدم میزنند .

اول - دوره تحول و ترقی و بروز و ظهور آمال ملی در زمینه تجدد و آزادیخواهی و استقلال طلبی .

دوم - دوره بحران و تصادم منافع فردی و اجتماعی .

سوم - دوره رشد و بردباری؛ خلاصه در هر سه دوره - مطبوعات نوزاد فارسی با عدم تجربه و وسایل لازمه بخوبی از عهده انجام وظایف رهنمائی جامعه برآمده و در عصر تحول و تطوّر مدنیت غربی و شرقی . پیش آهنگ قافله اتخاذ تمدن فنی و علمی فرنگ و مظهر کامل احساسات و افکار طبقه منور مملکت بوده اند .

در پایان فصل تاریخچه مختصر مطبوعات فارسی ایران اسامی اشخاصیکه توانسته اند تا حال تحریر بخدمات خود در طریق روزنامه نگاری ادامه داده و اقلا یک قرن کوچک (دهسال) ناشر روزنامه یومیه میباشند مینگاریم . تا ضبط دفتر ایام گشته و بعنوان یادگار باقی بماند شاید مورخین بعد را حاجت اقتد ، انشاء الله در جلد دوم (ایران جدید) بطور تفصیل از عهده انجام وظیفه نسبت بعموم اهل قلم بقدر مقدور برایم با کسانیکه رشته خدمت هدایت قامی را از کف رها نکرده و تا حال نگارش بانجام وظیفه اشتغال دارند .

میرزا علیخان دشتی صاحب امتیاز و مؤسس روزنامه شفق سرخ

علاوه بر معلومات قدیمه از زبانهای عربی و فرانسه بهره‌ور و کمیت نفیسی از حیث ترجمه و تألیف (ایام محبس - اعتماد بنفس - سر تقدم انسلیس) از خود بیاد گمار گذارده و چند مرتبه بنمایندگی دارالشورای ملی برگزیده شده‌اند.

میرزا زین العابدین خان رهنما صاحب و مدیر روزنامه ایران دارای اطلاعات لازمه و آشنا بزبان فرانسه و عربی عضو مجلس شورای ملی و در طریق تکامل و ترقی روزنامه ایران لیاقت و فطانت مخصوص نشان داده‌اند.

میرزا یدالله خان مایل توپسرکانی مدیر فعّالی روزنامه شفق سرخ در خدمت بمطبوعات ملی شایق و در علوم اسلامی و فلسفه قدیم و جدید و در ادبیات عربی و فرانسه ماهر.

میرزا ابوالقاسم خان اعتصام زاده صاحب و مدیر روزنامه ستاره جهان از روابط بین الملل با اطلاع و در فنون ادبیات فرانسه استاد.

امیر رضوانی صاحب و مدیر جریده گلشن شاعر و ادیب و قریب بیست سال در عالم مطبوعات ملی بذل جهد کرده‌اند. سید محمد طباطبائی مدیر تجدد و اجد معلومات نویسندگی و میرزا عباس خان مسعودی صاحب و مدیر روزنامه اطلاعات جوانی با اطلاع و عاشق اصلاحات و در اداره کردن روزنامه یومیّه اطلاعات نهایت استعداد را نشان داده‌اند.

میرزا شکرالله خان صفوی صاحب و مدیر روزنامه کوشش در طریق عمل ساعی و زبان روسی را بخوبی میدانند.

. از نظر اینکه نگارنده قریب هفده سال در خدمت بمطبوعات

ملی عمر بسر برده ام سزاوار چنان بود که بیش از اینها در زمینه و تاریخ مفصل مطبوعات فارسی را با تقلد آثار و تراجم احوال کلمبه نویسندگان و ادبای مطبوعات سخن رانده عصر حاضر را برشته تحریر در آورم تا از عهده وظایف خود راجع به اساتید اهل قلم و آنانی که در طریق معارف و مطبوعات ملی عالمانه و باخاوض نیت گام زده اند بر آمده باشم ولی چون پایه نگارش تاریخ مختصر نهضت ایران بر روی اختصار گذارده شد برای این سطور تدوین کتاب دیگری نیز در نظر است . امیدوارم اساتید معظم عذر موجه نگارنده را پذیرفته و از دعای خیر فراموش نفرمایند ،



فصل دوازدهم

اوضاع قبل از کودتای ۱۲۹۹ هجری شمسی

بطوریکه سابقاً شرح و توضیح آن داده شد، کابینه میرزا حسن خان وثوق الدوله در اثر تیره گئی وضعیات از کار کناره گرفته و میرزا حسن خان مشیرالدوله زمامدار امور گردیده و بعمل پرداخت. بعد از انحلال هیئت وزراء قرارداد - اوضاع از همه جهت متشنج و راه چاره از هر طریق مسدود و مشکلات گوناگون پیاپی در حال بروز و ظهور بودند.

وضع طهران در آن اوقات آشفته و درهم و احساسات مایون - در نتیجه قرارداد ۱۹۱۹ در هیجان و افکار عمومی در بحران بود. کار برهم خورد گئی وضعیات بایتخت بجائی کشید که برخی از مؤسسات اقتصادی انگلیسی متوقف در مر کر نسبت به پیش آمد نگران شده و بانک شاهنشاهی ایران اعلانی انتشار داده و خبر انتقال مرکز بانک را از طهران باصفهان در روزنامه ایران منتشر کرد. ۱۹۲۱ میلادی قوای نامنظم معروف بجنگ گلیها که در گیلان تحت ریاست میرزا کوچک خان آراسته شده بودند وضعیات را بحال خود مساعد دیده و تا کوههای رودبار قزوین و برغان پیش آمده و بایتخت را تهدید مینمودند. بقول شخص مطلع و موثق توسط حاج سید محمد سلطان العلماء ساوجبی بوسیله ناصرالدین میرزا باحمد میرزا پیغام فرستادند که [قوای

جنگل برای تصفیه مرکز بطرف طهران حرکت نمود [تجاسر جنگلیها کابینه مشیرالدوله را وادار بجلو گیری از قوای متجاسرین نموده وعده از بریگاد قزاق را در تحت فرماندهی صاحب منصب روسی (استراسوسکی) تجهیز و جهت جلو گیری و ممانعت از قوای متجاسر و مهاجم بطرف مازندران و گیلان سوق و برای تحکیم مرکزیت بفکرایجاد و تأسیس دوره چهارم دارالشورای ملی برآمده و در اطراف انتخابات نمایندگان که در دوره وثوق الدوله بعمل آمده بود بمطالعات پرداخت. هنوز نتیجه از نظریات خود نگرفته بودند که هجوم مشکلات خارجی و داخلی معظم له را بکناره گیری وادار و فتح الله خان اکبر سپهدار رشتی عهده دار تشکیل کابینه گردیده و بعمل پرداخت.

در کابینه سپهدار معاهده مودت ایران و روس که مبطل معاهده ترکمانچای و سایر معاهدات دوره تزاری و موجب شناسائی رژیم جدید گردید از طرف دولت اتحاد جماهیر شوروی توسط عالی قلی خان انصاری سفیر فوق العاده ایران در مسکو بکابینه سپهدار پیشنهاد گردید- ۱۹۲۱ میلادی- و از طرف رئیس الوزراء جلسه شورای عالی مرکزباز نمایندگان سابق و لاحق حاضر در مرکز ادوار سه گانه مجلس شورای ملی واعیان و رجال و معاریف پایتخت از قبیل- مشیرالدوله- مؤتمن الملک- مستوفی الممالک- ممتاز الملک- مهتاز الدوله- حکیم الملک- مستشار الدوله و غیره در دربار گداستان تشکیل و در آن مجلس موضوع شناسائی روسیه جدید و معاهده پیشنهاد شده مطرح و باتفاق آراء مورد تصویب واقع گردیده و پایه روابط فعلی ایران و ممالک اتحاد جماهیر شوروی بر روی

آن معاهده گذارده شد - روابط سیاسی و اقتصادی که چندی تعطیل بود بجزریان افتاد که ذیلاً برای تکمیل اطلاعات خوانندگان مبادرت بدرج مینمائیم ،

عهدنامه مزبور در بیست و سوم آبان ۱۳۰۰ هجری شمسی بتصویب مجلس شورای ملی ایران رسیده است .

متن عهدنامه

چون دولت ایران از يك طرف و دولت جمهوری اتحادی اشتراکی شوروی روسیه از طرف دیگر نهایت درجه مایل بودند که روابط محکم و حسنه همجواری و برادری در آتیه مابین ملتین ایران و روس برقرار باشد لهذا مصمم شدند که داخل مذاکره در این باب شده و برای این مقصود اشخاص ذیل را وکلای مختار خود نمودند .

از طرف دولت ایران علیقلی خان مشاور الممالک از طرف دولت جمهوری اتحادی اشتراکی شوروی روسیه گدارگی و اسیلیویچ چیچرین و اومیخائیلویچ کاراخان

وکلای مختار مزبور پس از ارائه اعتبار نامه های خود که موافق قاعده و ترتیبات مقتضیه بوده در آنچه ذیلاً ذکر میشود توافق نظر حاصل نمودند .

فصل اول

دولت شوروی روسیه مطابق بیانیه های خود راجع بمبانی سیاست روسیه نسبت بملت ایران مندرجه در مراسلات ۱۴ یانوار ۱۹۱۸ و ۲۶ ایون ۱۹۱۹ یکمرتبه دیگر رسماً اعلان مینماید که از سیاست جابرانه که دولت های

مستعمراتی روسیه که باراده کارگران و دهاقین این مملکت سرنگون شدند نسبت بایران تعقیب مینمودند قطعاً صرف نظر مینماید. نظر بآنچه گفته شد و با اشتیاق باین که ملت ایران مستقل و سعادتمند شده و بتواند آزادانه در دارائی خود تصرفات لازمه را بنماید دولت شوروی روسیه تمام معاهدات و مقاولات و قراردادها را که دولت تزاری روسیه با ایران منعقد نموده و حقوق ملت ایران را تضییع مینمود ملغی و از درجه اعتبار ساقط شده اعلان مینماید.

فصل دوم

دولت شوروی روسیه از سیاست دولت های روسیه تزاری که بدون رضایت ملل آسیا و به بهانه تأمین استقلال ملل مزبور با سائر ممالک اروپا در باب مشرق معاهداتی منعقد مینمودند که بالنتیجه منجر باستملاک آن میگردد اظهار تنفر مینماید.

این سیاست جنایت کارانه را که نه تنها استقلال ممالک آسیا را منهدم می نمود بلکه ملل زنده مشرق را طعمه حرص غارتگران اروپائی و تعدیات مرتب آنها قرار میداد دولت شوروی روسیه بدون هیچ شرطی نقی مینماید - نظر بآنچه گفته شد و مطابق اصول مذکوره در فصل اول و چهارم این معاهده دولت شوروی روسیه استکاف خود را از مشارکت در هر نوع اقدامیکه منجر به تضعیف و محفوظ نماندن سیادت ایران بشود اعلان نموده و کلیه معاهدات و قرار دادهائی را که دولت سابق روسیه با ممالک ثالثی بضرر ایران و راجع به آن منعقد نموده است ملغی و از درجه اعتبار ساقط می داند.

فصل سوم

دولتین معظمتین متعاهدتین رضایت میدهند که سرحد مابین ایران و روسیه را مطابق کمیسیون سرحدی ۱۸۸۱ تصدیق و رعایت نمایند ضمناً بواسطه عدم میلی که دولت شوروی روسیه از استفاده از نمره سیاست غاصبانه دولت تزاری سابق روسیه دارد از انتقاع از جزائر عاشوراده و جزائر دیگری که در سواحل ولایت استراباد و ایران واقع میباشند صرف نظر کرده و همچنین قریه فیروزه را با اراضی مجاوره آن که مطابق قرارداد ۲۸ مای ۱۸۹۳ از طرف ایران بروسیه انتقال داده شده است بایران مسترد میدارد.

دولت ایران از طرف خود رضایت میدهد که شهر سرخس معروف بسرخس روس یا سرخس کهنه با اراضی مجاور آن که منتهی به رودخانه سرخس میشود در تصرف روسیه باقی بماند.

طرفین معظمتین متعاهدتین با حقوق مساوی از رودخانه اترك و سایر رودخانه ها و آب های سرحدی بهره مند خواهند شد و ضمناً برای تنظیم قطعی مسئله انتفاع از آب های سرحدی و برای حل کلیه مسائل متنازع فیهای سرحدی و ارضی يك کمیسیون مرکب از نمایندگان ایران و روسیه معین خواهد شد.

فصل چهارم

با تصدیق اینکه هر يك از ملل حق دارد مقدرات سیاسی خود را بلامانع و آزادانه حل نماید هر يك از طرفین معظمتین متعاهدتین از مداخله در امور داخلی طرف مقابل صرف نظر کرده و جداً خود داری خواهند نمود.

فصل پنجم

طرفین معظمتین متعاهدتین تقبل مینمایند که :

۱ - از ترکیب و یا توقف تشکیلات و یا دستجات (گروپها) بهر اسم که نامیده شوند و یا اشخاص منفرد که مقصود تشکیلات و اشخاص مزبور مبارزه با ایران و روسیه و همچنین با ممالک متحده روسیه باشد در خاک خود ممانعت نمایند .

و همچنین از گرفتن افراد قشونی و یا تجهیزات نقرات برای صفوف قشون و یا قواء مسلحه تشکیلات مزبوره در خاک خود ممانعت نمایند .
۲ - بکلیه ممالک و یا تشکیلات قطع نظر از اسم آن تشکیلات که مقصودشان مبارزه با متعاهد معظم باشد نباید اجازه داده شود که بخاک هریک از طرفین معظمتین متعاهدتین تمام آنچه را که ممکن است بر ضد متعاهد دیگر استعمال شود و آوردن موده یا عبور دهند .

۳ - باتمام وسایلی که بآن دسترس باشد از توقف قشون و یا قواء مسلحه مملکت ثالث دیگری در صورتیکه احتمال برود توقف قواء مزبوره باعث تهدید سرحدات و یا منافع و یا امنیت متعاهد معظم دیگر می شود نباید در خاک خود و متحدین خود ممانعت نمایند .

فصل ششم

طرفین معظمتین متعاهدتین موافقت حاصل کردند که هرگاه ممالک ثالثی بخواهند بوسیله دخالت مسلحه سیاست غاصبانها را در خاک ایران مجری دارند با خاک ایران را مرکز حملات نظامی بر ضد روسیه قرار دهند و اگر ضمناً خطری سرحدات دولت جمهوری اتحادی شوروی روسیه یا متحدین آنرا تهدید نماید و اگر حکومت ایران پس

از اخطار دولت شوروی روسیه خود را می‌تواند این خطر را رفع نماید؛ دولت شوروی حق خواهد داشت قشون خود را بخاک ایران وارد نماید تا اینکه برای دفاع از خود اقدامات لازمه نظامی را بعمل آورد دولت شوروی روسیه متعهد است که پس از رفع خطر بلاد رنگ قشون خود را از حدود ایران خارج نماید.

فصل هفتم

نظر باینکه ملاحظات مذکوره در فصل شش می‌توانند هم چنین در باب امنیت در بحر خزر مورد پیدا نمایند؛ لهذا طرفین معظمین متعاهدین موافق هستند که اگر در جزء افراد بحریه ایران اشباع دولتی ثالثی باشد که از بودن خود در بحریه ایران برای تعقیب مقاصد خصمانه نسبت بروسیه استفاده نمایند. دولت شوروی روسیه حق خواهد داشت که انفصال عناصر مضره مزبوره را از دولت ایران بخواهد.

فصل هشتم

دولت شوروی روسیه انصراف قطعی خود را از سیاست اقتصادی که حکومت تزاری روسیه در شرق تعقیب می‌نمود و بدولت ایران نیاز نقطه نظر توسعه اقتصادی و ترقی مات ایران بلکه برای اسارت سیاسی ایران پول میداد اعلان می‌نماید.

بنا بر این دولت شوروی روسیه از هر نوع حقوق خود نسبت بقروضی که دولت تزاری بایران داده است، صرف نظر کرده و این گونه استقراضها را نسخ شده و غیر قابل تادیه می‌شمارد. همچنین دولت شوروی روسیه از تمام تقاضاهای واجبع بانقاج از

عواید مملکتی ایران که وثیقه استقراضهای مذکوره بودند صرف نظر مینماید.

فصل نهم

دولت شوروی روسیه نظر باعلان نفی سیاست مستعمراتی سرمایه داری که باعث بدبختیها و خونریزیهای بیشمار بوده و میباشد از انتفاع از کارهای اقتصادی روسیه تزاری که قصد از آنها اسارت اقتصادی ایران بود صرف نظر مینماید.

بنابراین دولت شوروی روسیه تمام نقدینه و اشیاء قیمتی و کلیه مطالبات و بدهی بانک استقراضی ایران را و همچنین کلیه دارائی منقول و غیر منقول بانک مزبور را در خاک ایران بملکیت کامل مات ایران واگذار مینماید.

توضیح آنکه در شهرهائی که مقرر است قونسولگریهای روسیه تأسیس شوند و در آنجا هاخانهای متعلقه بپانگ استقراضی ایران وجود داشته و مطابق همین فصل نه که منتقل بدولت ایران میشود دولت ایران رضایت میدهد که یکی از آن خانها را مجاناً برای استفاده مطابق انتخاب دولت شوروی روسیه برای محل قونسولگری روسیه واگذار نماید.

فصل دهم

دولت شوروی روسیه کوشش سیاست مستعمراتی دنیا را که در ساختن راه ها و کشیدن خطوط تلگراف در ممالک غیر برای تأمین نفوذ نظامی خود بر توسعه تمدن ملل ترجیح میدهد نفی کرده و ملایم است که وسایل مراودات و مخابرات که برای استقلال و تکمیل تمدن

هر ملتی لزوم حیاتی دارد. با اختیار خود ملت ایران را وا گذارده شود و ضمنا هم بقدر امکان خسارات وارده بایران بواسطه قشون دولت تزاری چیران شود لهذا دولت شوروی روسیه، مؤسسات روسی ذیل را بلاعوض بملکیت قطعی ملت ایران واگذار مینماید.

۱- راه های شسه از انزلی بطهران و از قزوین بهمدان باتمام اراضی و ابنیه و اثاثیه متعلق بر اهرهای مذکوره

ب- خطوط راه آهن از جلفا به تبریز و از صوفیان بندریاچه ارومیه باتمام ابنیه و وسائل نقلیه و متعلقات دیگر

ت- اسکله ها و انبارهای مال التجاره و کشتی های بخاری و کرجیها و کلیه وسائل نقلیه در دریاچه ارومی باتمام متعلقات آنها

ث- تمام خطوط تلگرافی و تلفونی باتمام متعلقات و ابنیه و اثاثیه که در حدود ایران بتوسط دولت سابق تزاری ساخته شده است.

ج- بندر انزلی (پرت) با انبارهای مال التجاره و کارخانه چراغ برق و سایر ابنیه.

فصل یازدهم

نظر باینکه مطابق اصول بیان شده در فصل اول این عهدنامه منعقد در ۱۰ فورال ۱۸۲۸ مابین ایران و روسیه در ترکمن چای نیز که فصل ۸ آن حق داشتن بحریه را در بحر خزر از ایران سلب نموده بود از درجه اعتبار ساقط است لهذا طرفین معظمین متعاهدین رضایت میدهند که از زمان امضاء این معاهده هر دو بالسویه حق کشتی رانی آزاد را در زیر بیرق های خود در بحر خزر داشته باشند.

فصل دوازدهم

دولت شوروی روسیه پس از آنکه رسماً از استفاده از فواید اقتصادی که مبتنی بر تفوق نظامی بوده صرف نظر نمود اعلان مینماید که علاوه بر آنچه در فصول (۹) و (۱۰) ذکر شد سایر امتیازات نیز که دولت سابق تزاری عفاً برای خود و اتباع خود از دولت ایران گرفته بود از درجه اعتبار ساقط میباشند.

دولت شوروی روسیه از زمان امضاء این عهدنامه تمام امتیازات مذکوره را اعم از آنکه بموقع اجرا گذارده شده باشند و یا گذارده نشده باشند و متمم اراضی را که بواسطه آن امتیازات تحصیل شده اند بدولت ایران که نماینده ملت ایران است واگذار مینماید. از اراضی و مایملکی که در ایران متعلق بدولت تزاری سابق بوده محوطه سفارت روس در طهران و در زرگنده با تمام ابنیه و اثاثیه موجوده در آنها و همچنین محوطها و ابنیه و اثاثیه جنرال قونسولگریها و قونسولگریها و ویس قونسولگری های سابق روسیه در ایران در تصرف روسیه باقی میماند.

توضیح آنکه دولت شوروی روسیه از حق اداره کردن قریه زرگنده که متعلق بدولت سابق تزاری بود صرف نظر مینماید.

فصل سیزدهم

دولت ایران از طرف خود وعده میدهد که امتیازات و مایملکی را که مطابق این عهدنامه بایران مسترد شده است بنصرف و اختیار و استفاده هیچ دولت ثالث و اتباع دولت ثالثی واگذار ننموده و تمام حقوق مذکوره را برای رفاه ملت ایران محفوظ بدارد.

فصل چهاردهم

با تصدیق اهمیت شیلات سواحل بحر خزر برای اعاشه روسیه دولت ایران پس از انقضاء اعتبار قانونی تقبلات فعلی خود نسبت بشیلات مزبوره حاضر است که با اداره ارزاق جمهوریت اتحادی اشتراکی شوروی روسیه قراردادی در باب صید ماهی با شرایط خاصی که تا آن زمان معین خواهد شد منعقد نماید.

همچنین دولت ایران حاضر است که با دولت شوروی روسیه داخل مطالعه و سائلی که حالیه نیز تارسیدن موقع شرایط مذکوره در فوق امکان رساندن مواد شیلات مزبوره را بروسیه در نظر ادارات ارزاق جمهوری اشتراکی روسیه تأمین بنماید بشود.

فصل پانزدهم

دولت شوروی روسیه نظر باصول اعلام شده خود در باب آزادی عقاید مذهبی مایل است به تبلیغات مذهبی که مقصود باطنی از آن اعمال نفوذ سیاسی در توده مردم و کمک به دسایس سبغانه تزاری بوده در، المک اسلامی خاتمه دهد،

بنابر این دولت شوروی روسیه انحلال تمام هیئتهای روحانی را که در ایران دولت سابق تزاری تأسیس کرده بود اعلان مینماید و اقدام خواهد نمود که بعدها از روسیه بایران اینگونه هیئتها اعزام نشوند. دولت شوروی روسیه اراضی و ابنیه و دارائی هیئت ارتودکس را در ارومیه و همچنین تمام دارائی سایر مؤسسات سنخ هیئت مزبوره را بیاغوض بملکیت دائمی ملت ایران که دولت ایران نماینده آن است واگذار مینمایند.

دولت ایران اراضی و آبیه و دارائی مزبور را بمصرف ساختن مدارس و سائر مؤسسات معارفی خواهد رساند .

فصل شانزدهم

نظر بمندرجات مراسله دولت شوروی بتاريخ ۲۵ ايون ۱۹۱۹ راجع بابطال قضاوت قونسول ها اتباع روسيه ساکن ایران و همچنین اتباع ایران ساکن روسيه از تاريخ امضاء اين معاهده دارای حقوق مساوی با سکنه محلی بوده و محکوم قوانین مملکت متوقف فیها خواهند بود و بتمام کارهای قضائی آنها در محاکم محلی رسیدگی خواهد شد .

فصل هفدهم

اتباع ایران در روسيه و همچنین اتباع روسيه در ایران از خدمت نظامی و تأديه هر نوع مالیات نظامی یا عوارض نظامی معاف هستند .

فصل هیجدهم

اتباع ایران در روسيه و اتباع روسيه در ایران در آزادی مسافرت در داخله مملکت دارای حقوقی میباشند که باتباع دول کامله الوداد بغیر از دول متحده با روسيه واگذار میشود .

فصل نوزدهم

طرفین معظمین متعاهدین در مدت قلیلی پس از امضاء این عهدنامه اقدام در تجدید روابط تجارتی خواهند نمود ، وسائل تنظیم واردات و صادرات مال التجاره و تأديه قیمت آن و همچنین طرز دریافت و میزان حق گمرکی که از طرف ایران بر مال-

التجارة روس تعاق میگیرد مطابق قرارداد خاص تجارتی که بوسیله کمیسیون خاص از نمایندگان طرفین تشکیل خواهد شد معین خواهد گردید.

فصل بیستم

طرفین معظمین متعاهدین متقابلاً بهمدیگر حق ترانزیت میدهند که از طریق ایران و یا طریق روسیه بممالك ثالثی مال التجارة حمل نمایند ضمناً بر مال التجارة حمل شده عوارض بیش از آنچه از مال التجارة دول كامة الوداد غیر از ممالك متجده با جمهوری اتحادی شوروی روسیه اخذ میشود نباید تعاق بگیرد.

فصل بیست و یکم

طرفین معظمین متعاهدین در اقل مدت پس از امضاء این عهدنامه اقدام در استقرار روابط تلگرافی و پستی مابین ایران و روسیه خواهند نمود شرایط روابط مذکوره در قرارداد خاص پستی و تلگرافی معین خواهد شد.

فصل بیست و دوم

برای تثبیت روابط ودادیه هم جواری و تهیه موجبات درك حسن نیت همدیگر که پس از امضاء این عهدنامه فیما بین برقرار میشود هر يك از طرفین معظمین متعاهدین در پایتخت طرف مقابل نماینده مختار خواهند داشت که چه در ایران و چه در روسیه دارای حق مصونیت خارج از مملکت (اکستری توریالیته) و سایر امتیازات مطابق قوانین بین المللی و عادات و همچنین قواعد و مقررات جاریه در مملکتین نسبت بنمایندگان سیاسی خواهند بود.

فصل بیست و سوم

طرفین معظمین متعاهدین به نیت توسعه روابط ممالکین متقابلاً در نقاطیکه برضایت طرفین معین خواهد شد تأسیس قونسولگری ها خواهند نمود حقوق و صلاحیت قونسولها در قرارداد مخصوصی که بلا تأخیر پس از امضاء این عهدنامه منعقد خواهد شد و همچنین مطابق قواعد و مقررات جاریه در هر دو مملکت نسبت بمؤسسه قونسولها معین خواهد شد.

فصل بیست و چهارم

این عهدنامه باید در ظرف سه ماه تصدیق شود مبادله تصدیق نامها در شهر طهران حتی الامکان در مدت قلیلی بعمل خواهد آمد.

فصل بیست و پنجم

این عهدنامه بزبان فارسی و روسی در دو نسخه اصلی نوشته شده در موقع تفسیر آن هر دو نسخه معتبر میباشند.

فصل بیست و ششم

این عهدنامه فوراً پس از امضاء دارای اعتبار خواهد شد، برای تصدیق آن چه گفته شد امضاء کنندگان ذیل این عهدنامه را امضاء کرده و بامهار خود ممهور نمودند. در شهر مسکو در ۲۶ فورال ۱۹۲۱ تحریر شد. امضاء. ! که اور کی چیچرین. ل. کاراخان - مشاور الممالک

پایان و نتیجه

در سطور و فصول گذشته ملاحظه گردید که مشروطیت ایران از دوره ناصرالدین شاه سرچشمه گرفته و نهضت ترقی طلبی و تجدید مظاهر تمدن بر وفق مقتضیات عصر شروع و حوادث بس مهم از نظر سیاسی و اجتماعی و تاریخی در وطن عزیز ما ظهور یافته است بنا بر مراتب فوق خلاصه و نتایج تاریخ گذشته را تکرار و تذکر میدهم که اصولان نهضت اخذ تمدن جدید و اصلاح عادات و رسوم گذشته بعد از مغلوبیت قوای ایران از قشون منظم روسیه ۱۲۴۶ هجری قمری و تحمیل معاهده منجوس تر که منجای ۱۸۲۸ که مبنای سایر قرارداد های مضره بنام معاهدات دول کامله الوداد گردید * (خوشبختانه تمام اینگونه عهدنامه ها در عصر بهلوی که شرح آن در کتاب (ایران جدید) بیاید ملغی و معاهدات جدید بر روی تساوی حقوق و منافع متقابل تنظیم شده) و پی بردن دیردان دانشمند ایران بخرابی وضعیات اداری و سیاسی و اقتصادی و مراوده رجال منورالفکر باممالك و ملل فرنگ شروع گردید - نهایت آنکه در دوره مظفری بحران و فرو ریختگی اوضاع بشدت رسیده و بذر افشاندن از حوادث آبیاری و بنای خود نمائی را گذارده دانشمندان گفته اند : حوادث را باید از علل اصلیه شناخت و از حقیقت معنی پی بظاهر برد .

بطوریکه از مطالعه دقیق او راق و صفحات تاریخ وطن استنباط میشود . همیشه يك شعور باطنی که حاکی از روح زنده و فعال استقلال طلبی میباشد - در کمون ایران باستانی موجود و از پیش آمدها استفاده نموده و در مواقع لازمه استعداد باطنی ایران را نشان داده و نوا بی

را برای اصلاح و مرمت خرابکارها و تجدید جلالت و عظمت دیرینه کشور داریوش بمنصبه بروز و ظهور رسانیده است.

اقوی دلیل تاریخی در زمان خود ما و عصر حاضر واقع شد ستاره درخشان اقبال پهلوی یکی از همان گذارشات مهم تاریخی است. زبان گویای تاریخ میگوید: صد يك صدمات و بحر آنها و تشنجات و قتل عامهای تاریخی که بواسطه موقعیت جغرافیائی و بوسیله اسکندر، اعراب، مغل - ترك، افغان و غیره بملت بردبار ایران روی داد عارض ملل دیگر همچون - کلد، آشور، روم شرقی شد و آنها از بین رفتند ولی هنوز ایران کهن با استقلال بتمام معنی برای ایستاده و باهندستی سایر ملل متقدم هم عصر خود برای ترقی و تکامل مدنیت بشر کوشش میوزد، « تا قبل از کودتا غالباً از دهان برخی از نمایندگان میگانه متوقف در ایران شنیده شده بود که گفته بودند (با این همه ابتلائات و با رویه و اخلاق ظاهری اکثر ایرانیان تعجب میکنیم - چطور تا کنون ایران زنده و استقلال خود را نباخته است) چندی از این گفته نگذشته بود که دستی از غیب بدرآمد و بر سینه نامحرم زد و عظمت و جلالت دیرینه را تجدید کرد.

بطوریکه در فصول گذشته ذکر آن رفت تا قبل از کودتای ۱۲۹۹ مملکت هم از نظر داخله و هم از نظر خارجه بمنتهای خرابی و مذلت و بیچارگی رسیده بود که هیچ دانشمند عاقلی ظاهراً امید بهبودی وضعیات را نداشت.

خزانة تهی و کار بجائی رسیده بود که در سنه ۱۳۳۶ هجری قمری وزیر مالیه وقت چند هزار خروار جو - بقایای انبار غله دولت را

در انزاء حقوق ادارات فیما بین جمعی از مستخدمین دولت توزیع کرده و جریان قحطی مصنوعی را تسریع و بالنتیجه قریب شصت هزار نفر در طهران بایتخت ممالکت از گرسنگی مردند و عده صدقه خور مبلغین مذهب پروتستان گردیدند.

مملکت تا قبل از کودتا - نوعی فاقد قوای منظم بود که برای سرکوبی رضای حوزانی چند ماه وقت دولت صرف تهیه چند صد سوار بختیاری شد - بالجماعه، دور نمای آن روز چنین بود - گیلان و مازندران در حال اغتشاش، آذربایجان لگد کوب سواران وحشی کرد. سمیتقو. استرآباد و اطراف خراسان مورد تاخت و تاز تراکم. صفحات جنوب دستخوش یکه تازان بهارلو و بویراحمدی. قطعات مرکزی گرفتار چپاول الوار. بایتخت صحنه بازیگری جمعی و لگد و ورشکسته گان بازاری.

این بود دور نمای مختصری از وضعیات داخله تا قبل از کودتای ۱۲۹۹

اماسیاست خارجی

تقریباً از یک قرن باینطرف مملکت از هر حیث اسیر فشار و تجاوز دو همسایه مقتدر جنوبی و شمالی شده بود

از طرفی بعضی از اعمال جنوبیها سعی در انهدام قوای معنوی ایران داشته و طرفدار استقلال پوشالی ایران و راضی نمیشدند در جوار هندوستان دولت مقتدری بنام ایران موجود باشد،

چنانکه داستان تصرف هرات این سیاست را روشن ساخت - آثار نشان میداد - و اسناد سیاسی منتشره دلالت دارد بر اینکه:

منظور سیاسی خود را این قرار داده بودند که در این کشور یک دولت پوشالی و حکومت بوروکراسی و از هر جهت ضعیف و آلت

دست موجود باشد. تا در مواقع لازمه بتوانند بهر طرفی و هر مقصدی که میل دارند آنرا سوق بدهند

لذا بر طبق این نظریه در تمام کارها از مساجد و بازار گرفته تا امور ایالات صحرا گرد و حتی قصابخانه با سم حمایت (کورمی) «قصابهای بربری طهران» مداخله و اعمال نفوذ مینمودند.

از جهة دیگر روسهای تزاری برای رسیدن بدریای آزاد (خلیج فارس) از هیچ نوع فداکاری مضایقه نداشته و با قدرت سرنیزه همه روزه بر شدت تجاوز خود افزوده و صفحه ایران را مهمترین میدان نبرد خصومت دیرینه با حریف بیدار و زرنگ و قوی پنجه خود قرار داده - خراب میکردند و میکشیدند و پیش میرفتند. و هیچگونه معاهده نیز مانند تقسیمات نفوذی معاهده ۱۹۰۷ میلادی نتوانست از طمع روسیه بکاهد و سیاست دربار تزار را از پیشرفت مقصود منحرف سازد. جنگ بین الملل نیز مد مبارزه شده و در عین اتفاق و اتحاد جنگی دولتن از رقابت نکاست و پرده خونین فراموش نشدنی را در وطن بیطرف ما بمرض نمایش گذارده و هستی رعایای صلح طلب را بباد فنا دادند.

اوضاع دربار

عدم علاقه دربار سلاطین قاجار خصوصاً در ادوار مشروطیت بیشتر سبب پریشانی وضعیات سیاسی و اجتماعی گردیده و از هر طرف روزنه امید را مسدود و قلوب وطن پرستان حقیقی را مجروح و از پیش آمدهای تاریک و مجهول مأیوس ساخته بود.

بایک چنین وضعیتی که اندک را از بسیار نشان دادیم و عامه عقلاء دور اندیش سر بچیب تفکر فرو برده و بحال زار آینده نگران بوده

روز گار را تیره و تار مینگریستند ناگهان :-

صبح سوم حوت ۱۲۹۹ شمسی طلوع و در اندك زمانی خرابیها
اصلاح و آب رفته را بطوری بجوی بازگردانیدند که ایران همیشه
ابداً قابل مقایسه با ترتیبات قرون اخیر نیست: امنیت در همه جابر قرار -
خزانه سرشار - قشون منظم و پابرجا - صلاهی آبادی بلند و طبقات
هموطنان سرگرم خدمت و پیشرفت شدند که در کتاب (ایران جدید) مفصلاً
نگارش خواهد رفت .

تاریخ (نهضت ایران) را بذکر يك بیت حافظ شیرازی خاتمه
داده و از دوستان همت و از خداوند مغفرت و رحمت میطلبیم ..

باش تا صبح دولست بدمد

کین هنوز از نتایج سحر است

مرداد ۱۳۱۲ شمسی ح . مدیر حلاج

فرمان مشروطیت (السلطان مظفرالدین شاه)

جناب اشرف صدر اعظم

از آنجا که حضرت باری تعالی جل شأنه سر رشته توفیق و سعادت مملکت عجم و سیما ایران را بکف با کفایت ماسپرده و شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی ایران و رعایای صدیق خودمان قرار داده است لهذا در این موقع کمبریاری رفاهیت و امنیت قاطبه اهالی ایران و تشدید و تأیید مبانی دولت و اصلاحات مقتضیه که بمروار در دوائر دولتی و مملکتی بموقع اجراء گذارده شود تا چنان مصمم شدیم که مجلس شورای ملی از منتخبین شاهزادگان و علماء و قاجاریه و اعیان و ملاکین و تجار و اصناف بانتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافه طهران تشکیل و تنظیم شود - که در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازمه بعمل آید و بهیئت وزراء دولت خواه در اصلاحاتی که برای سعادت و خوشحالی ایران خواهد شد اعانت و کمک لازم را بنمایند ،

و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خود را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات قاطبه اهالی مملکت بتوسط شخص اول دولت بعرض برساند که بصره همایونی توشیح و بموقع اجرا گذارده شود .

بدیهی است بموجب این دستخط مبارک نظامنامه و ترتیبات

این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آنرا موافق تصویب و امضای منتخبین از این تاریخ مرتب و مهیا خواهند نمود . که بصره ملوکانه رسیده و بعون الله تعالی - مجلس شورای مرقوم که نگهبان عدل ما است - افتتاح و اصلاحات لازمه امور مملکت و اجراء قوانین شرع مقدس شروع نماید . و نیز مقرر میداریم که سواد دستخط مبارک را اعلان و منتشر نمائید تا قاطبه اهالی از نیات حسنه ما که تماماً راجع بترقی دولت و ملت ایران است - گماینهی - مطلع و مرفه الحال مشغول دعا گوئی دوام این دوات و این نعمت بی زوال باشند در قصر صاحبقرانیه ، بتاریخ چهاردهم شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۴ هجری در سال یازدهم سلطنت ما .

محل صحنه همایونی

البته خوانندگان محترم ملاحظه فرموده اند که بعد از ابلاغ فرمان فوق توسط میرزا نصرالله خان مشیرالدوله - بطوری که در فصل سوم و چهارم شرح آن داده شد مجلس مؤسسان تشکیل و بعداً نظامنامه و قانون اساسی تدوین و بجریان افتاد - ولی نظر باینکه قوانین مزبوره در دسترس همه کس بود درج آن را زاید دانستیم . (حلاج)

